

اخبار و گزارشات کارگری 10 اسفند ماه 1399

- شماره ای دیگر از سریال تجمعات اعتراضی تجمع اعتراضی سراسری کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق
- تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته صنعت فولاد نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت بموقعش و خدمات نامناسب بیمه مقابل استانداری اصفهان همزمان با تجمع اعتراضی سراسری کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی
- تجمع اعتراضی کارگران مدت موقت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مقابل دفتر مدیریت
- کانون نویسندگان ایران: دادگاه تجدید نظر حکم ۱۱ سال زندان آرش گنجی را عیناً تأیید کرد
- انتقال اسماعیل عبدی از بند 8 به بند 6 (350 سابق) زندان اوین
- صدور حکم غیابی زندان برای پروین محمدی
- بیانیه عمومی در اعتراض به پرونده سازی علیه جوانمیر مرادی و محاکمه وی
- آخرین خبرها آخرین از سیستان و بلوچستان بنقل از یک منبع خبری محلی
- تجمعات اعتراضی دامنه دار اهالی راوه نسبت به احداث معدن مس در نزدیکی روستا در منطقه و مقابل ساختمان قوه قضائیه در تهران
- بازداشت تعدادی از فعالین محیط زیست و اهالی معترض روستا به دستور دادستان دلیجان
- تجمع اعتراضی اعضای مالباخته تعاونی مسکن کارگران برق منطقه ای تهران مقابل فرمانداری هشتگرد
- تجمع اعتراضی کارگران شیر پگاه تهران نسبت به عدم بازگرداندن زمین هایشان و وعده های توخالی مسئولان مقابل ساختمان قوه قضائیه
- تجمع اعتراضی اهالی روستای اسلام آباد نسبت به نحوه واگذاری اراضی ملی در فرمانداری شهرستان اشکذر
- تجمع اعتراضی اهالی شهر شاوور نسبت به آلودگی هوای منطقه توسط کوره آجر توکل
- تجمع اعتراضی فارغ التحصیلان مهندسی پزشکی دانشگاه آزاد بروجرد نسبت به عدم تعیین تکلیف گرایش در مدرک تحصیلی مقابل دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان
- جان باختن کارگر اداره برق سقز پس از قریب یک ماه دست و پنجه نرم کردن با مرگ در بیمارستان
- *شماره ای دیگر از سریال تجمعات اعتراضی تجمع اعتراضی سراسری کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق**
- روزیکشنبه 10 اسفند، کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی در ادامه سریال اعتراضاتشان نسبت به سطح نازل حقوق دست به تجمع مقابل سازمان تامین اجتماعی در شهرهای

اراک، اصفهان، اهواز، ایلام، بجنورد، تبریز، تهران، خرم آباد، خرمشهر (باشرکت بازنشستگان آبادان و خرمشهر) رشت، زنجان، دزفول، ساری، سنندج، شاهرود، شوش و هفت تپه، شوشتر، شیراز، کرج، کرمان، کرمانشاه، مشهد، یزد و زدند و در برخی از شهرها از جمله تهران بطرف وزارت کار و شوش در خیابانی از شهر راهپیمایی کردند.





شعارها:

- همسانسازی کجا بود دروغ بود و ریا بود
- فقط کف خیابان بدست میاد حقمون
- کار پر از مشقت سخت و زیان آورده
- اینهمه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی
- وعده وعید کافیه سفره هامون خالیه
- کشتی بازنشسته دیگه به گل نشسته

***تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته صنعت فولاد نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت بموقعش و خدمات نامناسب بیمه مقابل استانداری اصفهان همزمان با تجمع اعتراضی سراسری کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی**

روز یکشنبه 10 اسفند همزمان با تجمع اعتراضی سراسری کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق، کارگران بازنشسته صنعت فولاد استان اصفهان برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت بموقعش و خدمات نامناسب بیمه مقابل استانداری اجتماع کردند.



یکی از کارگران بازنشسته ذوب آهن حاضر در تجمع به خبرنگار رسانه ای گفت: بودجه‌ای که در سال 1400 به صندوق بازنشستگان اختصاص داده شده دارای اشکالات و معایب ساختاری است در آیین‌نامه سال آینده آمده که حقوق بازنشستگان فولاد در ردیف هفتم جدول به مدت پنج یا شش ماه است و ماه‌های بعدی آن در ردیف نهم قرار دارد.

او در خصوص مشکلات درمان بازنشستگان صنایع فولاد و معادن گفت: با وجود این که درصد بازنشستگی بیشتری داشته ایم و مبلغ درمانی که پرداخت کرده‌ایم بیشتر بوده متأسفانه از خدمات درمانی کمتری برخوردار هستیم. صندوق‌های بازنشستگی قراردادهای خود با خدمات درمانی را به صورت ناقص انجام داده با این وجود که پرداختی بازنشستگان به صورت کامل و تکمیلی بوده.

بازنشسته ذوب آهن در خواست خود را اینگونه بیان کرد: می‌خواهیم همانند دیگر بازنشستگان کشوری و لشکری حقوق مستمر و مطابق قانون داشته باشیم و همچنین در مورد درمان از خرید داروهایی که قبلاً زیر نظر بیمه بوده و اخیراً از پوشش بیمه خارج شده هم معترض هستیم.

بگزارش رسانه ای شده:

تجمع بازنشستگان کارگری مقابل تامین اجتماعی/ دور جدید همسان‌سازی همین امسال اجرایی شود

امروز بازنشستگان کارگری در تهران و برخی شهرستانها تجمع کردند.

امروز (دهم اسفند)، بازنشستگان کارگری در اعتراض به سیاست‌های مزدی دولت در مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع کردند؛ همزمان در برخی شهرستانها، بازنشستگان کارگری مقابل ادارات تامین اجتماعی جمع شدند.

این تجمع از ساعت ۱۰:۳۰ تا حدود ظهر ادامه یافت؛ بازنشستگان حاضر در تجمع، خواسته‌های خود را به این ترتیب بیان می‌کنند: افزایش مستمری‌ها به اندازه خط فقر و سبد معاش؛ اجرای دور جدید همسان‌سازی در همین سال جاری؛ ارائه خدمات درمانی رایگان به بازنشستگان؛ برخورداری از حق مشارکت مستقل و پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی.

یکی از حاضران در تجمع امروز، در این رابطه گفت: چرا باید مدیران دولتی، حقوق نجومی بگیرند اما دستمزد بازنشسته زیر سه میلیون تومان باشد؛ هزینه‌ها دلاری است اما دستمزد ما ریالی و ناچیز است!

***تجمع اعتراضی کارگران مدت موقت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی نسبت به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مقابل دفتر مدیریت**

روز یکشنبه 10 اسفند، کارگران مدت موقت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی برای اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مقابل دفتر مدیریت این سازمان تجمع کردند.

یکی از کارگران حاضر در تجمع با اشاره به اینکه طرح طبقه بندی مشاغل باید از سال 90 در این سازمان اجرا می شد به خبرنگاریک رسانه محلی گفت: طرح طبقه بندی مشاغل تاکنون از سوی مسئولان مسکوت مانده و اجرا نشده است.

وی افزود: طرح طبقه بندی مشاغل سال 1370 تهیه و تدوین شد و در سال 1383 برای اجرا به مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ابلاغ شد و همچنین سال 85 برای کل این مناطق لازم الاجرا شده است.

او ادامه داد: در هنگامی که ما نیرو پیمانکار بودیم و با وجود پیگیری های متعدد، متأسفانه این طرح در منطقه ویژه اجرا نشده است.

وی اضافه کرد: در هنگام تبدیل وضعیت ما از پیمانکار به مدت موقت خبری از اجرایی شدن طرح طبقه بندی مشاغل نشد؛ اما در سال 95 وزارت نفت طبق ماده 48 و 49 اجرا کردن این طرح را سازمان ابلاغ کرده است، ما با انتخاب وکیل و شکایت از سازمان مراتب را به وزارت کار رساندیم.

وی ادامه داد: پس از آن و در روزهای اسفند 99 رای به اداره کار بندرامام ابلاغ شده و دفترچه و شناسنامه شغلی و میزان افزایشات و ضرایب این طرح به سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی اعلام شده است.

وی با بیان اینکه از زمان ابلاغ این رای تا کنون هیچ بازخورد مثبتی برای اجرا این طرح دیده نشده و این موضوع همچنان از طرف مسئولین مسکوت مانده است یاد آور شد: این طرح تاکنون در بسیاری از شرکت های مسقر در این منطقه اجرا و پیاده سازی شده است.

***کانون نویسندگان ایران: دادگاه تجدید نظر حکم ۱۱ سال زندان آرش گنجی را عیناً تأیید کرد**

امروز نهم اسفند ماه، حکم دادگاه تجدید نظر آرش گنجی، منشی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران به وکلای او، ناصر زرافشان و راضیه زیدی ابلاغ شد.

آرش گنجی در دادگاه بدوی که حکم آن دهم دی ماه سال جاری ابلاغ شده بود، با اتهام های بی اساسی چون «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» به ۵ سال، «تبلیغ علیه نظام» به یک سال، «عضویت و همکاری با گروهک مخالف نظام» به ۵ سال و جمعاً به ۱۱ سال زندان محکوم شده بود. مصداق این اتهام ها "ترجمه"ی کتابی درباره ی تحولات کردستان سوریه (کلید کوچک دروازه های بزرگ) بود.

حکم دادگاه بدوی که دو روز پس از آخرین جلسه ی دادگاه گنجی در شعبه ی ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی عموزاد صادر شده بود، در دادگاه تجدید نظر عیناً تأیید شد.

آرش گنجی روز یکم دی ماه ۱۳۹۸ بازداشت و پس از چهار هفته با تأمین قرار وثیقه‌ی ۴۵۰ میلیون تومانی تا برگزاری دادگاه از زندان اوین آزاد شد. نخستین جلسه‌ی دادگاه او ۲۵ خرداد ۱۳۹۹ به ریاست قاضی مقیسه برگزار شد که به دلیل مبهم بودن برخی موارد، دادگاه زمان دیگری را برای رسیدگی به پرونده تعیین کرد. با این همه محمد مقیسه وثیقه‌ی گنجی را به ۳ میلیارد تومان افزایش داد که منجر به بازداشت مجدد او شد. گنجی پس از تأمین وثیقه روز ۳۱ خرداد موقتاً و تا پایان مراحل دادرسی از بازداشتگاه اوین آزاد شد.

***انتقال اسماعیل عبدی از بند ۸ به بند ۶ (۳۵۰ سابق) زندان اوین**

به دستور دادستان تهران و با نامه دایره نظارت بر زندانیان سیاسی اوین اسماعیل عبدی فعال سرشناس کانون صنفی معلمان از بند ۸ به بند ۶ (۳۵۰ سابق) انتقال یافت. شایان ذکر هست که با تغییرات اعمال شده در سال گذشته، همه زندانیان سیاسی و امنیتی از این بند به زندان‌های دیگر منتقل شده‌اند و هم اکنون به غیر از اسماعیل عبدی، محمد نوری زاد نیز در بند ۶ (۳۵۰ سابق) نگه‌داری می‌شود.

***صدور حکم غیابی زندان برای پروین محمدی**

روز ۲۹ آذر ابلاغیه‌ای در سامانه ثنای پروین محمدی قرار گرفت که طبق آن به پروین محمدی ۵ روز فرصت داده شده بود تا جهت اجرای حکم، خود را به شعبه ۱ اجرای احکام شهید مقدس تهران معرفی نماید.

اجرای حکمی که پروین محمدی نه تنها از آن اطلاعی نداشت بلکه حتی یک ابلاغیه یا اطلاعی برای او هیچگاه صادر نشده بود.

سپس وکیل پروین محمدی به شعبه ۱ اجرای احکام شهید مقدس مراجعه می‌کند و متوجه می‌شود پروین برای پرونده‌ای که سال ۹۶ برای او گشوده شده است به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یکسال حبس محکوم شده است و در این راستا هم قرار جلب و هم قرار ممنوع‌الخروجی نیز برایش صادر شده است.

مصادق این عنوان اتهامی نیز ایراد سخnrانی در جمع کارگران بازنشسته حول مطالبات بازنشستگان و نیز مصاحبه درباره آتش سوزی پلاسکو است.

اما اگر چنین پرونده‌ای از سال ۹۶ مفتوح بوده است چرا هیچگاه ابلاغیه و یا احضاری برای پروین صادر نشده است که خود او از وجود چنین شکوائیه‌ای مطلع گردد؟ پروین محمدی که مخفی و یا فراری نبوده است که پرونده‌سازی و صدور حکم غیابی برای او صورت گیرد!

جالب اینجاست که از سال ۹۶ تاکنون دو بار و در سال‌های ۹۷ و ۹۸ پروین محمدی دستگیر و زندانی شده و کاملاً در اختیار سیستم امنیتی و قضایی بوده است پس چرا درباره چنین پرونده‌ای مورد بازجویی و یا محاکمه قرار نگرفته است؟

چیزی که مشخص است بازی دادن و بی قانونی مفرط نهادهای امنیتی با کارگران و فعالین کارگری است که هر زمان بخواهند آنان را دستگیر و زندانی کنند بدون هیچ دلیل و سندی و ظرف چند روز پرونده‌ای قضایی را شکل می‌دهند و برای توجیه، تاریخ چند ساله‌ای را نیز بر آن میزنند تا فعالین و کارگران را به زندان افکنند.

پروین محمدی نماینده سابق کارگران صنایع فلزی ایران و نائب رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و همچنین عضو هیات موسس شورای کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی (بستا) است.

آنچه که عیان است عزم راسخ نهادهای امنیتی برای سرکوب و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری و مشخصاً پیشبرد تهاجم همهجانبه به اتحادیه آزاد کارگران ایران است که به هر طریق ممکن میخواهند آن را به تعطیلی بکشاند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن محکوم کردن صدور حکم غیابی زندان برای پروین محمدی خواهان ابطال فوری این حکم و رفع تعقیب قضایی از اوست.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- دهم اسفند نود و نه

***بیانیه عمومی در اعتراض به پرونده سازی علیه جوانمیر مرادی و محاکمه وی**

جوانمیر مرادی از فعالین کارگری شناخته شده، روز ۱۴ دی ۹۹ توسط اطلاعات سپاه نبی اکرم کرمانشاه به خاطر فعالیت هایش در دفاع از کارگران، کودکان کار و دفاع از حقوق عموم مردم جامعه که زیر بار فقر و گرسنگی زندگیشان تباه شده و همواره اعتراضاتشان با سرکوب و خشونت پاسخ می گیرد بازداشت شد و به مدت ۸ روز در سلولهای انفرادی مورد بازجویی قرار گرفت.

جوانمیر مرادی توسط شعبه ۴ بازپرسی کرمانشاه ابتدا به تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه های معاند نظام تفهیم اتهام گردید که بعداً از اتهام عضویت در گروه های معاند نظام تبرئه گردید.

طبق آخرین ابلاغیه الکترونیکی که برای جوانمیر مرادی در تاریخ ۵ اسفند ۹۹ ارسال گردیده است، وی باید روز ۱۱ اسفند ۹۹ در شعبه یک دادگاه انقلاب کرمانشاه حاضر شود تا به اتهامش رسیدگی شود و به جرم دفاع از کارگران، جمع آوری کمک های خوراکی و بهداشتی و توزیع آنها میان کودکان کار و همچنین دفاع از حقوق انسانیشان، به جرم دفاع از زندانیان سیاسی و اعتراض به شکنجه های روحی و جسمی آنان، به جرم دفاع از حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اکثریت مردم محروم جامعه و به جرم اعتراض به کشتار معترضان آبان ۹۸ و اعدام زندانیان محاکمه شود.

مصادیق اتهام تبلیغ علیه نظام که با استناد به آن علیه جوانمیر مرادی پرونده سازی شده است، همین مواردی هستند که فوقاً به آنها اشاره شده است!

این نوع فعالیت های کاملاً انسانی و انسان دوستانه که امروز در قرن ۲۱ از نظر سیستم قضایی ایران جرم به حساب می آیند و به فعالین آنها دست بند و پابند می زنند و آنان را محاکمه و مجازات می کنند، نزدیک به یک قرن است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان جزو ابتدایی ترین حقوق شهروندان به حساب می آیند و محترم شمرده می شوند.

این گونه فعالیت ها باید در ایران نیز آزاد گردند و به فعالین در عرصه های دفاع از حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم با احترام رفتار گردد.

وجهه امنیتی دادن به این فعالیتها و سرکوب و زندان و اذیت آزار فعالین باید فوراً پایان داده شود.

ما امضاء کنندگان این بیانیه ضمن اعتراض شدید به پرونده سازی علیه جوانمیر مرادی با اتهام واهی تبلیغ علیه نظام به خاطر فعالیتهای انسانی، خواهان مختومه شدن فوری پرونده و منع هر گونه تعقیب علیه او هستیم.

همچنین از همه تشکلهای، نهاده و سازمانهای کارگری و اجتماعی و همه مردم انساندوست می خواهیم در کنار ما قرار گرفته و از جوانمیر مرادی قاطعانه حمایت کنند.

۱- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

۲- گروهی از فارغ التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه

۳- گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه

۴- سندیکای نقاشان البرز

۵- گروهی از فعالین کارگری سقز

۶- گروهی از کارگران لوله کش ساختمانی سقز

۷- گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز

۸- گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز

۹- گروهی از کارگران بیکار محله تپه شافعی سقز

۱۰- گروهی از کارگران بیکار محله بردبران سقز

۱۱- گروهی از کارگران بیکار محله تپه مالان سقز

۱۲- گروهی از کارگران بیکار محله

کریم اباد سقز

۱۳- گروهی از فعالین کارگری سنندج

۱۴- گروهی از کارگران نانوائی سنندج

۱۵- گروهی از کارگران کمربندی ۱۸ شهریور سنندج

۱۶- گروهی از کارگران بیکار خیابان فرح سنندج.

۱۷- گروهی از کارگران دستفروش سنندج

۱۸- گروهی از کارگران شهرک صنعتی سنندج

۱۹- گروهی از جوانان بیکار روستای نوره سنندج

۲۰- گروه کوهنوردی زنان خانهدار سندج

۲۱- گروهی از کولبران مریوان

۲۲- گروهی از کارگران مرغداری مریوان ۲۳- گروهی از معلمان مریوان

۲۴- گروهی از کارگران فصلی نقده

۲۵- گروهی از فعالین لغو کار کودکان

۹ اسفند ۹۹

***آخرین خبرها آخرین از سیستان و بلوچستان بنقل از یک منبع خبری محلی:**

-اعتراضات همچنان ادامه دارد و در آخرین مورد معترضان بلوچ مسیر ترانزیتی افغانستان زهک - زابل را مسدود کردند.

- شنبه شب (9 اسفند)، معترضان به قتل سوختبران توسط سپاه، مسیر ورودی شهر چابهار را بستند.

- اعتراضات مشابه در زهک، و مسیر ترانزیتی جاسک - چابهار - و چابهار - ایرانشهر صورت گرفته است.

- معترضان به قتل سوختبران مسیر باهوکلالت دشتیاری به سمت چابهار را هم بستند.

- ضرب و شتم و بازداشت گسترده معترضان به کشتار سوخت بران

- نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف استان، معترضان را مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار دادند:

/روز جمعه 8 اسفند، مأموران آگاهی ایرانشهر با تیراندازی به سمت معترضان، دست کم ۴ نفر را پس از ضرب و شتم بازداشت کردند.

همچنین در این روز دستکم سه معترض در "شورو" از توابع شهرستان زاهدان توسط نیروهای ضد شورش بازداشت شدند.

هویت یکی از بازداشت شدگان ایرانشهر "یحیی شکل زهی" عنوان شده است.

هویت بازداشت شدگان شورو "زکریا" و "سعید" فرزند یار محمد و "عبدالجلیل" فرزند ملاحسین عنوان شده است. این سه نفر از طایفه شه بخش هستند.

/نیروهای آگاهی ایرانشهر به سمت معترضان شلیک کرده اند که بر اثر آن یحیی از ناحیه پا مجروح شده و به مسجدی در خیابان فردوسی پناه برده است. مأموران آگاهی با کشف مکان اختفای یحیی، او را بازداشت کرده و به مکانی نامعلوم انتقال داده اند. با وجود مراجعه خانواده و نزدیکان یحیی به مراکز درمانی، تاکنون خبری از وضعیت او در دسترس نیست.

/روز چهارشنبه 6 اسفند، نیروهای انتظامی با شلیک گلوله پلاستیکی به یک دانش آموز موتور سوار 14 ساله بنام دانیال سعیدی فرزند غلام جان ساکن اسپنج سراوان، سبب جراحت او از ناحیه پا شدند.

/روز دوشنبه 4 اسفند، پس از تیراندازی نیروهای سپاه پاسداران به سوخت بران مرزی، شماری از سوخت بران بازداشت شدند.

هویت یکی از بازداشت شدگان حسین نارویی فرزند گل محمد اهل روستای سرتختی شهرستان بمپور عنوان شده است.

***تجمعات اعتراضی دامنه دار اهالی راوه نسبت به احداث معدن مس در نزدیکی روستا در منطقه و مقابل ساختمان قوه قضائیه در تهران**

بازداشت تعدادی از فعالین محیط زیست و اهالی معترض روستا به دستور دادستان دلیجان

از هفته آخر بهمن ماه ،اهالی روستای راوه از توابع شهرستان دلیجان در استان مرکزی برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به احداث معدن مس در نزدیکی روستا تجمعاتی را در منطقه و مقابل ساختمان قوه قضائیه در تهران برپا داشتند.



روزیکشنبه 10 اسفند، یکی از اهالی این روستا در باره اعتراضات چند روز گذشته اهالی این روستا جهت جلوگیری از احداث معدن مس، به خبرنگار یک رسانه محلی گفت: این معدن در سال 1383 مجوز اکتشاف گرفته است ولی با توجه به فاصله بسیار کم (200-300 متر) با مزارع مردم روستا و فاصله حدودا 5 کیلومتری با روستا و تخریب های زیست محیطی که به بار می آورد، اعتراض اهالی منطقه را به همراه داشته است.

وی علت اصلی اعتراضات اهالی روستا را آلودگی زیست محیطی معدن دانست و گفت: بنا بر شنیده ها در جداسازی مس از ناخالصی ها، از اورانیوم استفاده می شود و همین باعث می شود تا هوای منطقه تا چند ده کیلومتر آلوده شود.

وی افزود: با توجه به اینکه راه زیر مجموعه محیط زیست استان قم محسوب می شود، در سال 1392 محیط زیست قم منطقه ما (منطقه پلنگ دره) را حفاظت شده اعلام کرده است و همین باعث شده تا محیط زیست هم نسبت به احداث این معدن معترض باشد چرا که احداث آن را مغایر با قوانین منطقه محافظت شده می داند.

وی با بیان اینکه کارخانه سیمان در نزدیکی روستا قرار دارد و در زمان تاسیس آن توافق شد که یک درصد فروش آن به منطقه تعلق بگیرد، گفت: ولی پس از تاسیس و فروش محصول کارخانه، این اتفاق نیفتاد و مردمی که برای تاسیس کارخانه سیمان مشتاق بودند با این عدم پایداری به توافق صورت گرفته، بدبین شدند و الان هم با توجه به تغییر نام معدن مس، نسبت به احداث این معدن هم بدبین شده و معترضند. در حال حاضر هم عدم پایداری به توافق صورت گرفته و تجربه بدی که اهالی منطقه نسبت به کارخانه سیمان دارند باعث شده تا اعتراضات نسبت به احداث معدن مس بیشتر شود.

وی افزود: اعتراضات مردمی حدود یک هفته قبل (اواخر بهمن ماه) با ورود ماشین های حفاری معدن به منطقه به اوج خود رسید و مردم با تجمع در نزدیکی معدن خواستار توقف حفاری شدند. پس از آن نیز برای پیگیری مطالبات خود، با در دست داشتن پلاکارد هایی به تهران رفته و در مقابل ساختمان قوه قضائیه خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. پس از این اعتراض قرار شد کارشناس قوه قضائیه به همراه کارشناس محیط زیست به راه آمده و موضوع را از نزدیک پیگیری کنند که فعلا این اتفاق نیفتاده است.

وی با اشاره به بازداشت شدن نیروهای محیط زیست و تعدادی از اهالی منطقه در جریان اعتراضات اهالی، گفت: این بازداشت ها که به دستور دادستان دلیجان انجام شد، باعث شد تا تنشج در میان اهالی منطقه بیشتر شود.

وی با اشاره به توافقی که سال 1386 با مالک معدن انجام شد، گفت: مالک این معدن موافقت کرد اسم معدن به نام "راه" باشد ولی در حال حاضر این معدن "دالی دلیجان" نامگذاری شده است.

وی با بیان اینکه سرمایه گذار این معدن در توافقات اولیه این قول را داد که برای احداث این معدن نظر اهالی منطقه را جلب کند، تشریح کرد: متأسفانه این اتفاق رخ نداده و این عدم توافق با اهالی منطقه در کنار خطراتی که احداث معدن برای منطقه و روستای راه ایجاد می کند باعث شده تا روستاییان به این موضوع معترض باشند.

وی با اشاره به مشکل مشابهی که در معادن مس وجود دارد، گفت: در بازدیدی که از معادن مس کرمان داشتم متوجه شدم که در آن جا هم مردم منطقه اعتراضاتی داشتند. با توجه به اینکه تعداد 30 پروانه چرای دام در منطقه راوه داریم، زمانی که معدن احداث شود یک سری از مراتع از بین می روند؛ همچنین به علت حفاری 400 تا 500 متری زمین، آب های زیر زمینی و سطحی منطقه نیز تاثیر قرار می گیرد. در واقع با توجه به اینکه احداث این معدن مشکلات زیادی را برای اهالی منطقه به وجود می آورد ولی متأسفانه هیچ پیش بینی خاصی نشده که چه نفعی به اهال منطقه می رساند.

وی با بیان اینکه مسئولین نباید بخاطر اشتغال اهالی منطقه در کارخانه سیمان، منتهی بر سر مردم روستا بگذارند، گفت: این حداقلی ترین حق اهالی منطقه است که از کارخانه ای که در نزدیکی آنان فعالیت می کند، نفعی هم به آنان برسد و این منت گذاشتن ها مردم را آزرده خاطر می کند.

وی با بیان اینکه فعلا احداث این معدن متوقف شده است تا رسیدگی ها صورت پذیرد، گفت: پس از اعتراضات اهالی به احداث این معدن، دستور توقف ساخت و ساز آن صادر شده تا بازرسی ها انجام شود و مجوز های لازم اخذ گردد. قرار است جلسه ای بین اهالی و سرمایه گذار در فرمانداری دلیجان برگزار شود تا به نتیجه ای برسیم.

***تجمع اعتراضی اعضای مالباخته تعاونی مسکن کارگران برق منطقه ای تهران مقابل فرمانداری هشتگرد**

روزشنبه 9 اسفندبرای باری دیگر ، اعضای مالباخته تعاونی مسکن کارگران برق منطقه ای تهران دست به تجمع مقابل فرمانداری هشتگرد زدند.





بنابه گزارش رسانه ای شده، ماجرا از این قرار است که بین سال های 70 الی 71، تعاونی مسکن کارگران برق تهران اقدام به عضوگیری می کند تا برای این افراد زمین تهیه کند، زمین های هشتگرد آن زمان جزء شهرک های اقماری بوده و هم ردیف با چند شهرک تهران بوده است. سیاست دولت بر این بود که مردم در این شهرک ها اسکان پیدا کنند.

مدیران تعاونی اقدام به خرید اراضی کرده و با تبلیغاتی که دولت روی هشتگرد انجام داده بود، مردم عادی هم به تعاونی مراجعه می کنند و درخواست کننده زمین از تعاونی بیشتر شد، تعاونی پس از عضوگیری مبلغی را از آنها دریافت می کرد، تعاونی زمین های 100 هکتاری و 200 هکتاری را در قالب های مختلف خریداری کرده و درصدد پیگیری روال قانونی می شود.

با تغییر مدیران و تغییر سیاست ها، تعاونی با شکست هایی مواجه می شود، به گونه ای که پرونده با 20 هزار مالباخته به دادگاه می رود و 28 سال است که در مراجع قضایی پیگیری می شود و مردم هم به تنگ آمده اند، اما مشکلی که باعث شد اعضای تعاونی روز شنبه مقابل فرمانداری هشتگرد تجمع کنند تصمیم اعضای هیات مدیره تعاونی بود.

اخیرا اداره ثبت هشتگرد به درخواست تعاونی برق تهران در نلش برای تغییر حد غربی پلاک فرعی 1447 است که با چراغ سبز فرمانداری این شهرستان همراه شده است، مالباختگان معتقدند با توجه به افزایش قیمت زمین، نهادها و عده ای از افراد درصدد خارج کردن زمین از دست مردم هستند.

با توجه به اینکه تصمیم مذکور قریب به 9 هزار نفر از اعضای تعاونی برق کارگران را تحت شعاع قرار داده و آنها را در عمل مالباخته می کند، تجمع کنندگان در حاشیه اعتراض خود بیانیه ای را هم با مضمون مطالبات اعضا منتشر کردند.

***تجمع اعتراضی کارگران شیر پگاه تهران نسبت به عدم بازگرداندن زمین هایشان و وعده های توخالی مسئولان مقابل ساختمان قوه قضائیه**

روز یکشنبه 10 اسفند، کارگران شیر پگاه تهران در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به عدم بازگرداندن زمین هایشان در منطقه تهران پارس و وعده های توخالی مسئولان دست به تجمع مقابل ساختمان قوه قضائیه زدند.

برپایه گزارش رسانه ای شده، این چندمین بار در یک الی دو سال اخیر است که این کارگران در اعتراض به خلف وعده ها در دریافت زمین های خود که از سوی یکی از نهادها تصرف شده، تجمع اعتراضی برگزار می کنند. آن ها فروردین ماه سال 96، شهریور ماه سال 97 و چندین روز متوالی در اسفند ماه سال 98 به نشانه اعتراض تجمع کرده بودند.

تجمع کنندگان گفتند: چندین سال است 700 نفر از کارگران خانواده شیر پگاه تهران منتظر دریافت 150 هزار متر از زمین‌های مسکونی خود (علازم گرفتار حکم تخلیه از دستگاه قضایی) هستند ولی هیچ پاسخ روشنی به ما داده نمی‌شود و معلوم نیست پس از سال‌ها انتظار چه زمانی قرار است با این زمین‌ها صاحب یک سرپناه شویم.

از قرار معلوم از حدود 20 سال پیش صنایع شیر پگاه برای خانه‌دار کردن بیش از 700 کارگر این واحد صنعتی، قطعه زمینی به وسعت حدود 150 هزار متر را در محدوده شهرک حکیمیه تهران پارس تهیه و واگذار می‌کند. ظاهراً این زمین‌ها بعداً توسط یکی از نهادها تصرف شده و کارگران پگاه علاوه گرفتار حکم تخلیه از دستگاه قضایی هنوز نتوانسته‌اند به زمین‌های خود برسند.

یکی از معروضین افزود: در آخرین اقدام که با حمایت مدیریت سابق مجموعه پگاه تهران همراه بود قرار شد دو ماه پیش زمین‌های مسکونی تحویل کارگران داده شود اما همچنان معطل هستیم و هیچ اقدامی از سوی مسئولان این نهاد صورت نمی‌گیرد.

***تجمع اعتراضی اهالی روستای اسلام‌آباد نسبت به نحوه واگذاری اراضی ملی در فرمانداری شهرستان اشکنر**

روز شنبه 9 اسفند، جمعی از اهالی روستای اسلام‌آباد برای اعتراض به نحوه واگذاری اراضی ملی در محدوده این روستا در فرمانداری شهرستان اشکنر در استان یزد اجتماع کردند و خواستار پاسخ صریح مسئولان ذیربط استان و شهرستان در خصوص اتخاذ این تصمیم شدند.

یکی از تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفت: اخیراً بیش از 20 هکتار از اراضی ملی در محدوده روستای اسلام‌آباد به یک سرمایه گذار برای احداث و راه اندازی یک کارگاه تولیدی تصویب و واگذار شده که مورد اعتراض مردم منطقه قرار گرفت.

او افزود: ما مخالف واگذاری اراضی به این سرمایه گذار نیستیم، اما اگر مسئولان می‌خواهند از سرمایه گذاران حمایت کنند چرا باید تلاش‌های چند ساله یک جوان بومی روستا برای دریافت یک هکتار زمین برای راه اندازی و توسعه یک کارگاه تولید تجهیزات مبلمان شهری بی نتیجه بماند.

***تجمع اعتراضی اهالی شهر شاوور نسبت به آلودگی هوای منطقه توسط کوره آجر توکل**

عصر روز شنبه 9 اسفند، جمعی از اهالی شهر شاوور در استان خوزستان برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به آلودگی هوای منطقه توسط کوره آجر توکل تجمع کردند.

تجمع کنندگان دست نوشته های زیر را در تجمع اعتراضیشان بنمایش گذاشتند: ریه‌های ما بدون کرونا نابود شد، لطفاً کوره آجر توکل را ببندید، هوای پاک حق ماست، کوره آجر توکل نفس یک شهر را گرفته.



یکی از حاضران در تجمع به خبرنگاریک رسانه محلی گفت: نزدیک به یک ماه است که این کوره دودزا شده و باعث آلودگی شهر شده است.

وی افزود: علت آلاینده‌گی شاور این است که اصول اولیه محیط زیست را در استقرار صنایع یا کارخانجات رعایت نکرده‌اند و تمام آلاینده‌گی‌ها وارد شهر می‌شود و ما مجبور به هزینه‌های گزاف برای رفع آلاینده‌گی هستیم.

***تجمع اعتراضی فارغ‌التحصیلان مهندسی پزشکی دانشگاه آزاد بروجرد نسبت به عدم تعیین تکلیف گرایش در مدرک تحصیلی مقابل دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان**

روزیکشنه 10 اسفند، فارغ التحصیلان رشته مهندسی پزشکی دانشگاه آزاد بروجرد برای اعتراض به عدم تعیین تکلیف گرایش در مدرک تحصیلیشان، مقابل دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان تجمع کردند.

براساس گزارش رسانه ای شده، این دانشجویان با در دست داشتن پلاکاردهایی به مطالبه گری از مسئولان دانشگاه علوم پزشکی لرستان و آزاد بروجرد برای لحاظ شدن گرایش در مدرک تحصیلی صادره پرداختند و درخواست شرکت در طرح نیروی انسانی و آزمون های استخدامی مهندسی پزشکی با گرایش بیوالکتریک را داشتند.

فارغ التحصیلان رشته مهندسی پزشکی دانشگاه آزاد بروجرد معتقدند که بعد از ثبت نام در این رشته و با گذشت سه ترم، بنا به نظر مدیر گروه قبلی و شرایط دانشکده، گرایش بیوالکتریک برای این رشته انتخاب شد و دانشجویان هم راهی جز قبول این گرایش نداشتند. اما بعد از چهار سال و گذراندن تمام دروس تخصصی گرایش بیوالکتریک، هنگام فارغ التحصیلی و گرفتن گواهی موقت متوجه شدند که گرایش بیوالکتریک برای آنان ثبت نشده که در نتیجه آن، بدون ثبت گرایش نتوانستند در طرح شرکت کنند. این در حالی است که طبق نامه مدیر گروه فعلی و دروس پاس شده، آنان فارغ التحصیل گرایش بیوالکتریک هستند و این گرایش مشمول طرح است.

***جان باختن کارگزاران برق سقز پس از قریب یک ماه دست و پنجه نرم کردن با مرگ در بیمارستان**

کارگر سیم بان واحد اتفاقات اداره برق شهرستان سقز بنام احمد اردلان که در تاریخ 14 بهمن ماه سال جاری در حین عملیات بر روی تیر برق در نزدیکی پادگان ارتش دچار حادثه شده بود، روزیکشنه 10 اسفند بعثت شدت جراحات وارده در بیمارستان سنندج جانش را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 9 اسفند ماه 1399

فراخوان تجمع سراسری کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی

زمان: یکشنبه 10 اسفند ماه 99 - ساعت 10 و 30 دقیقه

اماکن :

+ تهران: مقابل سازمان تامین اجتماعی در خیابان آزادی

+ مراکز استان ها و شهرستان ها: مقابل اداره تامین اجتماعی

- تجمع اعتراضی بازنشستگان بانک ها نسبت به سطح نازل حقوق و عدم اجرای کامل همسان سازی حقوق مقابل صندوق بازنشستگی بانک ها در تهران
- اعتراض کارگران پیمانی پالایشگاه تهران نسبت به سطح نازل حقوق، تبعیض در پرداخت ها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

- ادامه اعتصاب و تجمعات کارگران کارخانه لاستیک پارس ساوه در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق

- تجمع اعتراضی کارگران شهرداری ماهشهر نسبت به اجرای ناقص طرح طبقه بندی مقابل فرمانداری

- ادامه اعتراضات مربیان پیش دبستانی ایزده نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل فرمانداری و دفتر تعطیل بهارستان نشین این شهرستان

- آخرین اخبار از سیستان و بلوچستان بنقل از یک منبع خبری محلی

- بازگشت محمد رضا رمضان زاده به زندان بجنورد پس از مرخصی 10 روزه

- فراخوان تجمع اعتراضی معلولان تهران

***تجمع اعتراضی بازنشستگان بانکها نسبت به سطح نازل حقوق و عدم اجرای کامل همسان سازی حقوق مقابل صندوق بازنشستگی بانکها در تهران**

روز شنبه 9 اسفند، بازنشستگان بانکها برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به سطح نازل حقوق و عدم اجرای کامل همسان سازی حقوق دست به تجمع مقابل صندوق بازنشستگی بانکها در تهران زدند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: قانون مدیریت خدمات کشوری برای بازنشستگان بانکها به درستی و کامل اجرا نمی شود و همین امر موجب شده که این بازنشستگان از بسیاری از مزایای مزدی محروم باشند.

آنها افزودند: یکی دیگر از خواسته های ما اجرای همسان سازی کامل و نود درصدی، مانند بازنشستگان دولت است؛ دولت حقوق بازنشستگان خود را به پایه نود درصد دریافتی شاغلان هم تراز رسانده است اما در صندوق بانکها، این امر اجرایی نشده است. چرا باید میان بازنشستگان، تبعیض و نابرابری باشد؟!

یک بازنشسته در این رابطه بیشتر توضیح داد: مثلاً یک کارشناس شاغل، فوق العاده مدیریتی می گیرد ولی این مولفه مزدی را به بازنشسته نمی دهند؛ از صندوق بانکها درخواست داریم این موضوع را از اداره امور استخدامی کشور پیگیری کرده و بودجه مناسب برای همسان سازی حقوق بازنشستگان دریافت کند تا بازنشستگان بانکها نیز مانند بازنشستگان دولت از همسان سازی مناسب و درخور بهره مند شوند.

***اعتراض کارگران پیمانی پالایشگاه تهران نسبت به سطح نازل حقوق، تبعیض در پرداخت ها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل**

کارگران پیمانی پالایشگاه تهران: ما خواستار دریافت حقوق برابر با کارگران رسمی و قرارداد مستقیم هستیم.

روز شنبه 9 اسفند، کارگران پیمانی شاغل در پالایشگاه نفت تهران اعتراضشان را نسبت به سطح نازل حقوق، تبعیض در پرداخت ها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اعلام داشتند و خواهان حقوق برابر با همکاران رسمی و قرارداد مستقیمشان شدند.

آنها به خبرنگار رسانه ای گفتند: اختلاف زیادی در حقوق کارگران پیمانی مجموعه پالایشگاه نفت تهران که زیر مجموعه شرکت پیمانکاری کار می کنند، نسبت به کارگران رسمی و قراردادی وجود دارد.

آنها ادامه دادند: ما خواستار دریافت حقوق قانونی هستیم که کارکنان رسمی دریافت می کنند.

آنها افزودند: تعداد کارگران پیمانی پالایشگاه نفت تهران، دست کم به 1700 نفر می رسد. این کارگران برخلاف نیروی کار رسمی که حدود 600 نفر هستند، از برخی مزایایی قانونی و خدمات عرفی و رفاهی محروم هستند.

این کارگران گفتند: ما پیمانکاری ها بسیار کمتر از رسمی ها درآمد داریم. وقتی در یک محیط و کارگاه کار می کنیم و می بینیم که رسمی ها از انواع مزایای مزدی و رفاهی بسیاری بهره مند هستند ولی ما هیچ کدام از این مزایا را نمی گیریم، با وجود این همه تبعیض چه انگیزه ای برای کار کردن داریم؟

به گفته یکی از کارگران پالایشگاه نفت تهران که تحت مسئولیت پیمانکار مشغول کار است، فاصله دریافتی یک کارگر پیمانی با یک کارگر رسمی پالایشگاه تهران که در یک کارگاه کار می کنند حداقل حدود سه تا چهار میلیون تومان است. این درحالیست که سایر کارگران پیمانی با عناوین شغلی مختلف در پالایشگاه با میانگین 10 تا 15 سال سابقه کاری کمترین دریافتی را در بین دیگر کارگران دارند.

این کارگر گفت: سالهاست به همراه همکارانم تحت مسئولیت یک شرکت واسطه ای مشغول کار هستیم. در این بین برخی شرکت ها که به بهانه تامین نیرو عملاً هیچ نقشی در ارائه خدمات ندارند چرا باید به واسطه کار کارگران (با کسر هر ماه صدها هزار تومان) به سودهای کلان دست پیدا کنند؟

او با بیان اینکه ما خواهان حذف پیمانکاران در بخش های مختلف پالایشگاه نفت تهران هستیم، در خاتمه تصریح کرد: چندین سال است به دنبال اجرای طرح طبقه بندی مشاغل همانند کارگران رسمی هستیم اما اهمیتی به ما داده نمی شود به همین دلیل حقوقی که از شرکت واسطه ای دریافت می کنیم کفاف زندگی مان را نمی دهد در عین حال با وجود نزدیکی که میان حرفه ما با برخی نیروهای قرارداد مستقیم و حتی رسمی وجود دارد، دستمزدهایی که به آنها پرداخت می شود به هیچ وجه قابل مقایسه با ما نیست.

***ادامه اعتصاب و تجمعات کارگران کارخانه لاستیک پارس ساوه در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق**

اعتصاب و تجمعات صدها کارگر کارخانه لاستیک پارس ساوه در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق پس انداز پنجمین روز را پشت سر گذاشت.



روز شنبه 9 اسفند، جمعی از کارگران کارخانه لاستیک پارس ساوه طی گفتگو با خبرنگار رسانه ای، از اعتراض چند روزه خود خبر دادند و اضافه کردند: بیش از پنج روز است که در اعتراض به مساله صندوق پس انداز، دست از کار کشیده و تجمع کرده ایم.

این کارگران مطالبات خود را اینگونه بیان کردند: داستان از اینجا شروع شد که طبق اساسنامه شرکت صندوقی شکل گرفته بود که هر ماه ۳ درصد از حقوق کارگر کسر می شد و کارفرما نیز به همان مقدار به صندوق اضافه می کرد تا به اعضا وام دهد. با واگذاری شرکت به بخش خصوصی در سال 97، وام ها قطع شد ولی هر ماه باز از حقوق کارگران کم می شد تا اینکه به درخواست شورای کارگری مبنی بر تسویه صندوق، جواب واضح و شفافی داده نشد. ما به این نتیجه رسیدیم صندوقی که وام نمی دهد دیگر چرا باید هر ماه از ما پول کم کند. لذا درخواست کردیم که صندوق را برچیده و با اعضا تسویه کنند که کارفرما این کار را به زمان اتمام کار و بازنشستگی عودت می دهد و در نهایت، بعد از اختلاف بوجود آمده می گوید من از وقتی که شرکت را تحویل گرفته ام، صندوق را تسویه می کنم و ماقبل از آن به من ارتباطی ندارد.

یک کارگر معترض کارخانه لاستیک پارس ساوه نیز گفت: یعنی بنده که 15 سال سابقه دارم، فقط برای حدود سه سالی که ایشان شرکت را خریده، سهم کارگر را پس خواهد داد و 12 سال قبل به ایشان مربوط نیست! حال آنکه در واگذاری شرکت همه چیز قید شده است و باید پاسخگو باشند؛ چطور سرمایه و سود شرکت را می خواهند ولی نسبت به بدهی و دیون شرکت مسئولیتی ندارند! حساب کنید از سال 83 یا 85 از ما پول کسر می شده و به صندوق ریخته شده و با در نظر گرفتن تورم این سال ها، اگر این پول را در

جایی دیگر سرمایه‌گذاری می‌کردیم، امروز چقدر سرمایه داشتیم؛ حالا حاضر نیستند حتی پول خودمان را پس بدهند، سهم کارفرما پیشکش!

در همین رابط: سومین روز اعتصاب صدها کارگر کارخانه لاستیک پارس ساوه در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق پس انداز

کارگران کارخانه لاستیک پارس ساوه از سومین روز اعتصاب صدها کارگر این واحد تولیدی در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق پس انداز پس از خصوصی سازی خبر دادند.

به گزارش کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، اعتصاب 650 کارگر شرکت لاستیک پارس ساوه بر علیه اجحافات کارفرمای خصوصی شده این شرکت، شکل گرفته است. متن زیر را کارگران اعتصابی بر ایمان فرستاده اند.

3 روز هست که شرکت لاستیک پارس در اعتصاب است و کارگران دست از کار کشیده اند. حدود 2 سالی هست که این شرکت خصوصی شده و کارفرما از تعیین وضعیت صندوق پس انداز کارگران سر باز می زند.

داستان از اینجا شروع شد که طبق اساسنامه شرکت صندوقی شکل گرفته بود که هر ماه 3 درصد از حقوق کارگر کسر میکرد و خودش نیز به همان مقدار به صندوق اضافه میکرد تا به کارگر وام دهد. با فروش شرکت به بخش خصوصی وام ها قطع شد ولی هر ماه باز از حقوق کارگران 3 درصد کم میشد تا اینکه به درخواست شورای کارگری مبنی بر تسویه صندوق و پس دادن موجودی بین کارگران جواب واضح و شفافی داده نشد. کارگران به این نتیجه رسیدند صندوقی که وام نمیدهد چرا باید هر ماه از ما پول کم کند. پس کارگران به کارفرما مینرا فروزنده نیا اعلام کردند که صندوق را برچیده و با اعضا تسویه کند. کارفرما این کار را به زمان اتمام کار و باز نشستگی عودت داد. اختلاف از آنجا بوجود آمده که کارفرما میگوید من از وقتی که شرکت را تحویل گرفته ام صندوق را تسویه میکنم و ماقبل از آن به من ارتباطی ندارد. یعنی کارگری که 15 سال سابقه دارد را فقط 2 تا 3 سالی که ایشان شرکت را خریده ، فقط سهم کارگر را پس خواهد داد و 12 سال قبل به ایشان مربوط نیست. یعنی 12 سال اندوخته کارگران را به جیب بزند. حال آنکه در واگذاری شرکت همه چیز قید شده. چطور سرمایه و سود شرکت را میخواهد ولی نسبت به بدهی و دیون شرکت مسئولیتی ندارد؟

افراد بازنشسته ای را به عنوان مشاور و مدیر وارد شرکت کرده که تخصصی ندارند و برخی از قسمت های شرکت را به پیمانکار سپردند و پیمانکار نیز نارضایتی ایجاد کرده. سالی دوبار در روز کارگر و 22 بهمن ارزاق میداده که اکنون وی از پرداخت آنها خودداری می کند.

***تجمع اعتراضی کارگران شهرداری ماهشهر نسبت به اجرای ناقص طرح طبقه بندی مقابل فرمانداری**

روز شنبه 9 اسفند، کارگران شهرداری ماهشهر برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به اجرای ناقص طرح طبقه بندی دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان در استان خوزستان زدند.



یکی از کارگران حاضر در تجمع به خبرنگاریک رسانه محلی گفت: طرح طبقه بندی به صورت کامل اجرا نشده و این امر مطلوب ما نیست و خواهان اجرای کامل آن هستیم.

***ادامه اعتراضات مربیان پیش دبستانی ایزه نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل فرمانداری و دفتر تعطیل بهارستان نشین این شهرستان**

روز شنبه 9 اسفند، مربیان پیش دبستانی ایزه در ادامه سریال اعتراضاتشان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل فرمانداری و دفتر تعطیل بهارستان نشین این شهرستان اجتماع کردند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: تا حصول نتیجه ی نهایی به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

قابل یادآوری است که دفتر نماینده ی شهرستان های ایزه و باغملک به مدت دو هفته دفتر خود را در شهرستان ایزه تعطیل نموده است.

در همین رابطه: سومین روز تجمع مربیان پیش دبستانی ایزه نسبت به بلاتکلیفی استخدامی و تعطیلی دفتر بهارستان نشین این شهرستان

روز سه شنبه 5 اسفند برای سومین روز متوالی، مربیان پیش دبستانی ایزه در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل دفتر بهارستان نشین این شهرستان در استان خوزستان زدند که منجر به تعطیلی این دفتر شد.

***آخرین اخبار از سیستان و بلوچستان بنقل از یک منبع خبری محلی:**

- روز جمعه 8 اسفند، اعتراضات در سیستان و بلوچستان وارد چهارمین روز خود شده و اینترنت در استان همچنان قطع است و با تیراندازی ماموران امنیتی به سمت معترضان، شماری کشته و زخمی شدند.

- روز جمعه 8 اسفند، اعتراضات پراکنده ای در شهرهای سراوان، سوران، زاهدان، خاش و ایرانشهر صورت گرفته است .

- جمعه شب (8 اسفند)، معترضان به قتل سوختبران در منطقه پنجشیر میرجاوه اقدام با برپایی آتش اقدام به بستن جاده نمودند.

- جمعه شب (8 اسفند)، معترضان به قتل سوختبران، در منطقه آشار سربازدست به تجمع مقابل بخشداری زدند و درب این مرکز قدرت را به آتش کشیدند.

- گزارش های دریافتی تایید شده حاکی از آن است که حکومت ایران برای سرکوب اعتراضات، از استان های همجوار نیروهای ضد شورش و یگان ویژه را در شهرهای مختلف بلوچستان مستقر کرده است.

- ویدیوهایی که توسط شاهدان عینی گرفته شده حرکت ده ها دستگاه خودروهای زرهی و نیروهای یگان ویژه به سه شهر زاهدان، ایرانشهر و سراوان را نشان میدهد.

- روز پنج شنبه 7 اسفند، در ادامه و گسترش اعتراضات، نیروهای امنیتی به سمت شهروندان در روستای پمپ از توابع جازموریان شهرستان رودبار جنوب تیراندازی کرده که شماری زخمی شده اند.

- اینترنت در شهرهای مختلف بلوچستان با اختلال جدی مواجه شده و در شهرهای بزرگتر به طور کامل قطع شده است.

در مواردی برای چند ساعت در شهرهای جنوبی بلوچستان اینترنت های خانگی وصل شده و دوباره قطع شده اند.

- یگان های ضد شورش نیروی انتظامی، موتورهای نظامی، نیروهای سپاه پاسداران، و خودروهای وابسته به ارگان های امنیتی در سرتاسر شهر زاهدان، تقاطع ها و اماکن مرکزی و حاشیه شهر را گرفته اند.

- وضعیت منطقه قلعه بید، شورو، کورین «بسیار امنیتی» توصیف شده است.

- همچنین دستگاه های امنیتی، ریش سفیدان و معتمدان منطقه شورو، کورین و قلعه بید را تحت فشار قرار داده تا اعتراضات را خاموش و معترضان را تحویل دهند.

- تعداد زیادی از اهالی زاهدان و خصوصا معترضان در منطقه شورو و کورین بازداشت شده اند.

برخی از زخمی ها نیز بازداشت شده اند از جمله پنج شنبه شب (7 اسفند)، ماموران امنیتی شماری از

معترضان زخمی شده در شورو را از داخل بیمارستان همراه با ضرب و شتم بازداشت کردند.

هویت برخی از معترضان که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده به نام های "عبدالجلیل شه بخش" "فرزند ملاحسین"، "زکریا از طایفه شه بخش" "فرزند یارمحمد"، "سعید از طایفه شه بخش" "فرزند یارمحمد"، "عمر شه بخش" "فرزند ملا حسین که دو گلوله به دست و یک گلوله دیگر به پایش اصابت کرده عنوان شده است.

ابتدا عمر که زخمی بوده به بیمارستان منتقل شده و سپس نیروهای امنیتی با شناسایی او و کسانی که او را به بیمارستان منتقل کرده تا منزل در شورو تعقیبشان کرده و بازداشت نمودند.

این افراد لحظه بازداشت، به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سپس به مکان نامعلومی منتقل شدند.

***بازگشت محمد رضا رمضان زاده به زندان بجنورد پس از مرخصی 10 روزه**

روز شنبه 9 اسفندماه 99 محمد رضا رمضان زاده دبیر انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی پس از پایان 10 روز مرخصی، در میان بدرقه ی گرم خانواده و همکاران فرهنگی به زندان بجنورد بازگشت. خاطرنشان میشود که محمد رضا رمضان زاده که توسط دادگاه شهرستان بجنورد به 15 سال زندان محکوم شده بود، پس از رسیدگی پرونده ی در مرحله ی تجدید نظر حکم اش به 5 سال کاهش یافت. وی در مرحله ی بدوی به همراه 6 تن دیگر از فعالان صنفی استان خراسان شمالی به 41 سال زندان محکوم شده بودند.

منبع خبر: کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***فراخوان تجمع اعتراضی معلولان تهران**

همزمان با چهارمین سالروز مصوبه شورای شهر تهران مبنی بر خرید 60 دستگاه ون با هدف تجهیز سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان و استتکاف شهرداری تهران از اجرای آن و ناتوانی شورای شهر تهران در ملزم نمودن شهرداری به اجرای قانون و مصوبات و رعایت ضوابط و مقررات مناسب سازی و دسترس پذیری در پروژه های شهری و به نتیجه نرسیدن مکاتبات و جلسات متعدد با مدیران شهری، کمپین معلولان اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی می نماید.

زمان: چهارشنبه 17 اسفند از ساعت 9 تا 15

مکان: تهران پارک شهر خیابان بهشت مقابل شورای شهر تهران

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 8 اسفند ماه 1399

(مجموعه ای به بهانه انتشار بیانیه دوم کارگران غیر رسمی نفت)

- بیانیه دوم کارگران غیر رسمی نفت: برای پیگیری خواسته هایمان راهی جز اعتصاب دوباره نیست - یادآوری:

+ ارزیابی اولیه از اعتصاب هماهنگ کارگران پتروشیمی ها و سایر اعتراضات کارگری

+ در جدال اعتصابات نفت و گاز گزارشی از ۲۹ روز اعتصاب

+ گزارش کارگران پایپینگ و پروژه های نفت و گاز کشور درباره دستاورد اعتصاب دامنه دارشان

+ از اعتصاب فراگیر کارگران پیمانی صنعت نفت چه می دانیم؟

***بیانیه دوم کارگران غیر رسمی نفت: برای پیگیری خواسته هایمان راهی جز اعتصاب دوباره نیست**

ما کارگران پیمانی در نفت در تدارک اعتصاب سراسری دیگری هستیم. اعتصاب سراسری اول ما در مرداد ماه برپا شد و در آن ۲۵ هزار از کارگران پیمانی از مراکز مختلف نفتی و موسسات وابسته به آن و نیروگاهها وارد اعتصاب شدیم. یک خواست مشخص ما در این اعتراضات افزایش فوری سطح حقوقها بود. بعلاوه به قراردادهای موقت کاری و پیمانی و نداشتن امنیت شغلی، پایین بودن سطح استاندارد زیستی و کاری خود در محیط کار و در خوابگاهها و غذا خوری ها و به سطح نازل درمانگاهها و نبودن امکان استفاده رایگان از آنها برای همه کارگران نفت، به دزدی ها و اختلاس ها و تعرض به زندگی و معیشت کارگر تحت عنوان خصوصی سازی ها، به امنیتی بودن محیط کارمان و پاسخ هر اعتراضی را با تهدید دادن و به عدم ایمنی محیط کار و عدم رعایت پروتکل های سازمان بهداشت جهان اعتراض داشتیم و هیچکدام از این مطالبات پاسخ نگرفت.

این اعتصاب بدون مقدمه نبود. مدتهاست که در زیر سختی زندگی به حد انفجار رسیده ایم. از همین رو عده ای جلو افتادند و با کمپین های کذایی شماره بندی شده خود، جنجال به راه انداختند و تلاش کردند اعتراض ما را مدیریت کنند تا با این کار هم موقعیت خود را در خلل و فرج دعوای درون حکومتی شان تقویت کنند و هم کنترل اوضاع را در دست داشته باشند. برای اینکار از همان آغاز برای اینکه جمع نباشیم و نتوانیم جمعی تماس بگیریم، فرمان به تعطیلی کار و ترک خوابگاهها و بازگشت به خانه ها را دادند و اگر کسی هم در جایی بحثی از تجمع میکرد، او را خائن خوانده و تحت عنوان حفظ امنیت، فوراً از گروه های مهندسی شده خود خارج کرده و حتی به وی گرای امنیتی میدادند. بعد هم از بالای سر ما کارگران به مجلس و مقامات مختلف در حکومت نامه دادند و به آنها خاطر جمعی دادند که اوضاع تحت کنترل است. بدون اینکه اجازه دهند که خود ما کارگران ذره ای در تصمیم گیریها دخیل باشیم و جامعه صدای رسای اعتراض مان را بخوبی بشنود و بتوانیم متحدانه پیگیر مطالباتمان باشیم. بدین ترتیب با بازی کردن این نقش تلاش کردند موقعیت خود را قوی تر کرده و اعتراضات ما را به دستمایه ای برای کشاندن اعتراض کارگران بسوی این بخش و آن بخش حکومتی تبدیل کنند. اما ما کارگران بارها اعلام کرده ایم که دنبال هیچ جناح حکومتی نیستیم و خواسته و مطالبه داریم و دیگر ادامه این وضعیت برای ما ممکن نیست. امروز نیز حرف ما همین است.

بدینگونه بود که ما در مرداد ماه با غنیمت شمردن موقعیت در صفی هزاران نفره و با خواستهای فوری مان به میدان آمديم و قدرت اعتصاب ما آنچنان بود که آنهاييکه سنگ کارگر را به سینه میزدند و با کمپین های شماره بندی شده شان بازاری درست کرده بودند، فوراً به دست و پا افتادند و با جنجال بر سر اینکه اینجا و آنجا کمپین موفق شده است، ذره ذره تلاش کردند نیروی اعتصاب ما را متفرق کنند و دسته دسته کارگران را راهی کار و بستن قرارداد جداگانه با پیمانکاران مفتخور کنند. بعد هم یکجانبه ختم اعتصاب را اعلام کردند. در حالیکه هنوز در خیلی جاها هنوز بسیاری از ما سر کار بازنگشته بودیم. با چنین پروژه برنامه ریزی ای شده ای و با ریزنی از بالای سر ما بود که با دروغ کارگران را سرکار بازگرداندند و آخر سر هم برای کارگر جوشکار هفت میلیون و هشت میلیون مزد تعیین شد. تازه خیلی جاها حقوقها را هم نمیدهند و بسیاری از کارگران غیر متخصص حتی در حد دو میلیون مزد میگیرند که خط نابودی و تباهی است. این درحالیست که چماق اخراج هم همواره بالای سرمان است.

دوستان مروری بر این تجربه برای همه ما هشدار دهنده است و اکنون در تدارک دور دیگری از اعتراضاتمان هستیم، نباید اجازه دهیم که این بازی دوباره تکرار شود. خودتان شاهدید که همین الان نیز که ما کارگران جان به لب رسیده دنبال حق و حقوقمان هستیم، چگونه دارند با هوا کردن فیل کمپین

دستمزد سعی میکنند هر صدای مخالفی را سرجایش بنشانند و ترمزی باشند. یکی از این نمونه ها ؛ سخنان ارسال امنیتی تحت عنوان طراح کمپین خطاب به کارگران نفت است. او سخنانش با کلی تشر زدن ها و امر و نهی کردن ها کارگر را در اجرایی نشدن وعده های داده شده در مرداد ماه خطابار میخواند تا نقش ترمز کننده خود در این اعتراضات را بپوشاند. او صرفا با زدن نشان نمایندگی کارگر بر سینه خود به گونه با کارگران سخن میگوید که امروز حتی مزدوران شورای اسلامی هم جرات اینگونه سخن گفتن با کارگر مطالبه گر را ندارد. او با گفتن اینکه علت خلف وعده بازگشت ۴۰ درصد نیروها به کار بوده است، کارگران را به پیمان شکنی متهم کرده و آنها را ترسو و بزدل و خائن میخواند و از آنان میخواهد که بدون استرس و حاشیه به کار و زندگی روز مره خود مشغول باشند و گوش بفرمان ایشان و اکنون نیز دارد نسخه خانه نشینی کارگران در اعتصاب بعدی را می پیچد و در پز اعلام "کمپین اعتراضی بعدی" تهدیداتش شروع شده و مینویسد: "هرگونه اقدام خودسرانه و بدون علم و آگاهی از مسایل افزایش حقوق بدون بندهای حقوقی مزایا و تاریخ مشخص و بدون هماهنگی با طراحان کمپین اصلی باطل و غیرقابل قبول برای جامعه پروژه ای و طراح کمپین میباشد و اینچنین جوردگی ها و اقدامات نسنجیده و کور باعث چند دستگی و سردرگمی و بی نتیجه ماندن و شکست کمپین اصلی پیش رو خواهد بود." و در همانجا نصیحتش به ما کارگران اینست که احساسات خود را کنترل کنیم و از این حواشی که نیروهای "افراطی و خودسر" ایجاد میکنند دوری کنیم. منظور از نیروی افراطی ما کارگرانی است که میگوییم نه فقط باید حقوقها افزایش یابد. بلکه باید قراردادهای موقت کاری دائم شود و دست این زالوهای پیمانکار مفتخور از مراکز کاری کوتاه شود.

پاسخ ما کارگران به اشخاصی چون ارسال امنیتی اینست که ما تجربه نیشکر هفت تپه را داریم و ما شورایی و جمعی تصمیم میگیریم و هرگونه تصمیمی این چینی و از بالای سر کارگر را خودسرانه دانسته و آنرا باطل اعلام میکنیم. خواستهای ما نیز روشن و مشخص است. قبلا در همبستگی با تجمع اعتراضی همکاران رسمی خود در چهارم بهمن اعلام کردیم و در اینجا یکبار دیگر آنها را اعلام کرده و متحد شدن حول این خواستها شرط مهم اتحاد و قدرت مبارزاتی ما خواهد بود. ما سرقفلی نمایندگی را به کسی نداده ایم و خودمان در تصمیم گیری جمعی مان هر کارگری را که در دل مبارزه صدای اعتراضمان باشد و خواستهای برشمره زیر را نمایندگی کند، به نمایندگی خود انتخاب خواهیم کرد.

خواستهای ما کارگران غیر رسمی عبارتند از:

۱- حقوقهای ما همانطور که در مرداد ماه اعلام کرده ایم کفاف زندگی مان را نمیکند و باید به رقم بالای خط فقر اعلام شده دولت یعنی بالای ۱۲ میلیون افزایش یابد. هیچ کارگری نباید کمتر از این رقم مزد دریافت کند.

۲- برای داشتن امنیت شغلی و سدکردن تعرضات پیمانکاران مفتخور به زندگی و معیشتمان باید قراردادهای موقت و پیمانی به قراردادهای دائم و مستقیم با نفت تبدیل شود و به پاسکاری ما کارگران ما بین پیمانکاران مفتخور خاتمه داده شود.

۳- حقوقهای ما هر ماه بموقع پرداخت شود. و طلبهایمان در همه جا بفوریت پرداخت گردد.

۴- ما کارگران غیر رسمی باید از امکانات درمانی رایگان در نفت برخوردار شویم و همانطور که همکاران رسمی ما اعلام کرده اند سطح آن ارتقاء یابد. بویژه پروتکل های سازمان بهداشت جهانی برای مقابله با بیماری مرگبار کرونا در همه مراکز اجرایی شود و امکانات لازم پیشگیری به رایگان در

اختیار همه قرار گیرد. ما کارگران نفت نیز همصدا با همه کارگران، بازنشستگان، معلمان و بخش های مختلف جامعه اعلام میکنیم واکسن استاندارد باید خریداری شود و واکسیناسیون رایگان بدور از هرگونه تبعیضی به رایگان و سراسری در اختیار همه قرار گیرد.

۵- به فضای امنیتی در نفت و مراکز وابسته به آن خاتمه داده شود. حق تشکل، حق تجمع، حق اعتراض، حقوق پایه ای همه کارگران است. در خاتمه تاکید میکنیم که قوانین ویژه اقتصادی که مراکز نفتی از جمله این مناطق هستند، قوانینی است که فشار و بردگی کاری را بر ما کارگران شدت داده است. این قوانین باید تماماً لغو شود و به این تعرضات به زندگی و معیشت ما پایان داده شود. و اینها همه خواستهای متحد ما کارگران رسمی و غیر رسمی در نفت و مراکز وابسته به نفت است. در اعتصاب سراسری بعدی همه متحدانه حول این خواستها جمع شویم و در گام اول بر افزایش حقوقها به بالای دوازده میلیون تاکید کنیم.

یادآوری:

+ارزیابی اولیه از اعتصاب هماهنگ کارگران پتروشیمی ها و سایر اعتراضات کارگری

بیشتر از دو هفته از اعتصاب هماهنگ کارگران پیمانکاری صنایع نفت و پتروشیمی می گذرد؛ اعتصاب علیرغم عدم انتشار وسیع تصاویر و فیلم ها از محیط کار کماکان ادامه دارد؛ اینکه پوشش تصویری اعتصاب برخلاف روزهای اول از تب و تاب افتاده، دلیلش علاوه بر حساسیت های همیشگی این است که بخش عظیمی از کارگران اعتصابی به خانه ها و شهرهایشان برگشته اند و بنابراین بسیاری از سایت های کاری خالی از نیروی کار شده اند.

گرچه در مواردی اعتصاب شکنی های محدودی هم تا الآن رخ داده و پیمانکارانی با وعده و وعید تعدادی از کارگران پروژه ای را به کار کشانده اند، اما این موارد محدود و کم اثر بوده اند و خود کارگران فهرست این پیمانکاران اعتصاب شکن را با اسم و رسم افشا و تحریم می کنند.

درباره ارگان های مجازی هماهنگ کننده اعتصابات، این ملاحظه قابل بیان است که همانطور که پیش بینی می شد، نیروهای امنیتی از مرحله ای وارد فشار بر فعالان و ادمین های علنی رسانه های هماهنگی اعتصابات شدند تا هرگونه اظهار نظر یا شعار سیاسی-اقتصادی خارج از چهارچوب «تعیین شده» برای کارگران ممنوع اعلام شود و در حقیقت نیروهای امنیتی (تا حدودی شبیه به ماجرای اتحادیه کامیونداران در زمان اعتصاب سراسری کامیونداران) توانستند فعالان علنی این گروه ها را وادار کنند که خودشان نظارت و سانسور را بر نظرات و تحرکات اعتصاب کنندگان اعمال کنند. به همین خاطر هم ارگانی که به شکل طبیعی می باید تبدیل به مرکزی برای رشد و پویایی ابتکار عمل ها و شعارها در این اعتصاب باشد، با فشار از بیرون تبدیل شد به کانالی برای کنترل و نگه داشتن یک اعتصاب در چهارچوب های تحمیلی از بالا. این ها از تبعات بعضاً اجتناب ناپذیر وجه علنی چنین افرادی ارگان های سازمانده است.

درحالی که دسته ای از فعالان علنی این اعتصاب وارد فرایند تهی و طومار و ارسال به ارگان ها و مسئولان دولتی شده و خواهان بهبود برخی شرایط کار، نظارت دولتی بر پیمانکاران و «حق تشکیل سندیکا» هستند، بخشی از کارگران اعتصاب کننده اما به شکل خودبخودی متمایل به افزایش تعارض در این اعتصاب اند تا زودتر به نتیجه برسد. مشکل تنها از آنجایی شروع می شود که بجای اینکه این ابتکارات و تلاش های مختلف به شکل موازی رخ دهند و یکدیگر را تکمیل کنند، دست اول -خواه با

فشار نیروهای امنیتی، خواه از سر توهم به چهارچوب‌های قانونی-جلوی دست‌ه دوم می‌ایستد و به اسم «صنفی نگه‌داشتن اعتصاب»، مایل است جلوی هرگونه ابتکار عمل یا سازماندهی خارج از مرکزیت را بگیرد؛ عموماً با توجیهاتی مثل «امنیتی نکردن»، «سیاسی نکردن» یا «حفظ اتحاد»!

مثلاً در روزهای اخیر عده‌ای از کارگران اعتصابی پیشنهاد کردند که به جای ماندن در خانه، کارگران در پارک‌های اصلی شهر تحصن کنند (مشابه با تجمع‌هایی که پیش از این هم بارها در جنبش کارگری سال‌های اخیر تجربه شده، از جمله تحصن‌های شبانه کارگران هپکو و خانواده‌هایشان در پارک ملی اراک در سال ۹۵). منتها چنین ابتکار عملی به فوریت به اسم «سیاسی کردن» اعتصاب و کشاندن کارگران به بیرون از خانه و «توطئه» و حتی «خیانت»، از سوی همان مرکزیت هماهنگ‌کننده علنی بایکوت و مقابله موضع‌گیری شد. این درحالیست که علیرغم این برخورد غیردموکراتیک و قهری، تعدادی از کارگران پیمانکاری شهر ایذه در یکی از پارک‌های این شهر تحصن شبانه کردند و در مورد روند اعتصاب گفتگو کردند.

اهمیت این موضوع از این روست که تمرکز این اعتصاب به شکل فعلی آن هنوز صرفاً علیه پیمانکاران است و در نتیجه دیرکرد در تکمیل پروژه‌ها، خسارت مالی را متوجه پیمانکاران خرد می‌کند و نه مستقیماً کارفرمای بزرگ (یعنی دولت و وزارت نفت). خیابانی‌کردن حضور کارگران اما می‌تواند هم فشار اجتماعی از پایین بر دولت را بیشتر کند و هم روحی کارگران را به دنبال بلاتکلیفی و طولانی شدن اعتصاب بهبود ببخشد.

پینوشت: اینجاست که ضرورت سازماندهی موازی کارگران با هر نظر و عقیده و برنامه و داشتن رسانه و ارگان هماهنگ‌کننده مستقل خود روشن‌تر می‌شود؛ منتها بدون نقطه ضعف و پاشنه آشیل کنونی، یعنی با حفظ مخفی ماندن هویت در مدیریت گروه‌ها و کانال‌های سازمانده و استفاده از تمام روشهای ممکن برای به نتیجه رساندن اعتصاب و اعتراض و دستیابی به خواسته‌های برحق خودمجبور کردن کارفرمایان و دولت به الزام انجام تعهداتشان در برابر کارگران و مزدبگیران می‌باشد.

برگرفته از شبکه‌های اجتماعی - 29 مرداد 1399

در جدال اعتصابات نفت و گاز گزارشی از ۲۹ روز اعتصاب

کارگران پیمانکاری و پروژه‌های صنایع نفت و گاز کشور از جمله پایپینگ جوشکار، فیتز، فورمن و مونتاژ کار، اخیراً با تشکیل کمپین اعتراضی، اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزد را کلید زدند. این کمپین‌ها در پنج مرحله زمانی شروط خود را از جمله دستمزدهای پیشنهادی کارگران، پرداخت به موقع مزد کارگران، نصب کولر و کاهش افراد در سرویس‌های ایاب و ذهاب، بهبود بهداشت کمپ‌ها و حمام کارگران و... را به پیمانکاران اعلام کرده‌اند. فعالین کارگری در ابتدا با انتشار یک لیست از مشاغل مربوط به صنفشان، حقوق پیشنهادی خود را بسته به هر شغل تعیین کرده‌اند و پس از انتشار آن بین کارگران به این توافق رسیده‌اند که تنها در صورتی پیشنهاد کاری پیمانکاران را می‌پذیرند که با حقوق درخواستی آنها موافقت شده باشد. تاکنون کارگران برخی پیمانکاری‌ها در نیروگاه بیدخون، پتروپالایش کنگان، پالایشگاه لامرد، پالایشگاه اصفهان، نیروگاه سیکل ترکیبی مپنا بویلر مشهد، نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز، پالایشگاه جفیر در اهواز، فولاد سنگان پیمانکاری، پتروشیمی سبلان، نیروگاه برق رودشور تهران، پالایشگاه ماهشهر، شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان، پالایشگاه نفت سنگین

قشم، نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی، فازهای ۲۲ و ۲۴ و ۱۴ پارس جنوبی و چندین مرکز دیگر دست از کار کشیده‌اند.

از دیگر فعالیت‌های این کمپین تهیه لیستی بیش از هزار نفر از نام و کد ملی کارگران اعتصابی است که حمایت خود را از شرایط و مطالبات کمپین اعلام کرده‌اند و همچنین اعلام اسامی پیمانکارانی که کارگران اعتصابی را تحت فشار قرار داده‌اند.

با توجه به وجود جو امنیتی در محل کار این کارگران و همچنین پراکندگی جغرافیای محل کار و زندگی فضای مجازی امکانات مناسبی را برای هماهنگی و تولد فعالیت کارگری و صنفی متشکل فراهم کرده است.

برخی پیمانکاری‌ها از جمله شرکت کیسون در پتروشیمی دنا، شرکت تهران جنوب پالایشگاه بیدبلند ماهشهر و ... با عدم پرداخت دستمزد خرداد و تیرماه کارگران سعی کردند آنها را تحت فشار قرار دهند. برخی پیمانکارها توانسته بودند با استفاده از خیل جمعیت بیکار بخشی از اعتصابات را دچار مشکل کنند اما با آگاهی بخشی و تلاش برخی کارگران جمعیتی از آنها به اعتصاب پیوستند اما همچنان مسئله اعتصاب‌شکن‌ها حتی در بین کارگران مجرب وجود دارد و آنها به طور مداوم با این مسئله مواجه هستند.

البته گفتنی است کارگران اعتصابی اغلب کارگران ماهر و فنی به حساب می‌آیند که به سادگی قابل جابه‌جایی با هر کارگری نیستند. مهارت لازم در جوشکاری و درجه جوشی که زده می‌شود مستلزم گواهینامه‌های معتبر است. استفاده از جوشکاران غیرماهر خود هزینه‌های تعمیری بر دست پیمانکاران گذاشته و به آنها خسارت وارد کرده است. این است که حدوداً بعد از دو هفته تماس با کارگران معترض برای عقد قرارداد و مذاکره بیشتر شد.

از سوی دیگر از ابتدای اعتصاب پیمانکاران با عدم پرداخت طلب مزدی سعی کردند، شرایط اعتصاب را بر کارگران سخت کنند اما پروژه‌های نفت تجربه ۶ ماه معوقات مزدی را هم داشته‌اند و بسیاری از آنها مصمم به ادامه اعتصاب هستند.

خیلی از کارگران جوشکاری و فیلتر و ... که از شهرستان‌های دیگر برای کار آمده بودند، با شروع اعتصاب به علت بسته شدن درهای خوابگاه‌ها و قطع جیره غذایی روزانه مجبور به بازگشت به خانه شدند و عملاً تجمعات نفتی فقط در روزهای اول وجود داشته است. این بخشی از تلاش پیمانکاران برای شکستن اعتصاب و جلوگیری از تجمعات بوده است. ضمناً تهدیدات امنیتی بر سر برخی کارگران از جمله آنهایی که مسئولیت گروه‌های تلگرامی و هماهنگی‌ها را دارند، سنگینی می‌کند.

اما کارگران اعلام کرده‌اند که در خانه می‌مانند و قرارداد جدیدی امضا نمی‌کنند، مگر اینکه پیمانکاران شرایط کمپین افزایش دستمزد را بپذیرند. این استراتژی بعد از ۲۹ روز اعتصاب کارگران نفت تا حدی موفقیت‌هایی داشته است. شنیده‌ها حاکی از آن است که برخی پیمانکاران از جمله تعدادی از شرکت‌های پیمانکاری پتروشیمی سبلان، برخی پیمانکاران میدان نفتی آذر در شهرستان مهران ایلام و ... شرایط دستمزد کمپین کارگران پایبند و پروژه‌های را پذیرفته‌اند و برخی دیگر از جمله پالایشگاه آبادان حاضر به افزایش دستمزدها شده اما همچنان کمتر از مبلغ اعلام شده توسط کمپین است.

کمپین افزایش حقوق کارگران پایپینگ و اکیپ پروژه‌های نفت و گاز در برخی از اطلاعاتیه‌ها با کارگران هفت‌تپه اعلام همبستگی و اتحاد کرده‌اند. اما همچنان اخبار اعتصابات کارگران نفت و گاز طی این مدت توسط رسانه‌های رسمی بسیار کم انتشار یافته و کمپین به لحاظ انتشار اخبار و تلاش برای کسب حمایت جامعه و دیگر مراکز کارگری هنوز وضعیت مطلوبی ندارد.

صنایع نفت و گاز و پتروشیمی از پر سودترین صنایع کشور است که افزایش قیمت دلار از اواسط سال ۹۷ تاکنون موجب شده، سود شرکت‌های پیمانکاری که درآمدهای آنها به دلار تعیین می‌شود، افزایش چشمگیر داشته باشد. دلار از ۴ هزار تومان به ۲۴ هزار تومان افزایش داشته و سود این شرکت‌ها نیز به همین تناسب بیشتر شده اما وضعیت دستمزدها، خوابگاه‌ها، تأخیر در پرداخت‌ها و ... تغییر چندانی نکرده است. همچنین عواملی چون قرار گرفتن در جغرافیای مناطق ویژه و آزاد اقتصادی و در نتیجه عدم شمولیت قانون کار در آن مناطق، سودآوری این حوزه را دو چندان کرده است. در کنار استثمار عیان و خشن شرکت‌های پیمانکار، گرما و آلودگی هوا در این مناطق مزید بر رنج و تهدیدی جدی برای سلامتی کارگران است. پروپاگاندای دولتی هر از چندگاهی با نشان دادن وضعیت به مراتب بهتر کارگران رسمی و عرضه آن به‌مانند یک ویتترین شیک به رسانه‌ها، سعی در نادیده گرفتن وضعیت فاجعه‌بار حدود ۷۰ درصد از کارگران غیر رسمی و عمدتاً پیمانکاری این حوزه از صنایع را دارد. آبادان، عسلویه، ماهشهر، کنگان و ... پر از کارگرانی است که حتی شرایط درستی برای نفس کشیدن ندارند و هر روزه آلاینده‌های هوا را تنفس می‌کنند. جوشکاری کار پر استرسی است و عوارض و بیماری‌هایی تا آخر عمر کارگر بر جای می‌گذارد. کارگران امروز این امید را دارند که دست استثمار را از روی سر خود کوتاه کنند؛ آنها امروز متشکل‌تر از قبل هستند و چم و خم کار متشکل و اعتصاب را بیشتر می‌یابند. تشکیل کمیته‌ها و صندوق‌های اعتصاب به تأسی از تجربیات تاریخی اعتصابات پیشینی کارگران نفت و دیگر نقاط کشور و همبستگی و اتحاد کارگران امروز راه را نشان می‌دهد.

کانال روزنامه‌نگاران مستقل ایران

30August 2020

گزارش کارگران پایپینگ و پروژه‌های نفت و گاز کشور درباره دستاورد اعتصاب دامنه دارشان

روز جمعه 21 شهریور، کانال روزنامه‌نگاران مستقل ایران گزارش کارگران پایپینگ و پروژه‌های نفت و گاز کشور را با عنوان «موفقیت 80 درصدی کمپین اعتصاب کارگران نفت و گاز» و مقدمه زیر منتشر کرد:

با اتمام پنجمین مرحله از کمپین اعتصابی کارگران نفت و گاز کشور، کارگران گزارشی از دستاوردهای این دوره از اعتصابات خود منتشر کرده و موفقیت‌های تقریباً 80 درصدی در افزایش دستمزدها این دوره را منتشر کردند. کارگران صنعت نفت و گاز کشور، بعد از یک دوره بیش از یک ماهه اعتصاب هماهنگ در مراکز نفتی کشور و مطالبه‌گری در قالب «کمپین اعتراضی کارگران پایپینگ و پروژه‌ای» ضمن کسب موفقیت‌های ضمنی، تصمیم‌گیری درباره مراحل بعدی مطالبه‌گری کمپین را به آینده موکول کرده‌اند که در این خصوص نیز اطلاع‌رسانی خواهد شد.

بخشی از گزارش کارگران پایپینگ و پروژه‌های نفت و گاز کشور بنقل از کانال روزنامه‌نگاران مستقل ایران بقرار زیر است:

ما کارگران پروژه در این متن به شرکت‌ها و پیمانکاران ز الوصف هشدار می‌دهیم که دیگر کارگران را نمی‌توانید فریب دهید. در ادامه از همه عزیزانی که صبر پیشه کردند و طبق کمپین مشغول بکار شده‌اند، تقدیر و تشکر می‌کنیم.

با درود بیکران و عرض ادب و احترام خدمت همه‌ی عزیزان پروژه‌ای

برادران عزیزان توجه داشته باشید، طی پنج مرحله از کمپین‌ها با همکاری بسیاری از نیروهای زحمت‌کش و باغیرت پروژه خوشبختانه به موفقیت تقریباً 80 درصد رسیدیم. شرکت‌ها و پیمانکاران از این اتحاد کارگران وحشت کرده و از این همبستگی کارگران متعجب هستند. کارفرمایان و پیمانکاران دیگر می‌دانند حق کارگر را نمی‌توانند چپاول کنند؛ بخصوص همه‌ی پیمانکاران که حساب کار دستشان آمده که دیگر نمی‌توانند کارگر را فریب دهند و با حقوق کم کارگران را مشغول کنند.

ما کارگران پروژه‌ای تا کی باید بگوییم، فلان پیمانکار فامیل هست یا فلان پیمانکار از اقوام ما است، دوست ما است و سرمان را پایین بیندازیم و باحقوق کم کار کنیم، آنهم در زمانه‌ای که پراید 104 میلیون تومان شده است؟ تا کی باید خوابگاه با امکانات کم، سرویس رفت و آمد با وضعیت افتضاح، غذای بی‌کیفیت را تحمل کنیم؟ هر جا و در هر پروژه دیدید که حقوق، بیمه، خوابگاه، غذا، سرویس و دیگر شرایط کار، وضعیت نابه‌سامانی دارد، سریعاً با دوستان خود مشورت کنیم؛ اتحاد داشته باشیم و دست از کار بکشیم و اعتصاب کنیم تا متصدی کار شرایط کارگاهش را بر ایمان درست فراهم سازد. من کارگر پروژه‌ای چجوری با یک مربای سه در سه و با یه کره سه در سه از ساعت 6 صبح تا ساعت 12 ظهر کار کنم؟ نه دیگر زمان حق‌خوری شرکت‌ها و پیمانکاران ز الو صفت به پایان رسیده است.

به تمامی شرکت‌ها و پیمانکاران در سال 1399 اتحاد خودمان را نشان دادیم و باز هم در کمپین‌های بعد با اتحاد بیشتر نشان خواهیم داد.

دوستان عزیزان! در اکثر پروژه‌ها و با همکاری و همیاری همه‌ی شما عزیزان و به لطف کمپین با افزایش حقوق نیروها موافقت شده است. به عنوان مثال جوشکار برق آرگون کربن که قبل از کمپین حقوقش 6.5 یا 7 میلیون تومان بوده، الان با 10 یا 11 یا 12 میلیون تومان مشغول بکار شده‌اند. فیتز که قبل از کمپین با حقوق 5.5 یا 6 میلیون تومان مشغول بوده، بعد از کمپین و الان با حقوق 8 میلیون تومان مشغول بکار شده؛ داربست بند که قبل از کمپین باحقوق 4 یا 4.5 میلیون تومان مشغول بوده، الان و بعد از کمپین با حقوق 7 یا 7.5 میلیون تومان مشغول بکار هستند.

از اینجا خواهش داریم از تمام عزیزانی که بدور از خانواده و در گرما و شرجی در عسلویه و دیگر مناطق کسور مشغول بکار هستند، طبق کمپین‌ها مشغول بکار شوند و شرکت‌ها و پیمانکاران ز الو صفت بدانند و هوشیار باشند که حقوق کارگران اجرایی پروژه‌ای اعم از جوشکار، فیتز، مونتاژکار، داربست بند، مکانیک، انبار دار، برق کارکمی و سایر مشاغل پروژه هر سال افزایش خواهد داشت.

باز اعتصاب فر اگیر کارگران پیمانی صنعت نفت چه می‌دانیم؟

در این گزارش بررسی می‌کنیم اعتصاب بر کدام بستر و چگونه شکل گرفت، نقش کارگران پیمانی در آن چه بود، مسئولان و پیمانکاران چه واکنشی نشان دادند، و اعتصاب چه نتایجی برای کارگران در بر داشت.

لیلا محمودی

در تداوم اعتصاب فراگیر یک ماهه کارگران پیمانی صنعت نفت، موج جدیدی از نارضایتی، اعتراض و اعتصاب مراکز نفتی را در بر گرفته است. کارگران پیمانی در میانه‌ی شهریور، با وعده‌ی رسیدگی به خواست‌هایشان کار را از سر گرفتند، اما به رغم افزایش دستمزد و پرداخت به موقع آن در برخی مراکز نفتی، تغییر دیگری در وضعیت کار کارگران صورت نگرفته است. خواست‌های اعتصاب فراگیر به جای خود باقی است و وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصاد و گسترش بیشتر کرونا سلامت، کار و معیشت کارگران را تهدید می‌کند. چنین به نظر می‌رسد موج جدید اعتراض و اعتصاب به مراکز بیشتری گسترش خواهد یافت.

از کارگران پیمانی نفت که در مرداد ۹۹، بزرگترین اعتصاب صنعت نفت در سه دهه اخیر را سازمان دادند، چه می‌دانیم، اعتصاب بر کدام بستر و چگونه شکل گرفت، واکنش مسئولان و پیمانکاران به آن چه بود، و چه نتایجی در بر داشت؟

اعتصاب فراگیر کارگران پیمانی صنعت نفت روز شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۹ با فراخوان قبلی و پس از آن سازماندهی شد که مذاکره کارگران با پیمانکاران، مقامات اداره کار و مسئولان خدمات اشتغال مناطق ویژه اقتصادی برای پرداخت حقوق‌های عقب‌افتاده، افزایش حقوق، کاهش ساعت کار و بهبود شرایط کار بی‌نتیجه ماند. اعتصاب‌های منفرد نیز نتوانست پیمانکاران را به پذیرش مطالبات کارگران وادارد.

اعتصاب در تداوم خود گسترش یافت و در هفته چهارم، دامنه آن بیش از ۵۰ مرکز نفتی و نیروگاهی انرژی در ۱۰ استان کشور را در بر گرفت و بیش از یک ماه ادامه یافت. هزاران کارگر دست از کار کشیدند. بخش قابل توجهی از آنان به شهرهای محل اقامت و نزد خانواده‌های خود بازگشتند با این تاکید که تا برآورده شدن خواست‌هایشان به کار بازمی‌گردند.

موقعیت و جایگاه کارگران پیمانی در صنعت نفت

از میانه دهه هفتاد در راستای سیاست اقتصادی حکومت مبتنی بر ارزان سازی نیروی کار در کشور، وزارت نفت بسیاری از فعالیت‌ها و پروژه‌های نفتی در چهار شرکت زیر مجموعه این وزارتخانه شامل شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی را به پیمانکاران خصوصی سپرد. این شرکت‌ها به نوبه خود بخش‌هایی از کار را به پیمانکاران کوچک (پیمانکاران دسته دوم) و استخدام پرسنل را به شرکت‌های پیمانی تامین نیروی انسانی واگذار کردند.

زمینه قانونی این امر پیش‌تر در سال ۱۳۶۹ فراهم شده بود. در این سال با افزودن دو تبصره به ماده هفتم قانون کار مربوط به تعریف قرارداد کار، مجوز قراردادهای موقت کار صادر شد.

در یک بازه زمانی تقریباً سی ساله، بخش اعظم کارگران صنعت نفت به کارگرانی با قراردادهای کوتاه مدت و فاقد امنیت شغلی تبدیل شدند. آن‌ها با قراردادهای پیمانی، قرارداد موقت، و قرارداد معین به کار مشغول‌اند. در شرکت‌های پیمانی دست دوم، قراردادهای سفید و شفاهی نیز رواج دارد. امنیت شغلی و قرارداد ثابت و مستقیم به رویایی دست‌نیافتنی برای کارگران نفت بدل شده است.

بر سر این موضوع اتفاق نظر وجود دارد که در حال حاضر دست‌کم ۷۰ درصد کارگران صنعت نفت طرف قرارداد شرکت‌های پیمانی هستند. اما آمار دقیقی از این کارگران در دست نیست. آخرین آمار

ارائه شده توسط مسئولان وزارت کار حاکی از اشتغال ۱۰۶ هزار کارگر مشمول قانون کار در صنعت نفت است که تحت پوشش شرکت‌های پیمانکاری هستند. حاتم شاکرمی معاون وزارت کار روز اول مرداد با ارائه این آمار اعلام کرد بر سر تدوین طرح طبقه بندی مشاغل برای این کارگران مذاکراتی با وزارت نفت در جریان است.

برای به دست آوردن مجموع کارگران شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت باید به رقم اعلام شده توسط معاون وزارت کار، تعداد نامشخص کارگران با قرارداد سفید، قراردادهای شفاهی و کارگران شاغل در پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی در مناطق آزاد تجاری را افزود که مشمول قانون کار نیستند.

زمینه‌های نارضایتی، مطالبات

شرایط کار کارگران پیمانی نفت طاقت‌فرساست. دستمزد پائین، ساعات طولانی کار در هوای آلوده به گازهای سمی، نبود ایمنی کار، غذاخوری‌ها و خوابگاه‌های غیر بهداشتی، غذای با کیفیت پائین و سرویس‌های غیر استاندارد کار با اضطراب مداوم ناشی از فقدان امنیت شغلی تکمیل می‌شود. دستمزد اندک کارگران نیز در بسیاری از موارد با تاخیر چند ماهه پرداخت می‌شود. پیمانکاران حق بیمه کارگران را کامل نمی‌پردازند. مفاد قراردادی را که خود با کارگر بسته‌اند نیز اجرا نمی‌کنند. در «مناطق ویژه اقتصادی» کارگران حتی مشمول مزایای حداقلی قانون کار نیستند.

به سبب حساسیت تاریخی حکومت نسبت به کارگران نفت و نقش تعیین کننده نفت در اقتصاد ایران فضای محیط کار در این صنعت به شدت امنیتی است. هیچ تشکلی به رسمیت شناخته نمی‌شود. اعتراض مساوی است با عدم تمدید قرارداد و با تکرار اعتراض، کارگر نه تنها شغل خود را از دست می‌دهد بلکه نامش به «لیست سیاه» پیمانکاران افزوده می‌شود. کارگران پیمانی نفت وضعیت کار خود را بردماری نوین می‌خوانند.

۲۲ خرداد «عمران روشنی مقدم» کارگر جوان شرکت پیمانکاری مؤسسه «نظم آفرینان ایمان» در محدوده چاه نفتی شماره ۱۹ در میدان نفتی یادآوران هویزه خود را حلق‌آویز کرد. او چند ماه حقوق نگرفته بود. صبح روز خودکشی کارفرما تقاضای او برای پرداخت مساعده را رد کرده بود. خبرگزاری فارس نوشت خودکشی عمران روشنی مقدم «یکی از ده‌ها و شاید صدها مورد خودکشی کارگران پیمانی نفت» است.

به این اوضاع باید شیوع کرونا و گرمای کشنده تابستان را افزود که کارگران در برابر آن بی‌دفاعند.

تابسان امسال گرمای کشنده در برخی مناطق نفتی به بالای ۵۰ درجه هم رسید. ادارات تعطیل شدند اما پیمانکاران از تعطیل کارگران و حتی کاهش ساعت کار خودداری کردند. ده‌ها کارگر در اثر ساعات طولانی کار سخت زیر تابش مستقیم خورشید از شدت گرما بیهوش شدند.

کلیپ و اخبار گرم‌زدگی چندین کارگر نفت در فضای مجازی منتشر شد. رسانه عصر جنوب با وجود دریافت خبرها و تصویرهای از حال رفتن چند تن از کارگران حین کار اجازه نیافت با کارگران گفت‌وگو کند و درباره شرایط کارشان گزارش دهد.

روز ۷ مرداد ابراهیم عربزاده از کارگران شرکت‌های پیمانکاری شرکت تهران جنوب (تاسیسات مخازن و ذخیره‌سازی بندرماهشهر) در اثر گرما حین کار جان باخت.

کار در کارگاه‌ها به طور فشرده، تراکم کارگران در کانکس‌های محل اقامت، غیربهداشتی بودن خوابگاه‌ها، سرویس حمل و نقل، سرویس بهداشتی و غذاخوری‌ها، کارگران را در معرض مستقیم ابتلا به کرونا قرار داده است. کارگران برخی مناطق نفتی نگران از انتقال بیماری به خانواده، از رفتن به مرخصی خودداری کردند.

فراخوان اعتصاب: «به خانه‌هایتان بروید، مجبورند بیایند دنبالتان»

کارگران پروژه‌ای صنعت نفت سابقه‌ی طولانی در اعتراض به شرایط کار و خوابگاه‌ها، قراردادهای سفید، تعویق پرداخت دستمزد و عدم امنیت شغلی دارند اما پراکنده بودن کارگران در شرکت‌های پیمانکاری مانعی بر سر حرکت مشترک آن‌هاست. این نخستین بار در سه دهه اخیر است که کارگران توانسته‌اند موانع مختلف را پشت سر بگذارند و اعتصاب مشترکی را در سراسر ایران سازماندهی کنند.

در ماه‌های پیش از اعتصاب، فضا در سایت‌های نفت فضای اعتراض و اعتصاب بود. نوشته‌ی یک کارگر به همکارانش در فضای مجازی می‌گشت که در آن از جمله گفته شده بود:

«امروز که کشور در بدترین شرایط اقتصادی و تورم بسر می‌برد بیشترین فشار بر قشر کارگر می‌باشد و هیچکس حاضر نیست که از حق ما دفاع بکند، چرا ما کارگران که چرخ اقتصاد به حساب می‌ایم باید سکوت کنیم و بترسیم و پشت هم نباشیم؟ آیا منتظریم دستی از غیب به دلمان برسد؟ یا انتظار داریم مرفهین که در تمام عمرشان هنوز خاک بر لباسشان ننشسته حقمان را بدهند؟ آیا نمی‌دانیم که حق گرفتاری است، نه دادنی؟ بیایید برای یک بار هم که شده پشت هم، دست در دست هم یک صدا فریاد بزنیم (کارگر برده نیست) ما حقمان را از آبادکردن این همه پروژه‌ها می‌خواهیم».

اعتصاب توسط «گروه مرکزی پایپینگ و اکیپ پروژه‌ای» صنعت نفت فراخوان داده شد. این کارگران ماهر شامل سازندگان، برقکاران، جوشکاران و لوله‌کش‌ها به دلیل تخصص‌شان از موقعیت ویژه‌ای در تولید برخوردارند و به سادگی قابل جایگزینی نیستند. نتیجه دست کشیدن دسته‌جمعی آن‌ها از کار، تعطیلی پروژه‌هاست. شعار کارگران خطاب به پیمانکاران در روزهای اعتصاب اعتماد به نفس آنان بازتاب می‌دهد: «به خانه می‌رویم تا شما اگر می‌توانید به جای ما جوشکاری و فیت‌رینگ کنید».

چهارشنبه ۸ مرداد ۹۹، کمیته رهبری اعتصاب فهرست حقوق‌های درخواستی کارگران پایپینگ (از چهار و نیم تا ۱۲ میلیون تومان در ماه) و سایر مطالبات کارگری را خطاب به پیمانکاران اعلام کرد. کمیته از کارگران همه پروژه‌ها «از تبریز تا ارومیه تا جنوب عسلویه، بندر قشم، لامرد، آبادان، ماهشهر، جفیر اهواز، بوشهر، و پالایشگاه اصفهان» خواست از شنبه ۱۱ مرداد به مدت ۲۰ روز دست از کار بکشند و به شهرهای محل اقامت خود بازگردند؛ «به خانه‌هایتان بروید، مجبورند بیایند دنبالتان».

به پیمانکاران تا ۳۰ مرداد مهلت داده شد و اعتصاب‌شکنان با این هشدار مواجه شدند که اسامی‌شان منتشر خواهد شد.

روند اعتصاب

صبح شنبه ۱۱ مرداد شماری از کارگران پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی جنوب ایران در اقدامی هماهنگ اعتصاب را آغاز کردند. گروه‌هایی از کارگران در پالایشگاه نفت سنگین قشم، شرکت اکسیر صنعت در فاز ۱۳ در اسلکه تنبک، پارس‌یان سپهر لامرد، فاز ۲ پالایشگاه آبادان، و فازهای ۱، ۲، ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی کنگان، سینا صنعت در پتروشیمی پارس فنل، شرکت آذران گستر و شرکت آویژه

صنعت در پالایشگاه نفت سنگین قشم، سیکل ترکیبی ارومیه، پتروشیمی سبلان، شرکت تناوب در فاز ۱۴، شرکت پتروهمگام ماهشهر، پتروشیمی بوعلی، پتروشیمی هنگام، پالایشگاه آبادان شرکت IGC دست از کار کشیدند. برخی کارگران عازم شهرهای محل اقامت خود شدند. برخی در خوابگاه‌ها ماندند.

یکشنبه ۱۲ مرداد دامنه اعتصاب به چند مرکز دیگر گسترش یافت. بسیاری از کارگران پالایشگاه جفیر در نزدیکی اهواز، کارگران فاز ۱۴ پارس جنوبی، پتروپالایش پارس جنوبی واقع در بوشهر و کارگران شرکت «تهران هینو» در پالایشگاه ماهشهر به اعتصاب پیوستند. ۸۰۰ کارگر پتروپالایش کنگان نیز اعتصاب کردند.

۱۳ مرداد کارگران چند نیروگاه برق به اعتصاب پیوستند. بخشی از کارگران در نیروگاه برق بیدخون در عسلویه، نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز، نیروگاه برق رودشور تهران، کارگران نیروگاه مپنا بویلر مشهد در این همین روز و کارگران نیروگاه حرارتی و گازی تبریز در کیلومتر ۱۶ جاده تبریز به آذرشهر در روز ۱۴ مرداد به اعتصاب پیوستند.

روز ۱۴ مرداد پالایشگاه اصفهان به اعتصاب پیوست. در همین روز ۶۵۰ کارگر پتروشیمی ماهشهر دست از کار کشیدند. در پی اعتصاب، نماینده کارگران به محل شرکت ممنوع‌الورود شد. کارگران مقابل درب ورودی اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به مطالباتشان و ورود نمایندگان به محل کار شدند.

کارگران شرکت پارس جنوبی عسلویه و فاز ۱۴ شرکت‌ای جی که از ۱۲ مرداد به اعتصاب پیوسته بودند، روز ۱۴ مرداد در سومین روز اعتصاب خود به طور کلی دست از کار کشیدند و شرکت را تعطیل کردند.

روزهای بعد گروه‌هایی از پرسنل میدان نفتی آزادگان شمالی در هویزه، پالایشگاه پارسین و پتروشیمی لامرد در استان فارس، نیروگاه بیدخون و شرکت جهانپارس ایلام تهران، پالایشگاه فاز ۲۳ پارس جنوبی کنگان و بخشی از کارگران پروژه‌ای آبادان، پالایشگاه نفت سنگین قشم، شرکت آذران گستر و شرکت آویژه صنعت در پالایشگاه نفت سنگین قشم، شرکت آی. جی. سی در پالایشگاه آبادان، شرکت اکسیر صنعت در فاز ۱۳ در اسلکه تنبک، شرکت سینا صنعت در پتروشیمی پارس فنل، سیکل ترکیبی ارومیه، پتروشیمی سبلان، شرکت تناوب در فاز ۱۴، شرکت پتروهمگام ماهشهر، پتروشیمی بوعلی، برق سبلان اردبیل، شرکت IDC دشت عباس دهلران، پروژه بید بلند خلیج فارس در بندر مجیدیه شهرستان ماهشهر اعتصاب کردند.

بخش زیادی از کارگران اعتصابی به محل اقامت خود بازگشتند. برخی سایت‌های کاری به طور کامل از نیروی کار خالی شدند. کارگران برخی مناطق نفتی جنوب از جمله کنگان، لامرد و مهر خوابگاه‌ها را ترک کرده و به محل سکونت خود بازگشتند. فاز ۱۴ از کارگران جوشکار و پایپینگ‌کار (لوله‌کشی) خالی شد.

پس از چهار روز از آغاز اعتصاب، اولین ثمرات آن به بار نشست. در گزارش روز چهارم اعصاب آمده است که کارفرمای کارگران اعتصابی در نیروگاه ایرانشهر با خواست‌های آن‌ها موافقت کرده حقوق جوشکاران به ۱۲ میلیون تومان افزایش یابد و حقوق سایر موقعیت‌های شغلی نیز افزوده شود.

در پنجمین روز اعتصاب، تعداد مراکز اعتصاب به ۲۸ رسید.

همزمان با گسترش دامنه اعتصاب تحریک و تبلیغ علیه کارگران اعتصابی نیز آغاز شد. فرماندار آبادان از تریبون صدا و سیما علیه کارگران اعتصابی موضع گرفت. کارگران در نامه‌ای خطاب به خامنه‌ای خواست‌های اعتصاب را اعلام و خواستار رسیدگی شدند. خواست‌ها: الزام شرکت‌ها به پرداخت سر وقت دستمزد و مزایا، حق بیمه متناسب با موقعیت شغلی، کاهش ساعت کار و افزایش مرخصی ماهانه متناسب با توجه به آلودگی مناطق صنعتی و به منظور جلوگیری از بیماری‌های حرفه‌ای، تشکیل هیات نظارت و بازرسی از محیط کار، حذف پیمانکاران دست دوم، به رسمیت شناختن حق ایجاد سندیکا، حذف بندهای غیرقانونی قراردادهای کار.

با گذشت یک هفته از اعتصاب، دستکم ۴۲ مرکز نفت و گاز و پتروشیمی، نیروگاه‌های برق و مراکز صنعتی دیگر در ۱۰ استان ایران شامل خوزستان، هرمزگان، بوشهر، اصفهان، فارس، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، تهران، خراسان رضوی و ایلام در اعتصاب بودند.

در همین روزها اعتصاب‌های دیگری در سراسر کشور جریان داشت. اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه، ماشین‌سازی هپکو در اراک، کارگران چند شهرداری از جمله اهواز، فولاد سنگان، شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان، آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی، معلمان حق‌التدریسی، کارگران بازنشسته شرکت واحد، کارگران زن و مرد شرکت بازیافت زباله اهواز، معلمان مدارس خصوصی، پرستاران، کارگران کنترساز قزوین، آموزشیاران نهضت سوادآموزی، بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر، کارگران شرکت فولاد جهان‌آرا در خرمشهر و کارگران راه‌آهن از جمله در اراک، تهران، البرز، و خراسان.

با گذشت دو هفته از اعتصاب نفت، کارگران بیشتری به آن پیوستند و شرکت تهران جنوب ماهشهر بطور کامل تعطیل شد.

۲۳ مرداد علی جمادی رئیس کل دادگستری استان بوشهر از پرداخت مطالبات کارگران هشت شرکت پیمانکاری فعال در منطقه ویژه پارس جنوبی در عسلویه خبر داد. او در توضیح گفت:

«این هشت شرکت در مرحله بحرانی و مشکلات قرار گرفته بودند که با ورود دادستانی شهرستان عسلویه مشکلات بوجود آمده برطرف و حقوق سه هزار و ۸۰۰ نفر از کارگران این شرکت‌ها به طور کامل پرداخت و این قشر به سر کار خود بازگشتند».

در پالایشگاه آبادان پیمانکاران به کارگران اعتصابی پیشنهاد افزایش حقوق به ۸ و نیم میلیون را دادند. کارگران نپذیرفتند و تاکید کردند به کمتر از ۱۰ میلیون راضی نمی‌شوند.

۲۵ مرداد در پانزدهمین روز اعتصاب، سندیکای فلزکار مکانیک تعداد کارگران اعتصابی در مناطق نفتی را بیش از ۱۰ هزار تن اعلام کرد.

در همین روز، «مدیریت گروه مرکزی پاپینگ و اکیپ پروژه‌ای» سازمانده اعتصاب با صدور بیانیه‌ای زمان اعتصاب را تا ۱۵ شهریور تمدید کرد و به اعتصاب‌شکنان هشدار داد. به کارگران رهنمود داده شد برای حفظ اتحاد در برابر پیمانکاران که تلاش دارند کارگران را به طور فردی با وعده و وعید به سر کار باز گردانند، در هر کارگاه یک گروه واتس‌اپی تشکیل دهند و در برابر پیمانکاران متحد عمل کنند.

همچنین از کارگران خواسته شد در صورتی که پیمانکار تمامی خواست‌های آنان را پذیرفت، ابتدا ۵ تن از کارگران با تجربه برای مذاکره به محل کار بروند و پس از آن که کارفرما قرارداد را با پذیرش همه شروط کارگران امضا کرد، کارگران به سرکار بازگردند.

با افزایش تعداد پیمانکارانی که حاضر به مذاکره بر سر خواست‌های کارگران بودند، هماهنگ‌کنندگان اعتصاب ۳۰ مرداد بیانیه‌ای خطاب به پیمانکاران و کارفرمایان صادر و شرایط خود را برای پذیرش پیشنهاد کارفرمایان چنین اعلام کردند:

تنظیم قرارداد تاییبی بر روی سربرگ شرکت، با ذکر مطالبات کارگران، و مهر و امضای پیمانکار و ارسال آن به هیات هماهنگ‌کننده.

دوشنبه ۲۷ مرداد در هفدهمین روز اعتصاب، بیرن نامدار زنگنه وزیر نفت ناگزیر شد درباره اعتصاب نفت و مطالبات کارگران صحبت کند.

او در ارتباط با مطالبات هزاران کارگر که به واسطه‌ی پیمانکاران دسته دوم کار می‌کنند، از وزارت نفت سلب مسئولیت کرد و گفت: «برخی از این اعتراضات مربوط به پیمانکاران دسته دوم بوده که بعضاً ربطی به نفت نداشته است».

وزیر نفت درباره مطالبات سایر کارگران پیمانی به وعده‌های کلی برای آینده‌ای نامعلوم بسنده کرد و گفت «اگر لازم باشد که از کارفرما بخواهم وظایف خود را انجام دهد کوتاهی نمی‌کنم». اما موضع او درباره خواست افزایش دستمزد صراحت داشت؛ «... اما اگر فراتر از این باشد... همه باید وضع کشور را در نظر بگیریم. مثلاً اگر کسی بگوید من دو برابر حقوق می‌خواهم من کاری نمی‌توانم بکنم».

۶ شهریور سازماندهندگان اعتصاب در بیانیه‌ای با شرکت‌های پیمانکاری اتمام حجت کردند. آن‌ها ضمن تاکید بر حقوق‌های درخواستی و سایر مطالبات، اعلام کردند در شرکت‌هایی که کارفرما به خواست کارگران تن ندهند، اعتصاب بطور نامحدود ادامه می‌یابد.

نتایج اعتصاب

به گفته‌ی سازماندهندگان، در اعتصابی که بیش از یک ماه ادامه یافت بیش از ۱۵ هزار کارگر شرکت داشتند. در برخی از مراکز همه‌ی کارگران به اعتصاب پیوستند. پیمانکاران و مسئولان تمامی شیوه‌های معمول برای درهم شکستن اعتصاب از قبیل تهدید، تلاش برای ایجاد شکاف میان کارگران، و تطمیع کارگران منفرد استفاده کردند اما در نهایت بسیاری از پیمانکاران در برابر همبستگی و پایداری کارگران تسلیم شدند و به خواست‌های آنان تن دادند.

حقوق معوقه کارگران در بسیاری از مناطق پرداخته شد. در شرایطی که وزیر نفت کارگران را از خواست افزایش حقوق برحذر داشته و از آنان می‌خواست «وضع کشور» را در نظر بگیرند، بخشی از پیمانکاران حاضر شدند حقوق‌ها را افزایش دهند.

پالایشگاه آبادان پیشنهاد افزایش دو میلیون تومان به حقوق کارگران را داد، کارگران نپذیرفتند. در فاز ۱۴ پارس جنوبی هم کارگران افزایش دستمزد به ۸ میلیون تومان را نپذیرفتند.

پتروشیمی مرجان، سبلان، پلیمر آراین، پاسیان ایده نما، شرکت مهندسی و ساخت آرسن توسعه، شرکت فنی مهندسی ساتراپ صنعت راندمان در پتروشیمی سبلان، پیمانکاری افشین شجاعی، داریوش بهرود،

حاجی قلی امینی، پیمانکاری لیموچی شرکت تهران جنوب، پتروپالایش شرکت گاما و شرکت زاگرس نصب پیمانکاران مطالبات کارگران اعتصابی را پذیرفتند.

یکی از کارگران در هفدهمین روز اعتصاب نوشت:

«شرکت به ما زنگ زده گفته حقوق کمپین ۹ تومان هست و تقبل کرده که ۹ تومان بده. تازه گفته اگه کارتون اوکی باشه بیشتر هم میده. منم فقط گفتم در صورت اومدن تنها چیزی که میخوام کپی از قراردادده. گفت مشکلی نداره».

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 7 اسفند ماه 1399

- اعتصاب و تجمع کارگران پیمانی پالایشگاه پارس جنوبی (عسلویه) در اعتراض به سطح نازل حقوق، شرایط کاری و وعده های توخالی

- ادامه اعتراضات کارگران پتروشیمی ایلام نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی با تجمع مقابل استانداری ایلام

- آخرین گزارشات از ادامه اعتراضات در سیستان و بلوچستان نسبت به یورش به سوختبران و اهالی سراوان

- صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد: نرخ حداقل دستمزد 1400

- نامه سرگشاده دانشجویان به مسئولان وزارت علوم و دانشگاه ها در رابطه با خوابگاه ها

***اعتصاب و تجمع کارگران پیمانی پالایشگاه پارس جنوبی (عسلویه) در اعتراض به سطح نازل حقوق، شرایط کاری و وعده های توخالی**

روز چهارشنبه 6 اسفند، کارگران پیمانی یک پالایشگاه پارس جنوبی (عسلویه) در اعتراض به سطح نازل حقوق، شرایط کاری و وعده های توخالی دست از کار کشیدند و در محل کارشان اجتماع

یکی از کارگران اعتصاب به خبرنگار رسانه ای گفت: علت اصلی اعتصاب کارگران این پالایشگاه شیفت بندی اخیر شرکت در شرایط کرونایی به شکل یک روز در میان (یک روز کار و یک روز استراحت) یا روز کار دائم بدون مرخصی بوده است.

وی افزود: در کنار این موضوع، عدم تحقق وعده افزایش حقوق است که متأسفانه پس از گذشت مدت ها از این قول و قرارها محقق نشده و مشکلات متعددی را برای ما به وجود آورده است.

در همین رابطه: ادامه کنش های کارگران پیمانی پارس جنوبی برای افزایش دستمزد، پایان دادن به تبعیض ها، محرمانه بودن قراردادها، انیت و آزار همکاران حق طلب و سکوت مصلحتی اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه با انتشار نامه سرگشاده و اعزام یکی از نمایندگانشان به پایتخت

کارگران پیمانی پارس جنوبی در ادامه کنش های دامنہ دارشان برای افزایش دستمزد، پایان دادن به تبعیض ها محرمانه بودن قراردادها، اذیت و آزار همکاران حق طلب و سکوت مصلحتی اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه نامه ای خطاب به مسئولان منجمله نمایندگان مجلس نوشتند و یکی از نمایندگانشان را به تهران جهت ثبت در مجلس اعزام کردند.

نقل به معنی بخشی از این نامه مشتمل بر مطالبات کارگران پیمانی پارس جنوبی که دوشنبه 4 اسفند رسانه ای شده بقرار زیر است:

1- عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

پس از سال ها وقفه و انتظار بالاخره در اسفند ماه سال 98 وزیر نفت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را از تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۰۱ ابلاغ نمود که این طرح پس از گذشت چندین ماه کماکان بلا تکلیف است و به صورت رسمی اجرایی نشده است. لازم به ذکر می باشد با توجه به شواهد موجود طرح مذکور دارای ایراداتی است که در ذیل به چند نمونه اشاره می کنم:

الف) برای اجرای طرح طبقه بندی ابتدا باید کمیته طبقه بندی مشاغل تشکیل شود و این کمیته متشکل از نمایندگان کارگران، نمایندگان کارفرما و ناظران اجرای طرح می باشد که متأسفانه این طرح به صورت کاملاً یکطرفه از سمت معاونت منابع انسانی وزارت نفت و بدون در نظر گرفتن نظرات نمایندگان کارگران ابلاغ شده است.

ب) مبنای محاسبه فوق العاده مناطق گرمسیری، فوق العاده جذب مشاغل اصلی و تخصصی، فوق العاده پارس جنوبی و... مزد شغل یا مزد شغل گروه شغلی یک می باشد. (مزد شغل مبلغ پایه تعیین شده برای هر گروه شغلی بدون احتساب سابقه کار، مدرک تحصیلی و... می باشد.)

ج) در محاسبه سابقه کار فقط سابقه کار مجتمع گاز پارس جنوبی لحاظ گردیده است. به عنوان مثال اگر شخصی ۱۰ سال سابقه کار اجرا، پیش راه اندازی، راه اندازی و بهره برداری در یک پالایشگاه داشته باشد فقط سابقه آن بازه زمانی که زیر نظر مجتمع گاز پارس جنوبی فعالیت داشته موثر خواهد بود.

د) حداکثر سابقه کاری امتیاز آور ۷ سال است و سابقه کاری بیش از ۷ سال هیچ تاثیری در تعیین میزان حقوق پایه نخواهد داشت.

2- آلودگی هوای منطقه و دوری از خانواده

میزان آلودگی هوای منطقه و اثرات دوری از خانواده های کارکنان بر هیچ کس پوشیده و پنهان نیست، این امر موجب وارد آمدن خسارات جبران ناپذیری بر سلامت روحی، روانی و جسمی نفرات شاغل در این منطقه و خانواده های آنان می گردد که با اجرای طرح ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت می توان تا حدودی آسیب وارد شده را جبران نمود. مجله علمی پژوهشی طب جنوب زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر مقاله ای تحت عنوان بررسی آلودگی های زیست محیطی ناشی از صنایع گاز و پتروشیمی و اثرات آن بر ساکنین منطقه عسلویه به چاپ رسانده که به صورت پیوست خدمتتان ارسال می گردد.

3- سختی کار

برای هیچ یک از کارکنان پیمانی مشخص نیست که شغلی که در آن مشغول به کار هستند جز مشاغل سخت و زیان‌آور است یا خیر. اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس هم شرط رسیدگی به موضوع را داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه کار می‌داند که این امر موجب می‌شود ۴ درصد حق بیمه مازاد مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور که پرداخت آن بر عهده کارفرما است به ناحبان گریبانگیر کارکنان شود و بعضاً پرداخت آن از توان کارکنان خارج است. همچنین لازم به ذکر می‌باشد اگر شغلی جز گروه کاری سخت و زیان‌آور قرار بگیرد ساعت کاری روزانه یک ساعت کاهش می‌یابد و در صورت حضور در محل کار کارفرما موظف به پرداخت اضافه کاری می‌باشد. این امر تاکنون مدنظر قرار نگرفته است و سالیانه حدود ۲۴۰ ساعت اضافه کاری کارگران زحمتکش بدون مزد باقی می‌ماند.

4- تبعیض بین کارکنان پیمانکاری و رسمی

تبعیض بین کارکنان پیمانکاری و رسمی کاملاً مشهود و چشم گیر است که این ساختار حاکم موجب برخوردهای بد و دور از شان انسانی با کارکنان خدوم و زحمتکش پیمانکاری می‌گردد. کارکنان رسمی هم دارای حقوق و دستمزدهای بسیار بالاتری نسبت به نفرات پیمانکاری هستند و هم از خدمات ویژه و بهتری برخوردار هستند. از جمله می‌توان به ایجاد شرایط جهت حضور آن‌ها در کنار خانواده با در اختیار گذاشتن مسکن مناسب و دور از آلودگی هوای منطقه، ایجاد شرایط مناسب آموزشی، فرهنگی و ورزشی برای فرزندان و سایر اعضای خانواده، داشتن سهمیه پرواز به تمام نقاط ایران به صورت رفت و برگشت در هر دوره کاری و بسیاری خدمات رفاهی و تفریحی، داشتن خدمات درمانی مناسب و استفاده رایگان از تمام مراکز درمانی طرف قرارداد وزارت نفت و... این در حالی است که کارکنان پیمانکاری با توجه به اینکه حقوق و دستمزدهای بسیار پایین‌تری دارند نه تنها از هیچ یک از خدمات فوق برخوردار نیستند بلکه در شرایط نامناسبی به حال خود رها شده‌اند و دائماً مورد کم لطفی و بی‌مهری مسئولان منطقه قرار می‌گیرند.

5- برخورد با کارکنان پیمانکاری

برخوردهای حراست پالایشگاه‌ها و منطقه ویژه با کارکنان پیمانکاری به دفعات زیاد قابل مشاهده است و در صورت هرگونه اعتراض تحت عنوان رهبری اغتشاشات و خلل در روند تولید پایدار پالایشگاه برخوردهای سخت و قهری صورت می‌گیرد و به راحتی موجب اخراج کارکنان پیمانکاری می‌گردد و بعضاً در لیست سیاه منطقه ویژه قرار می‌گیرند و برای همیشه باید منطقه را ترک کنند. تعدادی از این برخوردها را به عنوان نمونه به صورت پیوست ارسال می‌گردد.

6- عدم رسیدگی به شکایات کارکنان پیمانکاری توسط اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه

با بررسی تعداد شکایات کارکنان پیمانکاری از شرکت‌های فعال در این منطقه پی به حجم بالای بی‌عدالتی و نارضایتی موجود خواهید برد. شکایتهایی که هیچ گاه نتیجه مطلوب و برابر عدالت و قانون نداشته است.

7- محرمانه بودن پیمان‌ها

و در آخر این سوال مطرح است که پیمان‌هایی که کاملاً به صورت خدماتی اجرا می‌شوند چرا باید محرمانه باشند تا کارکنان پیمانکاری که بخش مهمی از این پیمان بر عهده آن‌ها هست از حق و حقوق خود آگاه نباشند.

***ادامه اعتراضات کارگران پتروشیمی ایلام نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی با تجمع مقابل استانداری ایلام**

روز چهارشنبه 6 اسفند ماه، جمعی از کارگران پتروشیمی ایلام برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به برپایی تجمع مقابل استانداری ایلام زدند.

روز پنج شنبه 7 اسفند یکی از مسئولان روابط عمومی استانداری ایلام به خبرنگار رسانه ای گفت: این کارگران پتروشیمی مدتی قبل در پروژه های مشغول به کار بوده اند که اکنون کار پروژه آن به اتمام رسیده؛ در نتیجه کارگران نیز در حال حاضر بیکار هستند.

مدیر کل سیاسی، انتخابات و تقسیمات کشوری استانداری ایلام در این باره گفت: با توجه به افتتاح واحد الفین پتروشیمی، طبق شیوه نامه اجرایی که بوده است باید آزمونی برگزار شود و از 500 نفر نیرو بایستی 200 نفر از طریق آزمون استخدام شوند که با توجه به شرایط اعتراضات کارگران زمان مناسبی برای برگزاری آزمون نیست و پتروشیمی این آزمون را تاکنون برگزار نکرده است.

وی افزود: با توجه به تصمیماتی که گرفته شده، پتروشیمی باید کارگرانی که اخراج شده اند در قالب شیفت 15 روز کار 15 استراحت تا زمان اجرای شیوه نامه و برگزاری آزمون، مشغول به کار باشند ولی پتروشیمی برنامه را درست اجرا نکرده و کارگران 15 روز کار 45 روز استراحت بوده به نوعی این بیکاری سبب اعتراضشان شده است.

در همین رابطه: ادامه اعتراضات کارگران پروژه های پتروشیمی ایلام نسبت به شیوه نامه جذب با برپایی تجمع مقابل شرکت

روز یکشنبه 3 اسفند، جمعی از کارگران پروژه های پتروشیمی ایلام در ادامه اعتراضاتشان نسبت به شیوه نامه جذب دست به تجمع مقابل این شرکت زدند.



براساس گزارش رسانه ای شده، کارگران پروژه های خواهان اصلاح وضعیت جذب خود به عنوان کارگر قراردادی هستند و می گویند که این شیوه نامه باید شرایط ورود آنها را تسهیل کند.

تعداد معترضان حدود 100 نفر بود. بیشتر آن‌ها اهالی شهرستان «چوار» هستند؛ شهرستانی که همجوار با محل این استقرار تاسیسات این شرکت است. این گروه از کارگران به صورت 15 روزه به عنوان جوشکار و فیتزر (نیروی فنی) در مجتمع الفین این شرکت مشغول به کار هستند. آن‌ها می‌گویند که بر اساس قانون نفت، ساکنان مناطق همجوار صنایع باید در اولویت جذب باشند.

به گفته‌ی معترضان مطابق شیوه نامه‌ی جدید، تنها آن گروه از کارگران جذب می‌شوند که در 6 ماه اول سال 99، حداقل 1 ماه سابقه بیمه‌پردازی داشته باشند؛ در حالی که کار به شکل پروژه‌ای انجام می‌شود و بسیاری از آن‌ها در بازه‌ی زمانی مدنظر در محل کار حضور نداشتند.

حضور کارگران پروژه‌ای در محل کار، بر اساس درخواست واحدهای مربوطه انجام می‌شود اما عرفاً کارگران باید 15 روز از ماه را در محل کار حاضر باشند و 15 روز دیگر را استراحت کنند یا برای خود شغل دیگری مهیا کنند.

به گفته‌ی معترضان در شیوه نامه‌ی جدید حدود 300 نفر جذب می‌شوند که اگر بنابر جذب بومیان واجد شرایط باشد، از این تعداد حدود 100 نفر بومیانی هستند که از 10 تا 15 سال پیش در این شرکت مشغول به کار بودند و به نوعی از بانیان تاسیس این شرکت، محسوب می‌شوند.

کارگران پروژه‌ای پتروشیمی ایلام در همین حال می‌گویند: «به دلیل اینکه از هفته‌های گذشته اعتراض خود را آغاز کرده‌اند، شرکت گروهی کارگر را از استان‌های همجوار ایلام به عنوان جایگزین آن‌ها به استان آورده است».

***آخرین گزارشات از ادامه اعتراضات در سیستان و بلوچستان نسبت به یورش به سوختبران و اهالی سراوان**

روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه 6 و 7 اسفند، کسبه شهرهای ایرانشهر، زاهدان و جکیگور با بستن مغازه‌ها اعتراضشان را نسبت به یورش سپاه پاسداران به سوختبران و اهالی شهرستان سراوان بنمایش گذاشتند و معترضان در شهرهای مختلف استان با آتش زدن لاستیک محورهای ترانزیتی را مسدود کردند.

بنابه گزارش یک منبع خبری محلی، در پی این تجمعات اعتراضی دوفرد در قلعه بید به نام‌های حسن محمد زهی (نوجوان) و محمد صالح مقدمی جان باخته‌اند.

در ادامه اعتصاب و اعتراضات گسترده اهالی در سیستان و بلوچستان، اینترنت در این استان قطع یا بسیار ضعیف شده است.

***صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد نرخ حداقل دستمزد 1400**

امسال در شرایطی بحث حداقل دستمزد کارگران مطرح است که نرخ تورم نقطه به نقطه حدود ۴۸.۸ اعلام شده و بحران معیشت بیش از هر زمان دیگری زندگی کارگران و مزد بگیران و بازنشستگان را در معرض تهدید جدی قرار داده و هر روز شاهد گسترده‌تر شدن فقر و افزایش شکاف‌های طبقاتی هستیم. هرچه کارگران و مزدبگیران در تلاطم و بحران بیشتری برای بدست آوردن حداقل‌های زیست انسانی بسر می‌برند عزم دولت، کارفرما، عمال آنان برای دست‌اندازی و چپاول بیشتر در سفره کارگران جدی‌تر می‌شود. از وزیر کار تا شوراهای اسلامی، از نمایندگان مجلس تا دست‌نشانده‌های رسانه‌ای آنان و اقتصاددانان سرمایه‌داری همه و همه کسب سود بیشتر و انباشت سرمایه بیشتر را در گرو استثمار و

بهرمکنشی دوچندان کارگران میدانند. هر سال حوالی اسفند برای مدتی بحث حداقل دستمزد مطرح و بعد از تصویب آن بدون در نظر گرفتن تورم لحظه‌ایی، تا سال آینده پرونده هرگونه افزایشی در حقوق مختومه اعلام میشود. که البته نگاهی به نهادهای تصویب کننده حداقل نرخ دستمزد و چینش و ماهیت افراد چرایی این امر را پاسخ میدهد؛ "شورای عالی کار"

مرجعی برای تصمیم‌گیری تصویب نرخ دستمزد نهادی که با حضور ۷ نفر طرف دولتی و کارفرمایی در مقابل ۳ نفر به اصطلاح نماینده کارگری در پروسه‌ایی نمایشی و فرمایشی برای یورش همجانبه به زیست خانواده‌های کارگری از یکدیگر پیشی میگیرند. شورایی که هیچ‌گاه به هیچ کارگر مستقل و یا نمایندگان مستقل آنان فرصت حضور و سخن‌گفتن از لزوم افزایش دستمزد و وضعیت معیشت کارگران را نمیدهد و به حضور اعضای شوراهای اسلامی و خانه کارگر؛ این نهادهای مزدور و جیرمخوار برای تأیید مصوبه‌های ضد انسانی و ضد کارگری بسنده میکنند و با حضور "نا نمایندگان" سعی در مشروع نشان دادن سهم اندک کارگران از تولید و ثروت ملی دارند.

انچه سال پیش‌رو را از سالیان گذشته متمایز میسازد بحران فراگیر و گسترده در پی همه‌گیری کروناست که طی آن تعداد زیادی از کارگران یا اخراج شدند و یا با اندک حقوق دریافتی بدون پاداش و اضافه‌کار و افزایش هزینه‌ها برای پیشگیری و درمان کرونا.. در باتلاقی ساختمانی نظام سرمایه سالار بیش از همیشه گرفتارند. اما چنین شرایط سخت و دشوار هم حاکمیت و کارفرما را از پرکردن انبانه‌ها برحذر نمیدارد.

معاون حقوقی رییس جمهوری طی نامه‌ایی به سازمان تامین اجتماعی خواستار قانونی شدن دستمزد توافقی و عدم افزایش دستمزد در سال ۱۴۰۰ شده است. رویه‌ایی که اگرچه سالهاست به طور غیر رسمی در قراردادهای موقت اعمال میشود اما قانونی شدن آن زنگ‌خطری برای تمام آن‌کسانیست که جز فروش نیروی کارشان هیچ ابزاری برای گذران زندگی ندارند. مسئله‌ایی که در ضدیت کامل با مقاوله‌نامه‌ی ۱۳۲ سازمان جهانی کار (ILO) است که دولت جمهوری اسلامی آنرا پذیرفته، امضا کرده و متعهد به اجرای آن شده و حالا اینچنین عریان به این عهدنامه‌ها دهن کجی میکند. طی این بخشنامه رییس جمهور به سازمان تامین اجتماعی کارفرما هیچ الزامی به افزایش دستمزد مخصوصا برای کارگران قراردادی موقت نداشته و دست کارفرما برای پرداخت کمتر و بهره‌مکنشی بیشتر بازتر از هر زمان دیگریست. آن هم در شرایطی که از سال ۷۱ و در پی شتاب خصوصی‌سازی‌ها ۹۰٪ قراردادهای بصورت موقت منعقد شده و ۷۰٪ همان کارگران فقط و فقط حداقل دستمزد را دریافت میکنند و علاوه بر تمام اینها مسئله "دستمزد منطقه‌ایی" نیز با جدیت و استفاده از هر رانت و ابزاری توسط مافیای کارفرما از جمله کارفرمای گروه ملی فولاد پیگیری میشود و این مسئله‌اییست که زندگی تعداد زیادی از همکاران ما در گروه ملی فولاد را هم متأثر خواهد کرد و تتکا و عسرت بیشتری بر آنان تحمیل خواهد شد. در این شرایط تنها تعیین تصویب حداقل دستمزد ۱۲ میلیونی میتواند اندکی از افزایش فشار بر خانواده‌های کارگری جلوگیری کند و از آنجا که خط فقر ۱۱ میلیون تعریف شده هر پرداختی کمتر از آن دردی از مشکلات بیشمار کارگران را درمان نخواهد کرد و قابل پذیرش نیست. این نرخ ۱۲ میلیونی کمترین میزان نیست که یک خانواده کارگری برای رفع نیازهای اولیه خود نظیر خوراک پوشاک مسکن آموزش و درمان به آن نیازمند است.

در این بزنگاه که حاکمیت مدافع سرمایه و کارفرما با تمام توان در حال تاختن به اندک‌های طبقه کارگر هستند تنها عاملی که میتواند بصورت مانع عمل کرده و مانع از پیشروی گستاخانه آنان شود، اتحاد و

همبستگی طبقاتی و وجود تشکلهای مستقل کارگران است. در واقع طرح مسئله دستمزد امکانی را مهیا میکند که کارگران در محیطهای کار و زندگی با تمرین هم‌اندیشی برای برون‌رفت از شرایط اضطرار زندگی به راهکاری مورد پذیرش جمع برسند و مدام در مورد موضوع دستمزد به مثابه همه هستی و دارایی طبقه کارگر به شور و گفتگو بپردازند و اجازه ندهند این مبحث محدود به یکبار در سال در حوالی اسفندماه باشد. علی‌ایحال تا زمان لغو کار مزدی و پایان ستم انسان بر انسان مسئله حداقل دستمزد مسئله روز و جاری کارگران مزدبگیران و متحدان آنان خواهد بود و ضروری‌ست که تشکلهای مستقل کارگری با تمام توان و به پشتوانه کارگران مجدانه در جهت احقاق حقوق اولیه انسان برای بقا تلاش کنند.

ما کارگران گروه ملی فولاد نیز خواهان تصویب حداقل مزد ۱۲ میلیونی برای کارگران هستیم و برای حصول نتیجه و نیل به این هدف با کارگران در سراسر دنیا همراه و هم‌قدم خواهیم شد

***نامه سرگشاده دانشجویان به مسئولان وزارت علوم و دانشگاه‌ها در رابطه با خوابگاه‌ها**

با گذشت قریب به یک سال از شروع همه‌گیری بیماری کرونا همچنان خوابگاه‌های دانشجویی عملاً در تعطیلی به‌سر می‌برند و در تعداد محدودی و در پروسه‌ای پرمشقت به برخی از دانشجویان تعلق می‌گیرند. این دانشجویان که بخش کوچکی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی هستند مجوز استفاده از خوابگاه را دریافت کرده‌اند. اصولاً در این یک سال هیچ درخواستی از دانشجویان کارشناسی مورد بررسی قرار نگرفته است و اکنون نیز در جدیدترین تصمیمات صرفاً به مدت حدود دو هفته و تنها برای واحدهای عملی امکان استفاده از خوابگاه فراهم شده است.

به‌این‌وسیله ما به‌عنوان بخشی از بدنه‌ی دانشجویی اعتراض خود را به رویه‌های موجود در اداره خوابگاه‌ها اعلام داشته و پیشنهادهای جایگزین را برای بهبود شرایط بیان می‌داریم.

در جامعه‌ی بحران‌زده‌ی ما شماری از دانشجویان فاقد محیط و امکانات مناسب برای دنبال کردن آموزش مجازی و پیگیری تحصیلشان هستند. کار دانشجویی نیازمند محیطی برای تمرکز، تأمل و پژوهش است که در بیرون از خوابگاه برای برخی دانشجویان بیرون از دسترس قرار گرفته است. در دوران تعطیلی خوابگاه‌های دانشجویی و در میان تحمیل هزینه‌های مالی، روحی و انگیزشی فراوان به دانشجویان یکی از هم‌کلاسی‌هایمان اشکان فتحی در بازگشت از کارگری در رودخانه غرق شده است. در کنار آن خبرهای تلخی از فروپاشی زیست دانشجویان خارج از خوابگاه از جمله خودکشی‌ها به گوش‌مان می‌رسد. دانشجویانی تا آستانه انصراف از تحصیل پیش رفته‌اند و عده‌ای در این روند سخت و یک‌طرفه آموزش و امتحانات مجازی بریده‌اند و از تحصیل ناامید شده‌اند.

پرسش این است که حق آموزش رایگان ما و حق برخورداری از امکانات رفاهی مناسب برای پیگیری تحصیل با چه توجیهی نادیده گرفته شده است. آیا مسئولان تا به حال از دانشجویانی که در پارک یا بی.آر.تی خوابیده‌اند چیزی شنیده‌اند؟ آیا نمی‌دانند که دانشجویانی بدون اتاق و امکانات مستقل و با مشکلات محیطی فراوان، بیرون از دانشگاه، در حال فروپاشی هستند؟ حقیقت این است که سیاست‌های دانشگاه و وزارت علوم از کرونا برای هم‌صنفان ما مرگبارتر بوده است و در حال شکنجه دانشجویان محروم از امکانات و سوق دادنشان به مرگ تدریجی است.

متأسفانه میدان خالی دانشگاه به عرصه سرکوب و طرد تبدیل شده است. دانشجویان به‌صورت غیابی و با رعایت پروتکل‌های احتمالاً مسولانه و دلسوزانه! در کمیته انضباطی دانشگاه محاکمه و به تعلیق

محکوم می‌شوند و یا برای پیگیری حقوقشان به برخورد انضباطی تهدید می‌شوند و از آن‌سو حقوق‌دان‌های دانشگاه از هیچ ابزار فشاری برای شوک درمانی در دوران کرونا صرف نظر نمی‌کنند. آیا مقدمه همین آیین‌نامه‌ی انضباطی فرمایشی را خوانده‌اند که اعلام می‌کند کمیته‌ی انضباطی نبایستی به‌عنوان ابزاری در جهت سرکوب حق‌خواهی دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد؟

خالی کردن خوابگاه‌ها به بهانه اجرای پروتکل‌های بهداشتی دیگر برای دانشجویان صرفاً در حکم بهانه است. مساله اصلی این است که دانشگاه نمی‌خواهد برای دانشجو از پولی که حق دانشجویست خرج کند. همه چیز با ساماندهی فوری فضاهای خوابگاهی، انجام تست‌های سریع در ورود به خوابگاه و مشارکت نمایندگان دانشجویی قابل حل است. اما مسئولان به هیچ عنوان به نظرات دانشجویی و دغدغه‌های منتقل شده توجهی نمی‌کنند.

البته صحبت این نیست که شرایط فعلی خوابگاه‌ها محیطی امن، بهینه و ایده‌آل می‌باشد، بلکه ما از یکسو خواهان پایان یافتن نابسامانی‌ها، آلودگی‌ها و تهدیدهای بهداشتی موجود در خوابگاه‌ها هستیم و گمان می‌کنیم با همین منابع موجود ولی با نگاه و رفتاری مسئولانه‌تر و مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری و اداره امور می‌توان سامان‌دهی بهتری در خوابگاه‌ها داشت. در یک نمونه بزرگ، چگونه است که مبالغ هنگفت صرفه‌جویی‌های ناشی از عدم حضور دانشجویان برای آماده کردن حداکثر ظرفیت‌های خوابگاهی برای دانشجویانی که به خوابگاه احتیاج دارند اختصاص نیافته است؟ هزینه‌ها، یارانه‌ها و امتیازهای دانشجویی که در دوران کرونا به دانشجویان تعلق نگرفته است در کجا قرار دارد. چگونه در برابر استیصال برخی از دانشجویان که اعلام می‌کنند قادر به پیگیری تحصیلشان خارج از خوابگاه نیستند هیچ واکنشی نشان داده نشده است؟ این جمعیت طرد شده به واسطه کرونا کجای برنامه‌های دانشگاه و وزارت علوم هستند؟ مسئولان دانشگاه‌هایی که از مسئولیت اجتماعی سخن می‌گویند و ادعا می‌کنند از احوال دانشجویانشان با تماس تلفنی مطلع هستند، چگونه در برابر این حجم از طرد و فروپاشی خم به ابرو نمی‌آورند و دق نمی‌کنند؟

ما اعلام می‌کنیم که برای ایستادگی بر سر حقوق هم‌صنفان‌مان پیشاپیش در برابر هر اتهام و پرونده‌سازی برگه‌های دفاع خود را آماده کرده‌ایم. ما جز این جملات چیزی در دفاع از خودمان نخواهیم نوشت: ما خواهان آموزش رایگان، الغای تبعیض‌ها و هرگونه رویه‌ای که منجر به تبعیض و طرد شود هستیم. فراهم آوردن امکانات استفاده از این آموزش مسئولیت دانشگاه و وزارت علوم است و ما از این خواسته به هیچ قیمتی کوتاه نخواهیم آمد. ما در برابر فروپاشی و طرد هم‌صنفان‌مان سکوت نخواهیم کرد.

ما می‌گوییم که خوابگاه‌ها بایستی برای دانشجویانی که به آن احتیاج دارند بازگشایی شوند و در این مورد تمایزی بین مقاطع کارشناسی، ارشد یا دکترا وجود ندارد، اساساً با چه سنجشی این تمایز خلق شده است؟! پیشنهاد ما این است که کمیته‌ای مشترک با نمایندگان دانشجویان تشکیل دهید و اطلاعات خوابگاه‌ها را به‌صورت شفاف اعلام کنید. سپس باتوجه به مسایل بهداشتی و اولویت‌هایی که بایستی با هم‌فکری و مشارکت نمایندگان دانشجویی تعیین شوند شروع به اسکان دانشجویان کنید. اگر دانشجویی باز هم بدون خوابگاه ماند آن وقت از محدودیت سخن گویند. برای آن شرایط هم صرفه‌جویی دانشگاه‌ها در این ماه‌ها برای اضافه کردن امکانات کافیهست. تعطیلی خوابگاه پاک کردن مساله است نه یافتن راه‌حلی برای گره کار! پیشنهاد ما این است که به‌جای تعطیلی و حذف، روش‌های بهینه‌گشایش خوابگاه و افزودن امکانات متناسب با شرایط موجود با هم‌فکری نمایندگان دانشجویان جستجو شود. اگر اراده

داشته باشید راه حل پیش پای شماست. اما اگر اصرار به ادامه‌ی همین مسیر دارید شما بی‌شک مسئول تمام عواقب محروم کردن دانشجویان از خوابگاه و امکانات هستید. هر مرگی و هر طردی صورت بگیرد مسئولیت مستقیم آن با مسئولین دانشگاه و وزارت علوم است.

در پایان به‌طور خلاصه موارد مورد تاکید خود را اعلام می‌داریم:

1. ما اختصاص خوابگاه صرفاً به بخش کوچکی از دانشجویان در مقطعی خاص را باعث طرد و حذف بخش بزرگی از دانشجویان از فرآیند تحصیل می‌دانیم.
 2. نابسامانی و آشفتگی در اداره خوابگاه‌ها که منجر به محیطی ناسالم، بدشکل و آلوده شده است، با شفاف کردن منابع و مشارکت موثرتر دانشجویان باید پایان یابد.
 3. خوابگاه و خدمات دانشجویی بایستی بر اساس نیاز دانشجویان و با مشارکت و اعلام نظر نمایندگان دانشجویی و با رعایت مقررات بهداشتی مرسوم بازگشایی شود.
 4. اساساً هرگونه تبعیضی برای بهر‌مندی از خوابگاه، از جمله تبعیض در مقطع تحصیلی، در سن، جنسیت، قومیت، ملیت و... را مردود دانسته و خواهان احترام یکسان به همگان هستیم.
 5. منابع مالی، یارانه‌ها و امتیازهای دانشجویی که به‌خاطر شرایط کرونا در اختیار دانشجویان قرار نگرفته‌اند، باید به‌طور شفاف برای امکانات و تسهیلات خوابگاهی و سایر خدمات دانشجویی بکار گرفته شوند.
- از همه دانشجویان، شوراهای و انجمن‌های دانشجویی تقاضا می‌کنیم جهت پیشبرد بهتر مطالبات و تاثیرگذاری بیشتر به متن بپیوندند.

اسامی شوراهای و فعالین امضاکننده نامه :

شورای صنفی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

شورای صنفی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران

شورای منتخب دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

فعالین صنفی مستقل دانشگاه تهران

فعالین صنفی دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران

شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

کمیته خوابگاه شورای صنفی دانشگاه خوارزمی

اسامی انجمن‌های علمی امضاکننده نامه:

انجمن علمی دانشکده مهندسی نقشه برداری و اطلاعات مکانی دانشگاه تهران

انجمن علمی انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

انجمن علمی زبان چینی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران

انجمن علمی باستان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
انجمن علمی جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
انجمن علمی برنامه ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
انجمن علمی جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
انجمن علمی مددکاری اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
انجمن علمی برنامه ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
انجمن علمی مطالعات فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
انجمن علمی و مددکاری اجتماعی دانشگاه خوارزمی

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 6 اسفند ماه 1399

- تجمع اعتراضی کارگران قرارداد موقت صنعت نفت نسبت عدم تبدیل وضعیت و همسان سازی نشدن حقوق مقابل مجلس
- اعتصاب و تجمعات 3 روزه کارگران فضای سبز شهرداری منطقه 3 خرم آباد در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و پرداخت نشدن ماه ها حقوق
- ششمین روز اعتصاب و تجمع کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق
- سومین روز اعتصاب صدها کارگر کارخانه لاستیک پارس ساوه در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق پس انداز
- یورش ماموران اجرائیات شهرداری اهواز به یک خبرنگار دستفروش
- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه: صدور حکم پنج سال حبس برای لیلا حسین زاده، از فعالان صنفی دانشجویی را محکوم می کنیم
- اعمال فشار بر ناهید خداجو از طریق انسداد حقوق بازنشستگی و تهدید به ضبط وثیقه برای اجرای حکم زندان
- کانون نویسندگان ایران: مرگ بهنام محجوبی و افزایش نگرانی از وضعیت سلامت زندانیان
- تجمع اعتراضی مهندسان ناظر مشهد مقابل ساختمان سازمان مهندسی
- جان باختن یک کارگر جوان پالایشگاه ششم پارس جنوبی بر اثر مسمومیت گازی حین کار
- آخرین گزارشات درباره کارگر جان باخته سیرجان بر اثر سقوط به داخل دستگاه سنگ شکن

***تجمع اعتراضی کارگران قرارداد موقت صنعت نفت نسبت عدم تبدیل وضعیت و همسان سازی نشدن حقوق مقابل مجلس**

روز چهارشنبه 6 اسفند همزمان با برگزاری جلسه علنی مجلس برای بررسی لایحه بودجه 1400، کارگران قرارداد موقت صنعت نفت برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت عدم تبدیل وضعیت پس از 10 تا 20 سال سابقه کاری و همسان سازی نشدن حقوق مقابل مجلس تجمع کردند.



یکی از کارگران قرارداد موقت صنعت نفت حاضر در تجمع به خبرنگار رسانه ای گفت: ما چندین سال است که در شرکت نفت مشغول به کار هستیم و در جمع ما هستند همکارانی که بالای 20 سال به شرکت نفت خدمت کرده اند اما هنوز قراردادهایشان به صورت مدت موقت است. فکر کنید چندین سال کار کنی و همچنان دنبال نحوه بستن قرارداد و چگونگی خروج از سیکل بی نهایت قرارداد موقت باشی آن هم در شرکت نفت که بخش عظیمی از بودجه کشور از آن تامین می شود.

وی ادامه داد: دو خواسته عمده ما که باعث شد امروز در این وضعیت خطرناک کرونا همکاران در اینجا جمع شوند، همسان سازی حقوق بر اساس تبصره 3 ماده 29 برنامه ششم توسعه و تعیین تکلیف همکاران قرارداد موقت است و متأسفانه تا امروز اقدامی جهت تغییر وضعیت قراردادهایشان صورت نگرفته است.

***اعتصاب و تجمعات 3 روزه کارگران فضای سبز شهرداری منطقه 3 خرم آباد در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و پرداخت نشدن ماه ها حقوق**

کارگران فضای سبز شهرداری منطقه 3 خرم‌آباد برای اعتراض به نداشتن امنیت شغلی بدلیل بکارگیری زندانیان و خطر اخراج از کار و پرداخت نشدن 8 ماه حقوق دست به اعتصاب 3 روزه زدند و تجمعاتی را مقابل استانداری و شهرداری و شورای شهر برپا کردند.

یکی از کارگران فضای سبز شهرداری منطقه 3 خرم‌آباد به خبرنگار رسانه ای گفت: اخیراً شهرداری کار بخش فضای سبز منطقه 3 را به سازمان زندانها تحویل داده و بناست همه کارگرهایی که در این بخش کار می‌کردند اخراج و افراد زندانی جایگزین آنها شود.

وی افزود: روز دوشنبه 4 اسفند به خاطر این مشکل مقابل استانداری لرستان تحصن داشتیم تا شاید مسئولان مانع از این کار شوند و مشکل حل و فصل شود.

این کارگر شهرداری اضافه کرد: هرچند حقوق به موقعی دریافت نمی‌کنیم و اکنون نیز 8 ماه حقوق معوق داریم اما در این اوضاع اقتصادی و بیکاری در جامعه ما نمی‌خواهیم همین کار را از دست بدهیم از طرفی خدا را خوش نمی‌آید که کارگری که 10 تا 15 سال سابقه دارد به راحتی اخراج و از کار بیکار شود.

یکی دیگر از کارگران فضای سبز شهرداری منطقه 3 خرم‌آباد گفت: روز گذشته (دوشنبه 4 اسفند) اداره زندان‌ها فضای سبز را تحویل گرفت و کارگرها اخراج شدند و مطرح کردند که تنها سرکارگرهای بازنشسته را برای کار نگه می‌داریم که با این حساب در این مجموعه این وضعیت تنها شامل حال دو نفر می‌شود و مابقی باید اخراج شوند.

وی تصریح کرد: هم اکنون در این بخش 140 نفر مشغول کار است اما در فصل گرم و تابستان این نیروها به حدود 300 نفر افزایش پیدا می‌کند.

این کارگر شهرداری افزود: روز گذشته (دوشنبه 4 اسفند) مقابل استانداری تجمع داشتیم و در نهایت مسئولان قول رسیدگی به موضوع را دادند اما باید گفت مسئولان وعده زیاد می‌دهند و به حرفشان عمل نمی‌کنند.

وی به مشکلات مالی و معیشتی کارگران اشاره کرد و افزود: در این اوضاع اقتصادی 8 ماه حقوق طلب داریم و یک ریال از آن را پرداخت نکرده‌اند حال به جای اینکه مشکلاتمان را برطرف کنند می‌خواهند از کار هم بیکارمان کنند.

این کارگر فضای سبز عنوان کرد: ما مشکلی با کار کردن افراد زندانی نداریم فقط انصاف نیست در این اوضاع کارگرهای با سابقه قبل اخراج شوند و تنها نیروهای زندان به کارگیری شوند.

معاون توسعه و مدیریت منابع انسانی شهرداری خرم‌آباد در رابطه با اعتراض این کارگران گفت: این کارگران نیروهای شرکت پیمانکاری بودند که امسال مسئولیت فضای سبز این منطقه را بر عهده داشته و با توجه به برنده شدن پیمانکار جدید و اینکه این پیمانکار قصد استفاده از آنان را ندارد دست به اعتراض زده‌اند.

***ششمین روز اعتصاب و تجمع کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق**

کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم (شرکت پیمانکاری آویژه) از اول اسفند ماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق از رفتن بر سر کارشان خودداری کردند و تجمعاتی را در محل کارشان برپا داشتند.

به گزارش کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، 200 کارگر شرکت آویژه در پالایشگاه نفت سنگین قشم از اول اسفند در اعتصاب بسر می برند و در محوطه پالایشگاه جمع شده و خواسته های خود را می خواهند. خواسته های کارگران تسویه حقوق و مزایا تا اول اسفند امسال است.

قابل یادآوری است که این کارگران در اسفند ماه 98 در چارچوب مقابله با بیماری کوید 19 و عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در این راستا در محل کارشان از حاضر شدن بر سر کارشان اجتناب کردند و در اعتصاب بزرگ و سراسری مرداد 99 که برای افزایش حقوق ها و بهتر شدن شرایط کاری انجام گرفت، کارفرمایان قول دادند حقوق اسفند 98 کارگران را پرداخت کنند.

متأسفانه شرکت آویژه در پالایشگاه نفت سنگین قشم از دادن حقوق اسفند سال گذشته سرباز زده است. همچنین کارگران این شرکت هنوز حقوق دی ماه و بهمن خود را نیز دریافت نکرده و به همین خاطر از اول اسفند ترک کار کرده در خوابگاههای خود ماندند تا حصول نتیجه. در حال حاضر کارگران در محوطه پالایشگاه جمع شده و خواهان دستمزدهای عقب افتاده خود هستند و نیروی انتظامی نیز در مقابل درب پالایشگاه حضور دارد.

***سومین روز اعتصاب صدها کارگر کارخانه لاستیک پارس ساوه در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق پس انداز**

کارگران کارخانه لاستیک پارس ساوه از سومین روز اعتصاب صدها کارگر این واحد تولیدی در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق پس انداز پس از خصوصی سازی خبر دادند.

به گزارش کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، اعتصاب 650 کارگر شرکت لاستیک پارس ساوه بر علیه اجحافات کارفرمای خصوصی شده این شرکت، شکل گرفته است. متن زیر را کارگران اعتصابی بر ایمان فرستاده اند.

3 روز هست که شرکت لاستیک پارس در اعتصاب است و کارگران دست از کار کشیده اند. حدود 2 سالی هست که این شرکت خصوصی شده و کارفرما از تعیین وضعیت صندوق پس انداز کارگران سر باز می زند.

داستان از اینجا شروع شد که طبق اساسنامه شرکت صندوقی شکل گرفته بود که هر ماه 3 درصد از حقوق کارگر کسر میکرد و خودش نیز به همان مقدار به صندوق اضافه میکرد تا به کارگر وام دهد. با فروش شرکت به بخش خصوصی وام ها قطع شد ولی هر ماه باز از حقوق کارگران 3 درصد کم میشد تا اینکه به درخواست شورای کارگری مبنی بر تسویه صندوق و پس دادن موجودی بین کارگران جواب واضح و شفافی داده نشد. کارگران به این نتیجه رسیدند صندوقی که وام نمیدهد چرا باید هر ماه از ما پول کم کند. پس کارگران به کارفرما میترا فروزنده نیا اعلام کردند که صندوق را برچیده و با اعضا تسویه کند. کارفرما این کار را به زمان اتمام کار و باز نشستگی عودت داد. اختلاف از آنجا بوجود آمده که کارفرما میگوید من از وقتی که شرکت را تحویل گرفته ام صندوق را تسویه میکنم و ماقبل از آن به من ارتباطی ندارد. یعنی کارگری که 15 سال سابقه دارد را فقط 2 تا 3 سالی که ایشان شرکت را خریده، فقط سهم کارگر را پس خواهد داد و 12 سال قبل به ایشان مربوط نیست. یعنی 12 سال اندوخته

کارگران را به جیب بزند. حال آنکه در واگذاری شرکت همه چیز قید شده. چطور سرمایه و سود شرکت را میخواهد ولی نسبت به بدهی و دیون شرکت مسئولیتی ندارد؟

افراد بازنشسته ای را به عنوان مشاور و مدیر وارد شرکت کرده که تخصصی ندارند و برخی از قسمت های شرکت را به پیمانکار سپردند و پیمانکار نیز نارضایتی ایجاد کرده. سالی دوبار در روز کارگر و 22 بهمن ارزاق میداده که اکنون وی از پرداخت آنها خودداری می کند.

***یورش ماموران اجرائیات شهرداری اهواز به یک خبرنگار دستفروش**

فیلم منتشر شده در شبکه های اجتماعی یورش ماموران اجرائیات شهرداری اهواز به یک خبرنگار دستفروش بنام محمد را بنمایش می گذارد.

به گزارش 6 اسفند یک منبع خبری محلی، محمد که از اوایل دهه 90 به خبرنگاری مشغول بود، به دلیل مشکلات سخت زندگی و بیماری والدین ناچار شده برای هزینه درمان و گذران زندگی خانواده اش، به فروش سبزی روی آورد.

حالا او که تنها راه ادامه زندگی را روی آوردن به فروش سبزی با وانتی که قرضی خریده است دیده، با برخورد هر روزه و ممانعت نیروهای اجرائیات شهرداری اهواز مواجه شده است.

محمد روز چهارشنبه 6 اسفند پس از روزها برخورد ناشایست عوامل اجرائیات شهرداری، سبزی هایش را به کنار خیابان ریخته است و این ویدئو را منتشر کرده و از شهردار اهواز خواسته تا طریقه خوردن نان حلال را به او نشان دهد.

***سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه: صدور حکم پنج سال حبس برای لیلا حسین زاده، از فعالان صنفی دانشجویی را محکوم می کنیم**

لیلا حسین زاده از حامیان طبقه کارگر و فعال صنفی دانشجویی دانشگاه تهران، محکوم به پنج سال زندان شد. خانم حسین زاده در سال ۹۶ نیز بازداشت و به ۲/۵ سال زندان محکوم شده بود که پس از هشت ماه حبس، به دلیل بیماری ناعلاج "خود ایمن" و تایید عدم تحمل کیفر از سوی پزشکی قانونی در اسفند ماه سال ۹۸ از زندان آزاد شد.

لیلا حسین زاده نیاز مبرم به دسترسی مستمر به پزشک و درمان دارد و با توجه به اینکه پزشکی قانونی تایید کرده است که ایشان توان تحمل کیفر ندارد، صدور حکم زندان برای ایشان، فاقد هیچ توجیه قانونی می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صدور حکم زندان برای لیلا حسین زاده و زندانی کردن دیگر دانشجویان حامی طبقه کارگر را قویا محکوم می کند. فشار بر کارگران، معلمان و حامیان طبقه کارگر و صدور احکام زندان برای تضمین تداوم استثمار طبقه کارگر است و فوری باید متوقف گردد. سندیکا خواهان آزادی کارگران، معلمان و دانشجویان و دیگر حامیان زندانی طبقه کارگر و توقف فشار و لغو تمامی احکام زندان برای آنان می باشد.

***اعمال فشار بر ناهید خداجو از طریق انسداد حقوق بازنشستگی و تهدید به ضبط وثیقه برای اجرای حکم زندان**

ماه گذشته آخرین اخطار برای وثیقه‌گذار ناهید خداجو مبنی بر اقدام به ضبط وثیقه ارسال شد که چنانچه ناهید برای اجرای حکم ۶ سال زندان مراجعه ننماید وثیقه ضبط خواهد شد.

نهادهای امنیتی و قوه قضائیه به این اقدام بسنده نکرده اند و از یک ماه گذشته حساب‌های بانکی ناهید که شامل حقوق بازنشستگی او می‌شود را مسدود کرده‌اند.

ناهید خداجو کارگر بازنشسته و عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران است که در تجمع روز جهانی کارگر سال ۹۸ در تهران دستگیر شد و پس از ۳۳ روز بازداشت به قید وثیقه آزاد شد و بعدتر توسط قاضی ایمان افشاری قاضی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به شش سال زندان محکوم گردید و این حکم در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید شد.

اکنون که شیوع بیماری کرونا هنوز زندانیان محبوس در زندانهای کشور را شدیداً تهدید می‌کند و حکومت نیز هیچ اقدامی برای واکسیناسیون زندانیان براساس معیارهای سازمان جهانی بهداشت انجام نمیدهد، اعمال فشار بر ناهید خداجو و دیگر کارگرانی که به ناحق به احکام زندان محکوم شده‌اند تنها از سر ضدیت تمام عیار دم و دستگاه حاکم با طبقه کارگر و فعالین و پیشروان آن است.

مگر ناهید خداجو و دیگر کارگران و فعالین کارگری چه جرمی مرتکب شده‌اند که باید به احکام طویل‌المدت زندان محکوم گردند؟ ناهید خداجو تنها به دفاع از حقوق خود و دیگر کارگران پرداخته است و این ناقضان حقوق کارگران و چپاولگران دسترنج طبقه کارگر هستند که باید به جرم دزدی و غارت ثروت‌های جامعه و پایمال کردن حق طبقه کارگر بعنوان اکثریت جامعه محاکمه و زندانی گردند.

ضابطین امنیتی و قضایی، هم جان و هم مال کارگران را نشانه گرفته‌اند تا نابود کنند. هم حداقل معاش بازنشستگی ناهید خداجو را به گرو گرفته‌اند و هم خود وی را در شرایط خطرناک کنونی می‌خواهند به زندان ببرند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران اقدام منزجر کننده نهادهای امنیتی و قضایی در مسدود کردن حقوق بازنشستگی ناهید خداجو و هم اعمال فشار به وثیقه‌گذار او را شدیداً محکوم مینماید و خواهان منع تعقیب قضایی فوری و بی قید و شرط از ناهید خداجو و دیگر کارگران و فعالین کارگری است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- ششم اسفند نود و نه

***کانون نویسندگان ایران: مرگ بهنام محجوبی و افزایش نگرانی از وضعیت سلامت زندانیان**

روز گذشته، سوم اسفندماه، بهنام محجوبی، زندانی عقیدتی در بیمارستان لقمان جان باخت.

بهنام محجوبی، درویش گنابادی که در زمان مرگ ۳۳ سال داشت، ۲۵ بهمن ماه از زندان اوین به بیمارستان لقمان منتقل و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد. به گفته‌ی خانواده و نزدیکانش برخی از اندام‌های داخلی او، از جمله ریه و کلیه از کار افتاده بودند و تنفس او به کمک دستگاه ممکن بود.

محجوبی در دوره‌ی حبس خود دو بار به بهانه‌ی انتقال به بیمارستان، از زندان به بیمارستان روانپزشکی امین‌آباد منتقل شده بود. در مهرماه سال جاری انتقال او به امین‌آباد در حالی صورت گرفت که نیمی از بدنش فلج شده بود. صالحه حسینی، همسر بهنام محجوبی اعلام کرده بود که او به «اختلال پنیک» مبتلاست و قطع داروهایش در زندان و تجویز روزانه ۱۴ الی ۱۷ قرص آرام‌بخش توسط بهداری زندان موجب تشنج و فلج شدن نیمی از بدن او شده است. حسینی پیش‌تر در شهریور ماه خبر

داده بود که مسئولان زندان محجوبی را به قطع داروهایش تهدید کرده‌اند. با وجود این سوابق، اداره کل زندان‌های تهران در واکنش به خبر درگذشت این زندانی عقیدتی مدعی شد که او «دچار مسمومیت از طریق مصرف خودسرانه‌ی دارو» شده است.

هم زمان با وخامت حال بهنام محجوبی، جمعی از زندانیان محبوس در زندان اوین، رجایی‌شهر، تهران بزرگ و عادل‌آباد شیراز که خود «شاهدان مستقیم رنج‌ها و شرایط دهشتناک زندان» بودند با انتشار بیانیه‌ای به شرح وضعیت بهنام محجوبی پرداختند و خواهان تغییر «قوانین ضدانسانی حاکم بر زندان‌ها» و «آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی» شدند. آنها در بیانیه‌ی خود با اشاره به آنچه بر بهنام محجوبی رفته است نوشتند «بهنام نخستین قربانی این شرایط ظالمانه نبوده و چنانچه این وضع ادامه یابد، آخرین آن نیز نخواهد بود. کم نیستند کسانی که هم‌اکنون با وضع مشابه بهنام در زندان به سر می‌برند و هیچ‌گوشی شنوای فریاد دادخواهیشان نیست.»

بهنام محجوبی در زمستان ۹۶ در جریان حوادث خیابان گلستان هفتم توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و سپس به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور از طریق ارتباط‌گیری با سایرین و فراهم ساختن تجمع غیرقانونی» به دو سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی یا اجتماعی محکوم شد. محجوبی ۳۱ خرداد ۹۹ در حالی به زندان اوین منتقل شد که به گواهی پزشک معالjš و تأیید پزشکی قانونی توان تحمل کیفر را نداشت.

ستمی که بر بهنام محجوبی و خانواده‌ی او رفت، ریشه در نگرشی واپسگرایانه و قرون وسطایی دارد که همگان را با متر و معیار حقیر ایدئولوژیک خود می‌سنجد و هر آن کس را که در قاب تتگ نظری او ننگند، رافضی، مرتد، ملحد، کافر، دشمن و مهدور الدم می‌شمارد. همان طور که کانون نویسندگان ایران و سایر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی مدافع حقوق بشر و آزادی اندیشه و بیان در اعتراض به سرکوب در اویش گنابادی بیان داشتند، در اویش گنابادی و پیروان سایر ادیان و مذاهب، صرف نظر از هرگونه ارزشدواری در باره‌ی عقاید آن‌ها، حق دارند از آزادی عقیده و برگزاری آیین‌ها و همایش‌های مسالمت‌آمیز برخوردار باشند. جزم‌اندیشی حاکمان در برخورد با اقلیت‌های مذهبی، از جمله اهل سنت و دروایش که روایت آن‌ها از دین اسلام با روایت حاکمیت یکسان نیست و بدتر از آن در برخورد با اقلیت بهایی، در چهل سال گذشته خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار آورده و همبستگی اجتماعی مردم ایران را که قرن‌ها با رواداری در کنار هم زیسته‌اند به مخاطره افکنده است.

مرگ اندوهبار بهنام محجوبی و بسیاری چون او که به دلیل دگراندیشی، سال‌هایی از عمر خود را در زندان‌ها گذراندند و می‌گذرانند، یا آن‌هایی که شمع وجودشان ذره ذره در سیاهچال‌ها ذوب شد و می‌شود، یا آن‌هایی که مادرانشان در سوگ شان سیاه پوشیدند، چیزی نیست که از خاطره‌ی جمعی مردم ایران زوده شود.

زندانی کردن دگراندیشان، کنشگران سیاسی و مدنی و آنانی که اقدام به اعتراض و بیان مطالبات‌شان می‌کنند اگرچه از اساس غیر قابل قبول است، اما حال که عده‌ای به هر دلیل در زندانند، زندانبانان مسئول حفظ جان آن‌ها هستند. مرگ یک زندانی به دلیل سهل‌انگاری در ارائه‌ی به موقع خدمات پزشکی و درمانی به او، خواسته یا ناخواسته، معنایی جز تبدیل حکم حبس به اعدام ندارد و از هر منظر که به آن نگرسته شود، محکوم است.

***تجمع اعتراضی مهندسان ناظر مشهد مقابل ساختمان سازمان مهندسی**

روز سه شنبه 5 اسفند همزمان با روز مهندس به مناسبت زادروز خواجه نصیرالدین توسی روز، مهندسان ناظر مشهد برای اعتراض به درانحصار ورچشمی‌ها بودن پروژه‌های بزرگ ساختمانی و اگذاری پروژه‌های بزرگ به برخی چهره‌های خاص و نورچشمی و وضعیت سپرده‌های بلوکه‌شده مهندسان برای پروژه‌ها و محاسبه‌نشدن سود این مبالغ دست به تجمع مقابل ساختمان سازمان نظام مهندسی این کلانشهر در استان خراسان رضوی زدند.



یکی از مهندسان حاضر در تجمع و با بیان اینکه ما از مدیران سازمان نظام مهندسی چند خواسته داریم، به خبرنگار رسانه ای گفت: یکی از خواسته‌های ما آزاد کردن پول‌های بلوکه‌شده مهندسان ناظر در حساب‌های بانکی است.

وی افزود: در ابتدا که مالک می‌خواهد خانه‌ای را بسازد، همه پول مهندس ناظر به حسابی واریز می‌شود و در ابتدا بخشی از این پول آزاد می‌شود، اما بخش دیگری از این مبلغ تا زمانی که افراد در خانه ساخته‌شده ساکن نشوند، در حساب بانکی بلوکه می‌شود و با توجه به افزایش هزینه‌ها و تورم‌های موجود، به‌طور قطع از ارزش این پول در زمان بازگشت کاسته می‌شود.

وی در پاسخ به این نکته که این روند، کاملاً قانونی است و باید به آن احترام گذاشت، گفت: البته این روال قانونی است، اما با اتخاذ راهکارهایی مانند محاسبه معدل این پول در حساب بانکی، می‌توان به مهندسان ناظر کمک کرد.

یکی دیگر از این افراد نیز از ارجاع برخی پروژه‌ها به افراد نورچشمی و خاص انتقاد کرد و گفت: متأسفانه همه پروژه‌های بیش از سه‌چهار هزار متر به افراد خاص می‌رسد و این پروژه‌های خوب به‌صورت تکراری بین این افراد به‌صورت انحصاری تقسیم می‌شود و دیگر کارهای کوچک بین شمار زیادی از مهندسان دیگر تقسیم می‌شود.

***جان باختن یک کارگر جوان پالایشگاه ششم پارس جنوبی بر اثر مسمومیت گازی حین کار**

روز سه شنبه 5 اسفند، یک کارگر پیمانی 32 ساله واحد یوتیلیتی فاز 15 و 16 پارس جنوبی (عسلویه) بنام محمدرضا احمدی بر اثر استنشاق گاز سمی در ولو پیت واحد 142 دچار مسمومیت گازی شد و جانش را از دست داد.

***آخرین گزارشات درباره کارگر جان باخته سیرجان بر اثر سقوط به داخل دستگاه سنگ شکن**

جان باخته حادثه کاری روز گذشته سیرجان بر اثر سقوط به داخل دستگاه سنگ شکن کارگر خدماتی کارخانه فولاد سیرجان ایرانیان بود.

روز چهارشنبه 6 اسفند، رئیس اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی سیرجان به خبرنگار رسانه ای گفت: یک کارگر جوان در شرکت فولاد سیرجان ایرانیان از ارتفاع به درون آسیاب خردایش سنگ سقوط کرد که به طرز دلخراشی جان باخت.

وی افزود: این کارگر جوان در شرکت فولاد سیرجان ایرانیان از نیروهای خدماتی نظافت چی صنعتی تحت پوشش شرکت افراز انرژی بود.

یادآوری: فولاد سیرجان ایرانیان به عنوان یکی از شرکت های زیرمجموعه میدکو در شهرستان های سیرجان و بردسیر فعالیت تولیدی خود را انجام می دهد و لحاظ نشدن ایمنی در معادن سیرجان و استان کرمان داستان تازه ای نیست.

پیش از این نیز در شرکت فولاد بوتیای ایرانیان از دیگر شرکت های مجموعه میدکو یک حادثه دلخراش دیگر موجب کشته و مصدوم شدن چند کارگر از اهالی این استان شد.

در همین رابطه: جان باختن کارگریک کارخانه سیرجان بر اثر سقوط به داخل دستگاه سنگ شکن

کارگریک کارخانه سیرجان بر اثر سقوط به داخل دستگاه سنگ شکن جانش را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 5 اسفند ماه 1399

- یورش نیروهای انتظامی بفرمان شورای تامین و امام جمعه شهرستان اسفراین به کارگران معدن آلبلاغ و بازداشت ده ها نفر و ضبط وسایل کارشان بدنبال یک درگیری

- تجمعات اعتراضی اهالی خشمگین سراوان نسبت به کشته وزخمی شدن ده ها سوخت بر در مرز شمسر شهرستان سراوان توسط سپاه پاسداران

دوشنبه 4 اسفند: تجمع تعدادی از سوخت بران سراوان مقابل پایگاه سپاه بازگشایی مرز و اجازه تردد به سوخت بران

دوشنبه 4 اسفند: تجمع اعتراضی خانواده های سوخت بران نسبت به کشته وزخمی شدن عزیزانشان مقابل فرماندهی سپاه پاسداران سراوان

سه شنبه 5 اسفند: تجمع جمعی از اهالی سراوان مقابل فرمانداری، شلیک بسوی تجمع کنندگان و مقاومت معترضان در مقابل یورش نیروهای امنیتی

- تجمع اعتراضی جمعی از معلمان و مربیان کشور نسبت به عدم تبدیل وضعیت مقابل مجلس

- سومین روز تجمع مربیان پیش دبستانی ایزه نسبت به بلا تکلیفی استخدامی و تعطیلی دفتر بهارستان نشین این شهرستان

- ادامه اعتراضات کارگران آب و فاضلاب روستایی خوزستان نسبت به عدم پرداخت ماه های حقوق و حق بیمه، بلا تکلیفی قرارداد کاری و وعده های تو خالی مسئولان باتجمع مقابل استانداری

- تجمع اعتراضی کارگران اداره بنادر و دریانوردی بندر لنگه نسبت به عدم پرداخت 11 ماه حقوق و قرارداد کاری ناروشن مقابل ورودی ساختمان اداری مدیریت اداره بنادر و دریانوردی غرب استان هرمزگان

- عقد قرارداد و پرداخت حقوق معوقه و عیدی کارگران سنگ شکن شهرداری مراوه تپه پس از اعتصاب و تجمع اعتراضیشان

- حکمی جدید برای لیلا حسین زاده دانشجوی انسان شناسی دانشگاه تهران

- بازداشت پویا جانیپور، فعال صنفی دانشگاه علم و صنعت

- جان باختن کارگریک کارخانه سیرجان بر اثر سقوط به داخل دستگاه سنگ شکن

***پورش نیروهای انتظامی بفرمان شورای تامین و امام جمعه شهرستان اسفراین به کارگران معدن آلبلاغ و بازداشت ده ها نفر و ضبط وسایل کارشان بدنبال یک درگیری**

گزارش دریافتی: در واپسین روزهای بهمن ماه سال جاری (چهارشنبه 29 بهمن) در پی درگیری در معدن آلبلاغ یک تن کشته و شش تن مجروح شدند. که در بین کشته شدگان حال یک تن دیگر وخیم گزارش شده است. این درگیری که در آن از تفنگ ساچمه زنی شکاری و آلات درگیری سرد مانند چوب و سنگ استفاده شده منجر به فوت یک تن و مجروحیت شش تن دیگر شد.

طبق اظهار نظر رییس هلال احمر خراسان شمالی، بعد از تماس کارگران شاغل در معدن آلبلاغ و اعلام وجود هفت مصدوم در منطقه، یک بالگرد جمعیت هلال احمر خراسان شمالی به منطقه اعزام شد که به دلیل مساعد نبودن هوا نتوانست بر زمین بنشیند و پس از آن اکیپ های امداد ماشینی به منطقه اعزام شدند که به دلیل تاخیر در رسیدن به مجروحان یک تن از آنان فوت نمود.

پنج شنبه مصادف با سیام بهمن ماه جلسه شورای تامین شهرستان اسفراین شکل میگیرد و علت درگیری را درگیری بین قاچاقچیان و سودجویان از معدن آلبلاغ معرفی میکنند. در جمعه یکم اسفند ماه امام جمعه اسفراین در خطبه های نماز جمعه، اعلام میکند که به حسب اتفاق فوق الذکر در معدن آلبلاغ امنیت جامعه تحت خطر قرار گرفته است و از تمام دستگاه های نظامی و انتظامی میخواهد که امنیت را به شهر بازگردانند. وی در ادامه خاطر نشان میکند که شرکتی که مسئولیت معدن را به عهده گرفته است

توانایی انجام این کار را ندارد و از دولت درخواست میکند که معدن را به قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران بسپارد.

شنبه دوم اسفند ماه، نیروی انتظامی با کمک هلال احمر و رامیاب های منطقه، که جزء بسیج روستاهای اطراف میباشند 110 نفر را تحت کنترل قرار میدهد و به معدن آلبلاغ یورش میبرد. طبق اظهارات رئیس نیروی انتظامی استان در این یورش، بخشی از کارگران شاغل در معدن به بیابان های اطراف متواری میشوند و آندسته از کارگران که نتوانسته اند فرار کنند را بازداشت کرده اند. طبق بیانات رسمی عوامل دخیل در یورش، تجهیزات جا مانده از کارگران متواری به عنوان اموال عمومی شناخته خواهد شد.

یکشنبه سوم اسفند، طبق گفته های رسمی؛ به دلیل بالا بودن تعداد بازداشت شده ها در یک عملیات 11 ساعته، جمعی از کارگران بازداشت شده آزاد شدند و آندسته از کارگرانی که پیش از این در این منطقه مورد بازداشت قرار میگرفتند و یا جمعی از کارگران را مدیریت و سرپرستی میکردند همچنان در بازداشت بسر میبرند.

در جریان اتفاقاتی که بیان کردیم و اکثرا هم از دیدگاه مسئولان منطقه ای است تارنمایی و واژگونه نشان دادن اتفاقات رخ داده را شاهد هستیم بخصوص زمانی که این سخنپراکنی ها را صحبت های کارگران و بومی های محلی در کنار هم قرار میدهیم متوجه میشویم که با وضعیت وارونه ای با آنچه مقامات و مسئولین ارایه میدهند روبرو هستیم.

در ابتدا برای درک دقیقتری از موضوع بهتر است با تاریخچه کوتاهی از معدن آلبلاغ آشنا شویم. معدن آلبلاغ واقع در خراسان شمالی و در فاصله 25 کیلومتری شمال شرقی شهرستان اسفراین واقع شده است. این معدن در سالهای 94-95 کشف و در سال 96 مورد استقبال بسیاری از کارگران منطقه قرار گرفت. سپس با حضور دولت روحانی مسئولیت راه اندازی معدن به شکل قانونی به شرکت ایمیدور از زیر مجموعه های شستا سپرده شد. اما در این سالها شستا هرگز قدمی برای رفع مشکلات و حتی راه اندازی قانونی معدن برنداشت و این کم کاری این معدن را به پر حادثه ترین معدن سال 98 تبدیل کرد. در ادامه این روند برای پاک کردن صورت مساله هیچ گونه خبری از حوادث کاری این معدن در سال 99 توسط مسئولین ذیربط گزارش داده نشد. مسئولین طوری وانمود کردند که گویا مشکلات معدن آلبلاغ بلکل حل شده است و فقط منتظر حضور شرکت ایمیدور هستند که البته پیش از این، این خدعه و نیرنگ رژیم توسط کارگران منطقه افشاگری شده بود.

این حادثه غیر قابل کتمان و دهشتناک میتواند درسی بزرگ باشد برای دولتمردان جمهوری جهل و جور و به تبع آن برای مسئولین محلی استان خراسان شمالی که هیچ مساله ای را با پاک کردن صورت مساله نمیتوان حل نمود. البته اینبار هم در مورد آلبلاغ بر طبق رفتار چند سال گذشته با نسبت دادن عنوان قاچاقچی به کولبران آلبلاغ و کارگران این معدن و بیان این موضوع که درگیری بین قاچاقچیان بوده است و با یک رزمایش فراگیر که منجر به بازداشت کارگران و توقیف تجهیزات آنان سعی مجدد در پاک کردن صورت مساله داشته اند.

ابتدای امر باید بیان نمود که طبق گفته کارگران حاضر در منطقه اساسا مشخص نیست که تمام طرف های درگیر از کارگران این معدن بوده اند. زیرا اکثر کارگران از روستاهای دور و نزدیک منطقه می آیند، که این امکان را بوجود می آورد که این درگیری ادامه یک دعوای شخصی در این محل باشد. دوم

حمل سلاح گرم چه ربطی به زحمتکشان این منطقه دارد؟ کارگرانی که برای بالا رفتن از کوه و آوردن سنگ ها باید به سبک ترین حالت ممکن بروند و حتی از بردن آب کافی و غذای مناسب هم به دلیل سنگین نشدن بار جلوگیری میکنند چرا باید با خود سلاح گرم بیاورند و آن را حمل کنند آن هم در منطقه ای که حمل سلاح گرم مسبوق به حادثه نبوده است! و دیگر آنکه طبق اظهارات مدیر کل محیط زیست آن استان در تابستان سال جاری که از حضور شکارچیان در محدوده آلبلاغ اسفراین ابراز نگرانی کرده بود این شایبه را گسترش میدهد که درگیری بین شکارچیان بوده است و نه کارگران معدن.

حال ما فرض را بر آن میگیریم که هر آنچه دستگاه های رژیم در مورد درگیری فوق الذکر معدن آلبلاغ گفته اند صحیح میباشد. سوالی اصلی اینگونه شکل میگید که چرا هزینه ناتوانی نیروی های انتظامی رژیم برای برقراری امنیت در منطقه کاری آلبلاغ را زحمتکشان آن معدن باید بپردازند؟ چگونه است که فرماندهی انتظامی آن استان با افتخار اعلام میکند که در یک عملیات یازده ساعته با کمک 110 تن از پرسنل نیروی انتظامی ، بسیج و هلال احمر امکان سرکوب و بازداشت صد ها کارگر و کولبر را داشته اند اما توان برقراری یک پاسگاه برای جلوگیری از رخ داد اینگونه حادثه ها را ندارند! در واقع شورای تامین آن شهرستان باید نیروی انتظامی و هلال احمر را مقصر قلمداد میکرد که در یک محیط کاری وسیع و پر حادثه یک پایگاه انتظامی ، امدادی ندارند نه آنکه کارگران را سودجو و کولبران را قاچاقچی معرفی کنند.

اوج این کمدی سیاه آنجاست که امام جمعه شهرستان اسفراین از مرگ و مصدومیت این افراد کمال سواستفاده جناحی را میکند و با صدور دستور سرکوب کارگران آلبلاغ خواهان تقدیم معدن به قرارگاه خاتم الانبیا سپاه میشود. ایشان برای اولین بار در آن استان دستور حمله به یک محیط کاری را به نیروهای انتظامی میدهد و احتمالا پایه گذار یک سنت سرکوب جدید در استان میشود.

***تجمعات اعتراضی اهالی خشمگین سراوان نسبت به کشته وزخمی شدن ده ها سوخت بر در مرز شمسر شهرستان سراوان توسط سپاه پاسداران**

دوشنبه 4 اسفند تجمعی تعدادی از سوخت بران سراوان مقابل پایگاه سپاه بازگشایی مرز و اجازه تردد به سوخت بران

دوشنبه 4 اسفند: تجمع اعتراضی خانواده های سوخت بران نسبت به کشته وزخمی شدن عزیزانشان مقابل فرماندهی سپاه پاسداران سراوان

سه شنبه 5 اسفند تجمعی از اهالی سراوان مقابل فرمانداری، شلیک بسوی تجمع کنندگان و مقاومت معترضان در مقابل یورش نیروهای امنیتی

۲۰روز دوشنبه 4 اسفند، سپاه پاسداران با تیراندازی مستقیم به سمت سوخت بران در نقطه صفر مرزی «آسکان» شهرستان سراوان باعث کشته و زخمی شدن ده ها تن شده است.

سپاه پاسداران با بستن و حفر چاله های بزرگ در نقاط صفر مرزی از تردد سوخت بران ممانعت کرده که با اعتراض آنها مواجه شده است.

تعدادی از سوخت بران با حضور در مقابل پایگاه سپاه خواستار بازگشایی مرز و اجازه تردد به سوخت بران شدند که با تیراندازی نیروهای سپاه پاسداران مواجه شدند.

هویت دو تن از سوخت بران که با تیراندازی نیروهای سپاه پاسداران کشته شدند، «انس صاحب زاده» اهل روستای حق آباد بم پشت و «رحمن» اهل روستای پرکن شهرستان مهرستان عنوان شده است.

همچنین هویت دو تن از زخمی شدگان، «عبدالستار دهواری» فرزند خیرمحمد اهل روستای کلپورگان و «سلمان» فرزند جنگهان محرز شده که سلمان بیهوش و به بخش آی سی یو منتقل شده است.

به گزارش یک منبع خبری محلی، سپاه پاسداران برای متفرق کردن سوخت بران از نیروهای مرصاد نیز کمک خواسته و آنها نیز با تجهیزات کامل در منطقه حاضر شده و سوخت بران بلوچ در محاصره نیروهای مرزبانی قرار دارند.

به گزارش همین منبع، هویت 10 سوخت بری که بر اثر تیراندازی مستقیم سپاه پاسداران جان باختند، بقرار زیر است:

- 1- یحیی گنگوزهی فرزند علی خا
- 2- عبدالرحمن شهرسان زه
- 3- عبدی شهرسان زهی فرزند بهارشاه
- 4- سلمان شهرسان زهی اهل مهرستان
- 5- رحمان بخش دهواری فرزند بهارشاه اهل سوران
- 6- عبدالوهاب دامنی اهل تابدیم
- 7- انس صاحب زاده ساکن شمسر سیدآباد
- 8- عبدالغفور توتازهی
- 9- محمد میربلوچزه
- 10- محمد نصرت زهی 17 ساله فرزند بشیر اهل سراوان.

همچنین هویت سوخت بران زخمی بقرار زیر است:

- 1- بهزاد آزادی فرزند رسول بخش اهل مهرستان
- 2- ادريس بلوچ زهی فرزند حسن اهل روستای بلبل
- 3- محمد مندازهی سر جنگل کورین
- 4- سلمان فرزند جنگهان اهل پرکن سوران
- 5- عبدالستار دهواری فرزند خیرمحمد اهل روستای کلپورگان

برپایه گزارش همین منبع، بیمارستان رازی سراوان با کمبود شدید خون مواجه است و وضعیت سوخت بران زخمی وخیم است.

همچنین اینترنت در شهرستان سراوان دچار قطعی و اختلال و راه های ارتباطی با این شهرستان بسته شده است؛ به دلیل عدم دسترسی و اطلاع رسانی شهروندان، احتمال افزایش آمار کشته و زخمی شده ها وجود دارد.

روز سه شنبه 5 اسفند، جمعی از اهالی خشمگین سراوان برای اعتراض به کشته و زخمی شدن عزیزانشان مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

به گزارش یک منبع محلی، نیروهای امنیتی با گلوله های ساچمه ای و مشکی به سمت معترضان تیراندازی کردند.

به دنبال تیراندازی ماموران امنیتی، گزارش ها تایید شده نشان می دهد معترضان نیز در واکنش به تیراندازی ها، ساختمان فرمانداری سراوان را تسخیر کرده اند.

به گفته منابع مطلع پس از تسخیر فرمانداری، درگیری ها به داخل خیابان های سراوان کشیده شده و معترضان خودروهای ماموران کلانتری را پس از توقیف به آتش کشیدند.

با تیراندازی ماموران امنیتی به سمت معترضان و پرتاب گاز اشک آور، شماری از تجمع کنندگان زخمی شدند.

طبق آخرین اطلاعات دریافتی، هم اکنون تنش بین نیروهای ضد شورش و معترضان افزایش یافته و معترضان در حال پیشروی به سمت قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران هستند.

***تجمع اعتراضی جمعی از معلمان و مربیان کشور نسبت به عدم تبدیل وضعیت مقابل مجلس**

روز سه شنبه 5 اسفند، جمعی از معلمان و مربیان کشور (معلمان خرید خدمات، معلمان حق التدریس سال های 92 تا 1400 و مربیان پیش دبستانی، سرباز معلم ها و معلمان برون سپاری سال های 91 تا 1400) برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع مقابل مجلس زدند.

بنابه گزارش رسانه ای شده، این معلمان و مربیان که تعداد آن ها در سراسر کشور به هزاران نفر می رسد، خواهان روشن شدن تکلیف وضعیت استخدامی خود هستند.

آن ها گفتند: با وجود اینکه معلمان و مربیان پیش از سال 92 از لحاظ وضعیت استخدامی وضعیت بهتری دارند اما وزارت آموزش و پرورش برای تعیین تکلیف آن ها مردد است.

این معلمان که تعدادی از آنها امروز در مقابل مجلس تجمع کردند، به مصوبه های دستگاه های مختلف مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره می کنند که بر مبنای آن ها استخدام دشوار می شود و در دست انداز می افتد چراکه شروطی مانند جذب از طریق دانشگاه فرهنگیان را الزام کرده اند.

آنها با اشاره به انفعال مجلس در مقابل عملکرد نامطلوب وزارت آموزش و پرورش در جذب آن ها و مصوبه های شورای عالی انقلاب فرهنگی یادآور شدند: اراده ای برای تبدیل وضعیت استخدامی آن ها وجود ندارد.

در همین رابطه بخش هایی از بیانیه مشترک معلمان خرید خدمات آموزشی سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۳، معلمان حق التدریس سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۲، مربیان پیش دبستانی سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۱، سرباز معلمان سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۱ و معلمان برون سپار سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۱:

در چشم انداز ۵ سال آینده، عمدترین چالش دولت و به تبع وزارت آموزش و پرورش مسئله ساماندهی هزاران نفر معلم غیر رسمی در وزارت آموزش و پرورش با در نظر گرفتن باز نشستگی ۴۰۰ هزار نفری معلمان و عدم پاسخگویی ظرفیت سخت افزاری و نرم افزاری تامین نیروی انسانی از طریق دانشجو معلم و کنکور سراسری است. سال هاست که طرح های غیر کارشناسی و تصمیمات غیر مسئولانه، بحران تامین نیروی انسانی را نه تنها حل نکرده بلکه عمیق تر نیز نموده است. قربانیان تصمیمات غیر اصولی و سلیقه ای این وزیر و آن وکیل صرفاً آرزوهای بر باد رفته جوانان فرهیخته ای بوده که به عشق معلمی مصائب را تحمل کرده اند. فقدان اراده حاکمیت در مواجهه با معلمان غیر رسمی و تعیین تکلیف نیروهای بکار گرفته شده بعد از سال ۱۳۹۲ متأسفانه دور و تسلسلی ایجاد کرده که حاصل آن جز آشفتگی و درهم ریختگی و تبعیض و بی عدالتی مضاعف چیز دیگری نبوده است. امری که با هر اصولی اعم از اسلامی، اخلاقی و قانونی در ضدیت آشکار قرار دارد.

معلمان و مربیان غیر رسمی بعد از سال ۱۳۹۱ (۱۳۹۲) در چهارچوب عقلانیت معتقدند اتخاذ تصمیم برای سامان بخشی به هر مجموعه ای اساساً بدون همراهی بدنه آن مجموعه ناممکن خواهد بود؛ امری که غفلت از آن آسیب های فراوانی به جامعه آموزشی کشور تحمیل نموده است. تامین نیروی انسانی آموزش و پرورش و چگونگی تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی (معلمان خرید خدمات آموزشی، معلمان حق التدریس، مربیان پیش دبستانی، سرباز معلمان و معلمان برون سپار) در حال حاضر دیگر یک مشکل صرف نبوده بلکه به یک مسئله اساسی بدل گشته و قاعدتاً هر گونه طرح یا پیشنهادی هم که ارائه می گردد الزاماً بایستی معطوف به حل مسئله مورد نظر و در راستای گرمگشایی با همفکری و مشارکت این نیروها ارائه گردد. هیچ تصمیم و طرحی بدون اتکا به نظرات و دغدغه های این قشر از فرهنگیان قابل حصول نبوده و قاعدتاً از سوی ایشان پذیرفتنی نیست. دیدگاهی که فاقد مسئله محوری باشد بدون شک راهکار مناسبی نیز ارائه نخواهد داد. مجموعه افراد، نهادها و حتی نمایندگانی که بر جزئیات مسئله آگاهی و اشراف کاملی ندارند قطع به یقین جهت حل مسئله، قابلیت و توانایی لازم برای ارائه راهحلی عادلانه و کارشناسانه را ندارند.

در ادامه این بیانیه به تاثیر پذیری ناآگاهانه ی برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی اشاره و از انفعال نمایندگان در برابر برخی مصوبات بالادستی انتقاد شده است.

نویسندگان این بیانیه دیدگاه های دولت و به تبع آن عدم مسئولیت پذیری دولت و مجلس را مورد نقد قرار دادند و تاکید کردند که ورود نهادهای غیر مرتبط و مداخلات آنها در امور حاکمیتی آموزش و پرورش و همچنین اقدامات غیر کارشناسی برخی نمایندگان مجلس در جهت نگارش آیین نامه برای مصوبه ی ۳۱۷۷ شورای انقلاب فرهنگی و معرفی آن به عنوان طرح، آشفتگی بدنبال خواهد داشت.

نویسندگان این بیانیه در مورد راهکارها یادآور شدند: بر این باوریم تعامل میان گروه های یاد شده، وزارت آموزش و پرورش و کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری تنها راه برون رفت از وضعیت فعلی بوده و معتقدیم بدون در نظر گرفتن دغدغه ها و شرایط حاکم بر این معلمان، نه تنها مسئله ای حل نمی گردد بلکه سیکل معیوب استخدام-قراردادی همچنان به حیات پر از خود ادامه می دهد.

معلمان خرید خدمات آموزشی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۳

معلمان حق التدریس سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۲

مربیان پیش‌دبستانی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۱

سرباز معلمان سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۱

معلمان برون‌سپار سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۱

***سومین روز تجمع مربیان پیش‌دبستانی ایذه نسبت به بلاتکلیفی استخدامی و تعطیلی دفتر بهارستان نشین این شهرستان**

روز سه شنبه 5 اسفند برای سومین روز متوالی، مربیان پیش‌دبستانی ایذه در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل دفتر بهارستان نشین این شهرستان در استان خوزستان زدند که منجر به تعطیلی این دفتر شد.

در همین رابطه: ادامه اعتراضات مربیان پیش‌دبستانی ایذه نسبت به بلاتکلیفی استخدامی با برپایی تجمع مقابل بهارستان نشین این شهرستان برای دومین روز متوالی

روز دوشنبه 4 اسفند برای دومین روز متوالی، مربیان پیش‌دبستانی ایذه در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل بهارستان نشین این شهرستان در استان خوزستان زدند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: تا زمانی که یک نفر در شهرستان پیدا نشود به حرف ما گوش کند و مطالبات ما را پیگیری کند، کوتاه بیا نیستیم. وقتی ما به فرمانداری شهرستان مراجعه می‌کنیم و سرپرست فرمانداری به ما می‌گوید چرا اینجا آمده‌اید، مگر اینجا دفتر نماینده مجلس است، ما تکلیف‌مان با دیگر مدیران شهرستان روشن است.

یکی از این مربیان معترض گفت: چرا هر چه تلاش می‌کنیم تا با نماینده مجلس ملاقات داشته باشیم به ما اجازه نمی‌دهند؟ چطور مشکل مربیان پیش‌دبستانی باغملکی حل شده ولی مشکل ما قابل رسیدگی نیست! چگونه می‌شود که هیچ‌کس در شهرستان ایذه نمی‌تواند او را ببیند؟

***ادامه اعتراضات کارگران آب و فاضلاب روستایی خوزستان نسبت به عدم پرداخت ماه‌های حقوق و حق بیمه، بلاتکلیفی قرارداد کاری و وعده‌های توخالی مسئولان باتجمع مقابل استانداری**

روز سه شنبه 5 اسفند، کارگران آب و فاضلاب روستایی خوزستان در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به عدم پرداخت ماه‌های حقوق و حق بیمه، بلاتکلیفی قرارداد کاری و وعده‌های توخالی مسئولان برای باری دیگر دست به تجمع مقابل استانداری این استان در کلانشهر اهواز زدند.



این کارگران که 5 ماه حقوقشان پرداخت نشده است به خبرنگار رسانه ای گفتند: 20 ماه حق بیمه برای ما پرداخت نشده و 9 ماه بدون هیچگونه دفترچه خدمات درمانی هستیم.

یکی از آنها گفت: بعد از ادغام آب و فاضلاب روستایی با شهری هنوز قراردادهای ما تعیین تکلیف نشده است؛ بعضی از همکاران ما که سابقه زیادی در این شرکت دارند باید زیر نظر پیمانکار کار کنند.

آنها افزودند: از ابتدای سال جاری که بحث ادغام آبفا شهری و روستایی مطرح گردید مشکلات ما بیشتر شد، در چند ماه گذشته وعدههای زیادی برای پرداخت حقوق و بیمه از طرف مسئولان داده شد، ولی می توان گفت به هیچکدام از آنها عمل نشد.

یکی از کارگران به نزدیکی شب عید اشاره کرد و ادامه داد: عید نزدیک است؛ وقتی چند ماه حقوقی دریافت نکرده ایم حتی نمی توانم برای بچه هایم میوه بخرم، آیا مسئولان می توانند این موضوع را درک کنند؟

***تجمع اعتراضی کارگران اداره بنادر و دریانوردی بندرلنگه نسبت به عدم پرداخت 11 ماه حقوق و قراردادی ناروشن مقابل ورودی ساختمان اداری مدیریت اداره بنادر و دریانوردی غرب استان هرمزگان**

روز دوشنبه 4 اسفند، کارگران اداره بنادر و دریانوردی بندرلنگه برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت 11 ماه حقوق و قراردادی ناروشن مقابل ورودی ساختمان اداری مدیریت اداره بنادر و دریانوردی غرب استان هرمزگان اجتماع کردند.



براساس گزارش رسانه ای شده، این کارگران معترض در نامه‌ای خطاب به قاسم عسکری نسب مدیر اداره بنادر و دریانوردی غرب هرمزگان آورده‌اند: اینجانبان جمعی از کارکنان قرارداد کار معین شاغل در اداره بندرلنگه، دارای یک سری مشکلات در مورد نحوه قراردادها و حکم‌های سال 99 که تا کنون بسته نشده و پیگیری‌های لازم هیچ ثمری نداشته و هیچ کس پاسخگوی مسایل و مشکلات فراوان که به این علت به وجود آمده نیست لذا با توجه به اینکه پیگیری‌های مستمر اینجانبان از کلیه مجاری قانونی

و اداری داخل اداره کل بنادر با گذشت حدود یکسال به هیچ نتیجه ای نرسیده و امورات به حال خود رها شده، خواهشمندیم دستور فرمایید، هرج و مرج و نابسامانی و عدم پاسخگویی موجود در امورات جاری مربوط به ما که باعث آسیب به زندگی و روح روان اینجانبان گردیده مورد بررسی قرار گیرد و ضمناً حق و حقوق پرسنل از اسفند 98 پرداخت نشده است.

***عقد قرارداد و پرداخت حقوق معوقه و عیدی کارگران سنگ شکن شهرداری مراوه تپه پس از اعتصاب و تجمع اعتراضیشان**

بدنبال عقد قرارداد کارگران سنگ شکن شهرداری مراوه تپه در استان گلستان پس از اعتصاب و تجمع اعتراضی روز دوشنبه 4 اسفندشان، حقوق معوقه و عیدیشان هم پرداخت شد.

به گزارش 5 اسفند یک منبع خبری محلی، روز گذشته تجمع کارکنان شرکت سنگ شکن شهرداری مراوه تپه خبر ساز شد و خروجی این تجمع که با نشست شهردار و معاون فرمانداری مراوه تپه و نمایندگان کارکنان شرکت خاتمه یافت؛ نشست امروز با بگ جانی، مسئول شرکت پیمانکار برای حل مشکل کارکنان بود.

بگ جانی در خصوص مشکل کارکنان سنگ شکن، گفت: مشکل کارکنان سنگ شکن شهرداری مراوه تپه عدم پرداخت معوقات بود که مطالبات آنان پرداخت و فیش حقوقی به آنها تعلق گرفت.

وی ادامه داد: قرارداد کاری هم با کارکنان بسته شد و طبق قرارداد حقوق بهمن و عیدی نیز پرداخت شد.

وی در خصوص حقوق اسفند کارکنان سنگ شکن شهرداری مراوه تپه هم تصریح کرد: در صورتی که پیمانکاری سنگ شکن به ما واگذار شود، حقوق اسفند را تا قبل از سال، پرداخت خواهیم کرد.

***حکمی جدید برای لایلا حسین زاده دانشجوی انسان‌شناسی دانشگاه تهران**

بنا به گفته ی امیر رئیسیان وکیل دادگستری، شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران حکم پرونده جدید

لایلا حسین‌زاده را صادر کرد. پنج سال حبس به اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایمی علیه امنیت». از مصادیق این اتهام «تبریک تولد به یک دانشجوی دیگر!»

حسین‌زاده هم‌چنین به ۲ سال محرومیت از فعالیت در فضای مجازی محکوم شده است.

***بازداشت پویا جانیپور، فعال صنفی دانشگاه علم و صنعت**

پویا جانیپور از فعالین صنفی دانشجویی و دبیر اسبق کمیسیون اسکان شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت، شب ۴ اسفند طی حمله ماموران امنیتی به منزل شخصی اش بازداشت شده است.

گفتنی است از علت بازداشت، نهاد بازداشت کننده و محل نگهداری این فعال صنفی اطلاعی در دست نیست.

منبع 2 خبر بالا: کانال شوراها ی صنفی دانشجویان کشور

***جان باختن کارگریک کارخانه سیرجان بر اثر سقوط به داخل دستگاه سنگ‌شکن**

کارگریک کارخانه سیرجان بر اثر سقوط به داخل دستگاه سنگ‌شکن جانش را از دست داد.

اخبار و گزارشات کارگری 4 اسفندماه 1399

- فراخوان کارگران راه آهن لرستان به اعتصاب سراسری برای احقاق حقوق برحقشان
- فراخوان پشتیبانی کارگران راه آهن هرمزگان از اعتصاب سراسری
- ادامه کنش های کارگران پیمانی پارس جنوبی برای افزایش دستمزد، پایان دادن به تبعیض ها، محرمانه بودن قراردادها، اذیت و آزار همکاران حق طلب و سکوت مصلحتی اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه با انتشار نامه سرگشاده و اعزام یکی از نمایندگانشان به پایتخت
- ادامه اعتراضات کارکنان شرکتی دانشگاه های علوم پزشکی کشور نسبت به پایداری حقوقشان منجمله عدم پرداخت مطالبات با برپایی تجمع در شهرهای مختلف
- دور جدید اعتراضات آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی نسبت به عدم تبدیل وضعیت با برپایی تجمع دوباره مقابل مجلس دومین روز را پشت سر گذاشت
- ادامه اعتراضات مربیان پیش دبستانی ایزه نسبت به بلا تکلیفی استخدامی با برپایی تجمع مقابل بهارستان نشین این شهرستان برای دومین روز متوالی
- ادامه اعتراضات کارگران شهرداری الوند نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق و حق بیمه و بی تفاوتی مسئولان شهرستان البرز و استان قزوین
- بی سرپناهی قوزبالای قوزکارگران شهرداری سی سخت با ماه ها حقوق معوقه
- تهدید به اخراج از کار حربه کارفرمایان برای بالا کشیدن مطالبات کارگران
- صدور قرار منع تعقیب بابت اتهام عضویت در گروه های معاند نظام و قرار جلب به دادرسی بابت اتهام تبلیغ علیه نظام برای جوانمیر مرادی
- تجمع اعتراضی دوباره خانواده های بیماران SMA نسبت به عدم دسترسی به دارو مقابل وزارت بهداشت

*فراخوان کارگران راه آهن لرستان به اعتصاب سراسری برای احقاق حقوق برحقشان

روز دوشنبه 4 اسفند، کارگران راه آهن لرستان (شرکت تراورس) برای احقاق حقوق برحقشان فراخوانی برای اعتصاب سراسری کارگران نواحی مختلف راه آهن از روز سه شنبه 5 اسفند منتشر کردند.

بخشی از این فراخوان که در شبکه های اجتماعی منتشر شده بقرار زیر است:

به نمایندگی از ناحیه لرستان ما فردا اعتصاب سراسری رو شروع میکنیم از همه نواحی نگهداری در سرتا سر کشور تقاضا مندیم به ما بپیوندن.

دوستان عزیز و همکاران زحمت کش نگهداری و ابنیه فنی :

همه نواحی در این اعتصاب باید یک هدف مشترک رو دنبال کنیم اونم پایان دادن به بیش از 9 سال تبعیض، ظلم، بی عدالتی محض علیه نیروهای خط و خانواده هاشون هست که باید بصورت قطعی تعیین و تکلیف بشه .

یادمون باشه با هیچ تهدیدی پاپس نکشیم و دغدغمون تجمیع باشه. سالهای سال اعتصاب کردیم ولی شکننده بود و با کوچکترین تهدیدی یه عده شونه خالی کردن و تن دادن به این شرایط فلاکت باری که الان شاهدش هستیم . همه با هم باشیم و نترسیم از ظالم .

***فراخوان پشتیبانی کارگران راه آهن هرمزگان از اعتصاب سراسری**

روز دوشنبه 4 اسفند، کارگران راه آهن هرمزگان (شرکت تراورس) با انتشار پیامی از فراخوان اعتصاب سراسری حمایت کردند.

متن این فراخوان که در شبکه های اجتماعی منتشر شده بشرح زیر است:

ما نیروهای تراورس جنوب کشور هم هماهنگ هستیم اگر چند روز باهم هماهنگ اعتصاب و اعتراض کنیم مشکلات حل میشه.

امروز چهارم اسفند هست هنوز حقوق آذر را کامل بماندادند چجوری میخان سه تا نصفی حقوق با عیدی پرداخت کنن؟

نیروهای راه آهن حقوق و عیدی کامل گرفتن حتی هفته آینده یک و پانصد قراره بجای آجیل عید بهشون نقد پرداخت کنند .

چه راه آهنی هست ؟

مگر مسئولین اینهمه تبعیض را نمی بینند بخدا مرگ یکبار شیون هم یکبار تموم میشه یا کارمون درست میشه یا اخر اجمون میکنند بالاتر از سیاهی رنگی نیست.

شما در نواحی لرستان زاگرس خراسان اعلام کنید ما هم هماهنگ با شما عمل میکنیم.

در همین رابطه: فراخوان کارگران راه آهن لرستان برای اعتصاب سراسری برای احقاق حقوق برحقشان

روز شنبه 2 اسفند، کارگران راه آهن لرستان (شرکت تراورس) برای احقاق حقوق برحقشان فراخوانی برای اعتصاب سراسری منتشر کردند.

متن این فراخوان بشرح زیر است:

دوستان برای رسیدن به این هدف اول باید همه دوستان مشکلات شخصی و داخلی خودشون رو کنار بزارن یعنی دیگه فعلا کاری نداشته باشن کی رئیسه کی سواره کی پیاده . هدف همگی در اعتصاب سراسری خط موارد زیر باشه :

۱- تجمیع همه نواحی بصورت یک شرکت واحد (مثل پویان نوین سبز که شرکت مرکزی بهره برداری هست)

۲- دریافت تمام بندهای قرارداد شامل حق جذب، اضافه کار (حداقل ۴۸ ساعت) و همه بندهای قرارداد

۳- دریافت لباس کار بصورت مستمر و قانونی بدون وقفه

۴- دریافت بن های مربوطه شامل بن لباس (عیدانه)، بن ماه مبارک رمضان، کارت هدیه روز زن برای متاهلین، بن خرید کالا (یعنی هرچی بقیه ادارات گرفتن ما هم بگیریم)

۵- دریافت حقوق بصورت کامل (نه بصورت ۵۰ درصد که مشخص نیست چطوری داری حقوق میگیری) آنهم در یک تاریخ مشخص نه دلبخواهی

۶- دادن گروه شغلی و افزایش مستمر آن بعد ۴ سال

۷- تمدید بیمه بصورت ماهیانه و بستن قرارداد با بیمه های تکمیلی معتبر مثل بیمه ملت و غیره

***ادامه کنش های کارگران پیمانی پارس جنوبی برای افزایش دستمزد، پایان دادن به تبعیض ها، محرمانه بودن قراردادها، اذیت و آزار همکاران حق طلب و سکوت مصلحتی اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه با انتشار نامه سرگشاده و اعزام یکی از نمایندگانشان به پایتخت**

کارگران پیمانی پارس جنوبی در ادامه کنش های دامنه دارشان برای افزایش دستمزد، پایان دادن به تبعیض ها محرمانه بودن قراردادها، اذیت و آزار همکاران حق طلب و سکوت مصلحتی اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه نامه ای خطاب به مسئولان منجمله نمایندگان مجلس نوشتند و یکی از نمایندگانشان را به تهران جهت ثبت در مجلس اعزام کردند.

نقل به معنی بخشی از این نامه مشتمل بر مطالبات کارگران پیمانی پارس جنوبی که دوشنبه 4 اسفند رسانه ای شده بقرار زیر است:

1- عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

پس از سال ها وقفه و انتظار بالاخره در اسفند ماه سال 98 وزیر نفت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را از تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۰۱ ابلاغ نمود که این طرح پس از گذشت چندین ماه کماکان بلا تکلیف است و به صورت رسمی اجرایی نشده است. لازم به ذکر می باشد با توجه به شواهد موجود طرح مذکور دارای ایراداتی است که در ذیل به چند نمونه اشاره می کنیم:

الف) برای اجرای طرح طبقه بندی ابتدا باید کمیته طبقه بندی مشاغل تشکیل شود و این کمیته متشکل از نمایندگان کارگران، نمایندگان کارفرما و ناظران اجرای طرح می باشد که متأسفانه این طرح به صورت کاملاً یکطرفه از سمت معاونت منابع انسانی وزارت نفت و بدون در نظر گرفتن نقطه نظرات نمایندگان کارگران ابلاغ شده است.

ب) مبنای محاسبه فوق العاده مناطق گرمسیری، فوق العاده جذب مشاغل اصلی و تخصصی، فوق العاده پارس جنوبی و... مزد شغل یا مزد شغل گروه شغلی یک می باشد. (مزد شغل مبلغ پایه تعیین شده برای هر گروه شغلی بدون احتساب سابقه کار، مدرک تحصیلی و... می باشد).

ج) در محاسبه سابقه کار فقط سابقه کار مجتمع گاز پارس جنوبی لحاظ گردیده است. به عنوان مثال اگر شخصی ۱۰ سال سابقه کار اجرا، پیش راه اندازی، راه اندازی و بهره برداری در یک پالایشگاه داشته باشد فقط سابقه آن بازه زمانی که زیر نظر مجتمع گاز پارس جنوبی فعالیت داشته موثر خواهد بود.

د) حداکثر سابقه کاری امتیازآور ۷ سال است و سابقه کاری بیش از ۷ سال هیچ تاثیری در تعیین میزان حقوق پایه نخواهد داشت.

2- آلودگی هوای منطقه و دوری از خانواده

میزان آلودگی هوای منطقه و اثرات دوری از خانواده‌های کارکنان بر هیچ کس پوشیده و پنهان نیست، این امر موجب وارد آمدن خسارات جبران ناپذیری بر سلامت روحی، روانی و جسمی نفرات شاغل در این منطقه و خانواده‌های آنان می‌گردد که با اجرای طرح ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت می‌توان تا حدودی آسیب وارد شده را جبران نمود. مجله علمی پژوهشی طب جنوب زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر مقاله‌ای تحت عنوان بررسی آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از صنایع گاز و پتروشیمی و اثرات آن بر ساکنین منطقه عسلویه به چاپ رسانده که به صورت پیوست خدمتتان ارسال می‌گردد.

3- سختی کار

برای هیچ یک از کارکنان پیمانی مشخص نیست که شغلی که در آن مشغول به کار هستند جز مشاغل سخت و زیان‌آور است یا خیر. اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس هم شرط رسیدگی به موضوع را داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه کار می‌داند که این امر موجب می‌شود ۴ درصد حق بیمه مازاد مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور که پرداخت آن بر عهده کارفرما است به ناحب گریبانگیر کارکنان شود و بعضاً پرداخت آن از توان کارکنان خارج است. همچنین لازم به ذکر می‌باشد اگر شغلی جز گروه کاری سخت و زیان‌آور قرار بگیرد ساعت کاری روزانه یک ساعت کاهش می‌یابد و در صورت حضور در محل کار کارفرما موظف به پرداخت اضافه کاری می‌باشد. این امر تاکنون مدنظر قرار نگرفته است و سالیانه حدود ۲۴۰ ساعت اضافه کاری کارگران زحمتکش بدون مزد باقی می‌ماند.

4- تبعیض بین کارکنان پیمانکاری و رسمی

تبعیض بین کارکنان پیمانکاری و رسمی کاملاً مشهود و چشم گیر است که این ساختار حاکم موجب برخوردهای بد و دور از شان انسانی با کارکنان خدوم و زحمتکش پیمانکاری می‌گردد. کارکنان رسمی هم دارای حقوق و دستمزدهای بسیار بالاتری نسبت به نفرات پیمانکاری هستند و هم از خدمات ویژه و بهتری برخوردار هستند. از جمله می‌توان به ایجاد شرایط جهت حضور آنها در کنار خانواده با در اختیار گذاشتن مسکن مناسب و دور از آلودگی هوای منطقه، ایجاد شرایط مناسب آموزشی، فرهنگی و ورزشی برای فرزندان و سایر اعضای خانواده، داشتن سهمیه پرواز به تمام نقاط ایران به صورت رفت و برگشت در هر دوره کاری و بسیاری خدمات رفاهی و تفریحی، داشتن خدمات درمانی مناسب و استفاده رایگان از تمام مراکز درمانی طرف قرارداد وزارت نفت و... این در حالی است که کارکنان پیمانکاری با توجه به اینکه حقوق و دستمزدهای بسیار پایین‌تری دارند نه تنها از هیچ یک از خدمات فوق برخوردار نیستند بلکه در شرایط نامناسبی به حال خود رها شده‌اند و دائماً مورد کم لطفی و بی‌مهری مسئولان منطقه قرار می‌گیرند.

5- برخورد با کارکنان پیمانکاری

برخوردهای حراست پالایشگاه‌ها و منطقه ویژه با کارکنان پیمانکاری به دفعات زیاد قابل مشاهده است و در صورت هرگونه اعتراض تحت عنوان رهبری اغتشاشات و خلل در روند تولید پایدار پالایشگاه

برخوردهای سخت و قهری صورت می‌گیرد و به راحتی موجب اخراج کارکنان پیمانکاری می‌گردد و بعضاً در لیست سیاه منطقه ویژه قرار می‌گیرند و برای همیشه باید منطقه را ترک کنند. تعدادی از این برخوردها را به عنوان نمونه به صورت پیوست ارسال می‌گردد.

6- عدم رسیدگی به شکایات کارکنان پیمانکاری توسط اداره کار و امور اشتغال منطقه ویژه

با بررسی تعداد شکایات‌های کارکنان پیمانکاری از شرکت‌های فعال در این منطقه پی به حجم بالای بی‌عدالتی و نارضایتی موجود خواهید برد. شکایت‌هایی که هیچ گاه نتیجه مطلوب و برابر عدالت و قانون نداشته است.

7- محرمانه بودن پیمان‌ها

و در آخر این سوال مطرح است که پیمان‌هایی که کاملاً به صورت خدماتی اجرا می‌شوند چرا باید محرمانه باشند تا کارکنان پیمانکاری که بخش مهمی از این پیمان برعهده آن‌ها هست از حق و حقوق خود آگاه نباشند.

***ادامه اعتراضات کارکنان شرکتی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور نسبت به پایمالی حقوقشان منجمله عدم پرداخت مطالبات با برپایی تجمع در شهرهای مختلف**

اعتراضات کارکنان شرکتی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور نسبت به پایمالی حقوقشان منجمله عدم پرداخت مطالبات با برپایی تجمع در شهرهای مختلف کماکان ادامه دارد.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 4 اسفند، دیروز و امروز (سوم و چهارم اسفند) جمعی از کارکنان شرکت‌های بهداشت و درمان و زیرمجموعه دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور با مراجعه به نهادهای ذیربط در استان‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی، خواستار توجه به مطالبات مزدی و معیشتی خود شدند.

جمعی از این شرکتی‌ها گفتند: عدم اجرای قوانین، صدای مدافعان سلامت را درآورده است و بی‌شک تجمعات همکاران شرکتی زنگ خطری برای مسئولین است. ادامه بی‌توجهی به قوانین و عدم پرداخت مطالبات کادر درمان و مدافعان سلامت از جمله توزیع عادلانه‌ی فوق‌العاده سختی کار کرونا بین واحدهای درگیر از اورژانس 115 تا اورژانس بیمارستان و بخش‌های ویژه و مراکز بهداشتی و اجرای دقیق دستورالعمل 20 درصد کسر موظفی برای همه واحدها و شفاف‌سازی در مورد علت کاهش مبلغ کارانه و عدم پرداخت حق مسکن و پول لباس و بسیاری از مطالبات دیگر، نارضایتی‌ها را گسترده‌تر خواهد کرد.

بنابهمین گزارش، کادر شرکتی فوریت‌های پزشکی اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد نیز در کنار سایر کارکنان شرکتی دانشگاه، در تلاشند تا صدای اعتراض خودشان را به گوش مسئولان برسانند.

یکی از این کارکنان در ارتباط با مطالبات خود و همکارانش گفت: مهمترین خواسته‌های ما، اجرای قانون بهر موری برای همکاران شرکتی اورژانس 115 مثل سایر کارکنان شرکتی دانشگاه، پرداخت مبلغ فوق‌العاده ویژه و حذف اضافه کار اجباری تا سقف 15 شیفت 24 ساعته است که با این حجم ماموریت در شرایط کرونایی مزید بر مشکلات اقتصادی و تورم سرسام آور شده و گذران زندگی را برای این مدافعان سلامت جان بر کف، سخت و طاقت فرسا نموده است.

***دور جدید اعتراضات آموزش‌دهندگان نهضت سواد آموزی نسبت به عدم تبدیل وضعیت با برپایی تجمع دوباره مقابل مجلس دومین روز را پشت سر گذاشت**

روز دوشنبه 4 اسفند برای دومین روز متوالی، آموزش‌دهندگان نهضت سواد آموزی برای اعتراض نسبت به عدم تبدیل وضعیت مقابل مجلس تجمع کردند.

در همین رابطه: ادامه اعتراضات آموزش‌دهندگان نهضت سواد آموزی نسبت به عدم تبدیل وضعیت با برپایی تجمعی دیگر مقابل مجلس

روز یکشنبه 3 اسفند همزمان با بررسی جزییات لایحه بودجه 1400، آموزش‌دهندگان نهضت سواد آموزی در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت برای باری دیگر مقابل مجلس اجتماع کردند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی از سال 1392 به بعد در مورد وضعیت استخدامی شان بلاتکلیف هستند .

***ادامه اعتراضات مربیان پیش‌دبستانی ایذه نسبت به بلاتکلیفی استخدامی با برپایی تجمع مقابل بهارستان نشین این شهرستان برای دومین روز متوالی**

روز دوشنبه 4 اسفند برای دومین روز متوالی، مربیان پیش‌دبستانی ایذه در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل بهارستان نشین این شهرستان در استان خوزستان زدند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: تا زمانی که یک نفر در شهرستان پیدا نشود به حرف ما گوش کند و مطالبات ما را پیگیری کند، کوتاه بیا نیستیم. وقتی ما به فرمانداری شهرستان مراجعه می‌کنیم و سرپرست فرمانداری به ما می‌گوید چرا اینجا آمده‌اید، مگر اینجا دفتر نماینده مجلس است، ما تکلیف‌مان با دیگر مدیران شهرستان روشن است.

یکی از این مربیان معترض گفت: چرا هر چه تلاش می‌کنیم تا با نماینده مجلس ملاقات داشته باشیم به ما اجازه نمی‌دهند؟ چطور مشکل مربیان پیش‌دبستانی باغملکی حل شده ولی مشکل ما قابل رسیدگی نیست! چگونه می‌شود که هیچ‌کس در شهرستان ایذه نمی‌تواند او را ببیند؟

در همین رابطه: تجمع اعتراضی خانوادگی مربیان پیش‌دبستانی ایذه نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل اداره آموزش و پرورش

روز سه شنبه 28 بهمن، جمعی از خانواده‌های مربیان پیش‌دبستانی ایذه با همراه فرزندان‌شان برای بنمایش گذاشتن اعتراض‌شان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی این مربیان پیش‌دبستانی مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان در استان خوزستان تجمع کردند.



***ادامه اعتراضات کارگران شهرداری الوند نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق وحق بیمه وبی تفاوتی مسئولان شهرستان البرز و استان قزوین**

روز دوشنبه 4 اسفند برای باری دیگر، کارگران شهرداری الوند اعتراضشان را نسبت به عدم پرداخت بموقع حقوق وحق بیمه وبی تفاوتی مسئولان شهرستان البرز و استان قزوین، ابراز کردند.

براساس گزارش رسانه ای شده، در روزهای گذشته، مشکلات مزدی و بیمه ای کارگران پیمانکاری شهرداری الوند از طریق رسانه ها بارها مطرح شد+ و کارگران خطاب به مسئولان استانی و شهرستانی در راستای پیگیری و وصول مطالباتشان گفتند: صدای ما شنیده نمی شود.

کارگران خدماتی شهرداری الوند که تحت مسئولیت یک پیمانکار کار می کنند و مطالبات مزدی و بیمه آنها با تاخیر دو تا سه ماهه پرداخت می شود، از عملکرد مسئولان استان قزوین و شهرستان البرز انتقاد کردند.

یکی از این کارگران در این رابطه گفت: حدود 80 کارگر در بخش خدمات شهرداری الوند هستیم که بارها برای دریافت مطالبات مزدی و بیمه ای خود اقدام کرده ایم اما مسئولان پاسخ مشکلاتمان را نمی دهند.

وی گفت: در حال حاضر دو تا سه ماه معوقات مزدی و بیمه‌ای طلبکاریم و فشار گرانی مشکلات زیادی را برای ما و خانواده‌هایمان ایجاد کرده است.

دست و پنجه نرم کردن کارگران شهرداری الوند و خانواده‌هایشان با دفترچه‌های خدمات درمانی بدون اعتبار بدلیل عدم پرداخت حق بیمه از طرف شهرداری و عدم پرداخت بموقع حقوق

روز شنبه 18 بهمن، کارگران شهرداری الوند از دست و پنجه نرم کردن خود و خانواده‌هایشان با دفترچه‌های خدمات درمانی بدون اعتبار بدلیل عدم پرداخت حق بیمه از طرف شهرداری این شهر در استان قزوین و عدم پرداخت بموقع حقوق، خبر دادند.

آنها به خبرنگار رسانه ای گفتند: اداره تامین اجتماعی شعبه شهر صنعتی البرز در استان قزوین به دلیل بدهی‌های مالی شهرداری الوند به تامین اجتماعی اخیراً از تمدید دفترچه‌های درمانی کارگرانی که برای تمدید دفترچه‌های درمانی خود اقدام می‌کنند، خودداری کرده است.

یکی از کارگران خدماتی شهرداری الوند با بیان اینکه او و همکارانش بیش از 10 سال است که به سازمان تامین اجتماعی حق بیمه پرداخت می‌کنند، در ادامه افزود: در حال حاضر مشکلات بیمه‌ای ناشی از عدم تمدید دفترچه‌های درمانی این تعداد کارگر و خانواده‌هایشان به مشکلات معیشتی آنان افزوده است.

به گفته وی؛ به صورت مشخص دو تا سه ماه حق بیمه کارگران این شهرداری به تامین اجتماعی پرداخت نشده، علاوه بر این دو ماه معوقات مزدی طلبکاریم.

این کارگر گفت: در حال حاضر کارگران منتظر هستند که کارفرما معوقات مزدی و بیمه‌ای ما را بپردازد تا بخشی از مشکلاتمان برطرف شود.

وی افزود: در بین کارگران شهرداری الوند کارگرانی وجود دارند که هم‌اکنون خود یا خانواده‌هایشان در بیمارستان‌های طرف قرارداد با تامین اجتماعی بستری هستند و در حال حاضر آن‌ها بیشتر از هر زمانی به دفترچه‌های درمانی تامین اجتماعی خود نیازمندند اما با مشکلاتی که در زمینه تمدید نشدن دفترچه‌ها برایشان پیش آمده، برای پرداخت هزینه‌های درمانی سرگردان شده‌اند.

این کارگر شهرداری الوند در بخش پایانی سخنانش اظهار داشت: با توجه به اینکه مسئولان استانی و شهرستانی از وضعیت حدود 80 کارگر بخش خدمات شهرداری باخبرند، از آنان می‌خواهیم نسبت به مشکلات کارگران در آستانه سال نو بی‌تفاوت نباشند.

***بی‌سرپناهی قوزبالای قوزکارگران شهرداری سی سخت با ماه‌ها حقوق معوقه**

از دست دادن سرپناه بدنبال زلزله اخیر قوزبالای قوزکارگران شهرداری سی سخت با ماه‌ها حقوق معوقه شده است.

روز دوشنبه 4 اسفند، جمعی از کارگران شهرداری سی سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد به خبرنگار رسانه ای گفتند: در حال حاضر که چندین روز از زلزله سی سخت می‌گذرد ما کارگران با از دست دادن سرپناه، جدا از وضعیت بد معیشتی در بدترین شرایط موجود گذران می‌کنیم.

یکی از این کارگران افزود: علارغم مشکل بی‌پولی که در نتیجه 10 ماه طلب مزدی برای ما کارگران و خانواده‌هایمان بوجود آمده، زلزله اخیر مشکلاتمان را چند برابر کرده و جز تعداد معدودی که چادر دریافت کرده‌اند، مابقی سرپناهی برای خود و خانواده‌هایشان ندارند.

او با بیان اینکه هم اکنون 87 کارگر شاغل در شهرداری سی‌سخت مشغول خدمت‌رسانی به مردم در کنار سایر امدادگران هستند، افزود: دغدغه اصلی همه ما همانند سایر مردم شهر ایجاد سرپناهی موقت برای خود و خانواده‌هایمان است.

او ادامه داد: کارگران شهرداری سی‌سخت بیشتر از هر زمانی نیازمند وصول طلب‌های مالی خود برای ایجاد سرپناه و تامین خوراک و آذوقه برای خود و خانواده‌هایشان هستند.

او گفت: امدادگران کمک‌های خوبی به مردم می‌کنند اما ناهماهنگی‌ها موجب می‌شود زمینه سوءاستفاده برخی افراد فراهم شود تا این کمک‌ها به اندازه مورد نیاز افراد مستحق و آواره نرسد. به عنوان نمونه به نظر می‌رسد چادر به اندازه کافی کم‌رسانی شده اما به دلیل فرصت‌طلبی برخی افراد، به اندازه کافی در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد.

او در ادامه اضافه کرد: به نظر می‌رسد در وضعیت فعلی روال پرداخت حقوق ما کارگران شهرداری سی‌سخت همانند ماه‌ها و سال‌های گذشته باشد. ما کارگران نمی‌دانیم با این گرانی‌ها و تورم، چگونه باید هزینه‌های سنگین زندگی خود را در شرایط بی‌سرپناهی زلزله تامین کنیم؟ از چه کسی قرض بگیریم و چه زمانی می‌توانیم این قرض‌ها را بازپرداخت کنیم؟

وی افزود: مشخص نیست شهرداری چه زمانی قصد دارد مطالبات مزدی کارگران را تسویه نماید؟ آخرین حقوقی که دریافت کرده‌ایم یک ماه پیش بود که مربوط به اردیبهشت ماه سال جاری می‌شد.

او گفت: آسیبی که زلزله به بخش‌های مختلف وارد کرده بی‌شک به افزایش میزان بیکاری در مناطق سی‌سخت می‌انجامد.

در همین رابطه: بلند شدن صدای اعتراض کارگران شهرداری سی‌سخت نسبت به عدم پرداخت 10 ماه حقوق و وعده‌های توخالی برای چندین و چندمین بار

روز شنبه 18 بهمن، برای چندین و چندمین بار صدای اعتراض کارگران شهرداری سی‌سخت در استان کهگیلویه و بویر احمد نسبت به عدم پرداخت 10 ماه حقوق و وعده‌های توخالی، بلند شد.

جمعی از کارگران شهرداری سی‌سخت به خبرنگار رسانه ای گفتند: در 11 ماه و 15 روز سپری شده از سال جاری، فقط یک ماه حقوق فروردین را دو ماه پیش گرفته‌ایم؛ یعنی 10 ماه مطالباتمان به تاخیر افتاده است.

این کارگران که هر ماه مطالبات خود را با تاخیر 10 ماهه دریافت می‌کنند، گفتند: شهردار جدید که از حدود یکسال پیش مدیریت شهر سی‌سخت را بر عهده گرفته؛ در روز معارفه خود وعده به‌روز کردن مطالباتمان را داد اما بعد از گذشت بیش از یکسال هنوز هیچ اقدام جدیدی صورت نگرفته است.

یکی از کارگران واحد خدمات شهرداری سی‌سخت با بیان این پرسش که چرا اعضای شورای شهر سی‌سخت هیچ نظارتی بر پرداخت مطالبات کارگران ندارند، گفت: ما از شورای شهرمان در مقام ناظر

بر عملکرد شهردار انتظار داریم چاره‌ای برای تامین منابع مالی شهرداری و پرداخت دستمزد نیروی کار شهرداری ببینند.

آنها افزودند: دو ماه پیش حقوق فروردین و اردیبهشت ماه را دریافت کرده‌ایم. پرداخت حقوق در هر دوسه ماه یکبار در حالی انجام می‌شود که شهردار آن سابق نیز هر ماه به ما یک حقوق می‌دادند.

یکی دیگر از کارگران واحد خدمات شهرداری سی‌سخت در تکمیل سخنان همکار خود گفت: 80 نفر در مجموعه شهرداری سی‌سخت کار می‌کنند و به نظر می‌رسد در وضعیت فعلی روال پرداخت حقوق همانند ماه‌ها و سال‌های گذشته است. ما کارگران نمی‌دانیم با این گرانی‌ها و تورم، چگونه باید هزینه‌های سنگین زندگی خود را تامین کنیم؛ از چه کسی قرض بگیریم و چه زمانی می‌توانیم این قرض‌ها را بازپرداخت کنیم.

به گفته این کارگران، مشخص نیست شهرداری چه زمانی قصد دارد مطالبات مزدی کارگران را در آستانه سال نو تسویه نماید. قرار بود روز شنبه اول هفته جاری شهردار یک ماه حقوق به حساب کارگران واریز کند، امروز چهار روز از وعده داده شده می‌گذرد اما تاکنون خبری از پرداخت‌ها نیست.

***تهدید به اخراج از کارحربه کارفرمایان برای بالا کشیدن مطالبات کارگران**

تعدادی از کارفرمایان برای بالا کشیدن مطالبات کارگران: اگر حق و حقوق خود را کامل بخواهید یا دنبال عیدی کامل باشید، سال بعد، قرارداد کاری شما تمدید نمی‌شود و اخراج می‌شوید.

کارگران برخی کارگاه‌های تولیدی کوچک در گفتگو با خبرنگار رسانه ای، از تهدید جدید کارفرمایان برای عدم تمدید قرارداد در سال بعد خبر می‌دهند.

این کارگران که قرارداد آن‌ها پایان اسفندماه تمام می‌شود و باید برای ادامه کار، قرارداد جدید داشته باشند؛ می‌گویند: کارفرما ما را تهدید کرده که اگر حق و حقوق خود را کامل بخواهید یا دنبال عیدی کامل باشید، سال بعد، قرارداد کاری شما تمدید نمی‌شود و اخراج می‌شوید.

این کارگران که برخی از آن‌ها چندین سال سابقه کار دارند، در انتقاد از این وضعیت می‌گویند: چون قراردادمان موقت است، دستان به جایی بند نیست؛ می‌ترسیم که سال بعد با ما قرارداد جدید نبندند؛ بنابر این مجبوریم هرچه کارفرما می‌گوید، گوش دهیم! از ترس بیکار شدن، سراغ شکایت نمی‌رویم.

وضعیت بغرنج این کارگران در حالی بغرنج‌تر می‌شود که به یاد داشته باشیم اصولاً بازرسان کار برای سرکشی به کارگاه‌های کوچک ورود نمی‌کنند و هیچ کس از نوع تعامل کارفرما با این کارگران مطلع نمی‌شود.

این کارگران می‌گویند: از ترس بیکار شدن مجبوریم با عیدی یک میلیون و پانصد هزار تومانی یعنی کمتر از نصف مقدار قانونی، بسازیم و دم برنیاوریم!

***صدور قرار منع تعقیب بابت اتهام عضویت در گروه های معاند نظام و قرار جلب به دادرسی بابت اتهام تبلیغ علیه نظام برای جوانمیر مرادی**

امروز دوشنبه 4 اسفند 99، طی ابلاغیه الکترونیکی از شعبه 4 بازپرسی به جوانمیر مرادی، ارجاع پرونده وی به اتهام تبلیغ علیه نظام به شعبه یک دادگاه انقلاب کرمانشاه، اعلام گردید.

جوانمیر مرادی در تاریخ 14 دی 99 به اتهام تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه‌های معاند نظام توسط اطلاعات سپاه نبی اکرم کرمانشاه بازداشت و توسط شعبه 4 بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب کرمانشاه تفهیم اتهام شده بود که در همان شعبه بازپرسی از اتهام عضویت در گروه‌های معاند تبرئه گردید.

جوانمیر مرادی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه است. جوانمیر مرادی هیچ جرمی مرتکب نشده است و تنها و تنها بخاطر دفاع از حقوق کارگران و فعالیتهای اجتماعی دستگیر و با اتهامات واهی محاکمه شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن ابراز انزجار از پرونده سازی امنیتی علیه جوانمیر مرادی، خواهان خاتمه فوری تعقیب قضایی علیه وی و دیگر کارگران و فعالین کارگری است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران_ ۹۹/۱۲/۴

***تجمع اعتراضی دوباره خانواده‌های بیماران SMA نسبت به عدم دسترسی به دارو مقابل وزارت بهداشت**

روز دوشنبه 4 اسفند برای باری دیگر، خانواده‌های بیماران SMA برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به عدم دسترسی به دارو مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.



براساس گزارشات رسانه ای شده، تعداد زیادی از تجمع کنندگان دارای فرزندهایی بودند که تا به حال داروهای مخصوص بیماری SMA را استفاده نکردند و به همین دلیل طبق گفته‌های والدین اغلب فرزندان‌شان دچار معلولیت‌های شدید جسمانی شدند، در حالی که اگر داروهای تخصصی را استفاده می‌کردند، بخش عمده‌ی عوارض این بیماری از بین می‌رفت.

یکی از تجمع کنندگان گفت: تا الان هیچ دارویی برای بیماران ما وارد کشور نشده است، دختر من 14 سال دارد و به دلیل بیماری کم کم فلج شد، در صورتی که اگر دارو مصرف می‌کرد، می‌توانست مثل دیگر بچه‌ها راه برود.

اخبار و گزارشات کارگری 3 اسفندماه 1399

- تجمع اعتراضی سراسری کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق

- تجمع اعتراضی بازنشستگان صندوق فولاد نسبت به وعده های توخالی مقابل مجلس

- تجمع کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان برای احقاق حقوق برحقشان مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی

- ادامه اعتراضات آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی نسبت به عدم تبدیل وضعیت با برپایی تجمعی دیگر مقابل مجلس

- پنجمین تجمع اعتراضی معلمان غیرانتفاعی سراسر کشور نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل مجلس

- تجمع اعتراضی نیروهای خدماتی مدارس کشور نسبت به سطح نازل حقوق مقابل مجلس برای باری دیگر

- تجمع اعتراضی معلمان حق التدریس و قراردادی کشور نسبت به آزمون اصلح مقابل مجلس

- اعتصاب دوباره معلمان حق التدریسی برخی از مناطق تهران و شهرستان ها در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و وعده های پوچ

- ادامه اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اراک نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی با راهپیمایی، تجمع و حمل نمادین تابوت آرم شرکت در شهر اراک

- دومین روز اعتصاب و تجمع صدها کارگر پروژه ای پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات

- ادامه اعتراضات کارگران پروژه ای پتروشیمی ایلام نسبت به شیو نامه جذب با برپایی تجمع مقابل شرکت

- تجمع اعتراضی جمعی از بازاریان آبادان نسبت به بلاتکلیفی معیشتی و عدم حمایت دولت در پی تعطیلی کروناپی مقابل فرمانداری آبادان

***تجمع اعتراضی سراسری کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق**

روز یکشنبه 3 اسفند برای ششمین بار (از 23 آذرماه سال جاری)، کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به سطح نازل حقوق دست

به تجمع مقابل سازمان تامین اجتماعی در شهرهای اراک، اردبیل، اصفهان، اهواز، ایلام،
بجنورد، تبریز، تهران، خرم
آباد، رشت، دزفول، ساری، شوش، شوشتر، قزوین، کرج، کرمانشاه، مشهد،
نیشابور، یزد و..... زدند.



گزارشات تجمع سراسری 3 اسفندماه کارگران بازنشسته و مستمری بگیر سازمان تامین اجتماعی:

1- تجمع‌های گسترده و سراسری بازنشستگان در سراسر کشور برگزار شد

امروز یکشنبه سوم اسفند ماه بازنشستگان و مستمری بگيران تأمین اجتماعی در شهرهای تهران، ایلام، نیشابور، اهواز، خرم آباد، تبریز، یزد، اراک، اصفهان، قزوین، اردبیل، خراسان شمالی، شوش، کرمانشاه، شوشتر، ساری، کرج، مشهد، دزفول و دیگر شهرها مقابل ادارات سازمان تأمین اجتماعی تجمع اعتراضی برپا کردند.

این بازنشستگان شعارهایی از قبیل «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه» «فریاد فریاد از این همه بیداد» «گرانی تورم بلای جان مردم» «نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت» سر میدادند.

خواست و مطالبات اصلی بازنشستگان و مستمری بگيران افزایش فوری حقوق و مستمریها مطابق بر تأمین نیازهای زندگی و نرخ سبد معیشت خانوار است که هم اکنون دریافتی‌های آنها چندین برابر پایینتر از این میزان است. دیگر خواسته اصلی بازنشستگان اجرای کامل همسان سازیهاست که افزایش دریافتی بازنشستگان به اجرای قانون همسان سازی نیز گره خورده است.

بازنشستگان و مستمری بگيران تأمین اجتماعی اعلام کرده‌اند که دولت و سازمان تأمین اجتماعی حتی قوانین مصوب خوشان که ماده ۴۱ قانون کار و ماده ۹۶ تأمین اجتماعی است را نیز اجرا نمیکند تا میزان حقوق‌ها کمی واقعی‌تر گردد.

گسترش فقر و فلاکت و گرانی روزافزون، سال‌های استراحت بازنشستگان را به زجرآورترین دوره زندگی آنها بدل کرده است از اینرو از هر فرصت ممکن برای بیان اعتراضاتشان بهره میگیرند. در دو ماه گذشته این ششمین تجمع بزرگ بازنشستگان بوده است که هرچند تعدادی از این تجمعات را نهادهای وابسته و خانه کارگری فراخوان داده‌اند اما بازنشستگان از فرجه‌های شکل گرفته برای اعلام خواست اعتراض خودشان استقبال کرده‌اند.

بازنشستگان و مستمری بگيران، دیگر در مقابل حق‌کشی‌های چپاولگران سازمان تأمین اجتماعی سکوت نخواهند کرد و تا تحقق مطالباتشان به اعتراضات باشکوه خود ادامه خواهند داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- سوم اسفندماه نود و نه

2- گزارشی از تجمع سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی!

همسان سازی کجا بود؟ دروغ، فریب، ریا بود!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز 3 اسفند 99 از ساعت 10 صبح بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به همسان سازی فریبکارانه و عدم محاسبه درست مستمری‌ها و اختصاص بودجه 90 میلیاردی به دیگر گروههایی که سهمی در سازمان تأمین اجتماعی نداشته، ترمیم قدرت خرید را خواستار شدند. هر چند مدتی است کنشگران این عرصه با تهدیدهای پلیس سیاسی روبرو می‌شوند اما با این حال بازنشستگان در 19 شهر ایلام، تهران، نیشابور، اهواز، خرم آباد، تبریز، اراک، کرمانشاه، یزد، اصفهان، اردبیل، قزوین، اراک، رشت، مشهد، شوش، دزفول، شوشتر، کرج در مقابل سازمان تأمین اجتماعی شهرشان گردآمده و از تبعیض و مستمری‌های حقیرانه گفتند. از جمله شعارها این بود: «دستهای ما خالیه-وضع شما عالیه، حقوق‌های نجومی-فلاکت عمومی، بیمه‌های تکمیلی-دزد سرگردنه»

در تهران بازنشستگان با سخنرانی و راهپیمایی از مقابل وزارت کار تا سازمان تامین اجتماعی شعارهایی علیه بودجه سال جاری دولت و ریاست سازمان تامین اجتماعی و نظام سرمایه سالارانه حاکم بر اقتصاد و سیاست دادند. با درگیری یک بازنشسته با جوان لباس شخصی که مرتب از همه عکس می گرفت، با شکیبایی بازنشستگان تهرانی خاتمه یافت.

بازنشستگان فولادی و معدنی در مقابل مجلس در تهران با پلاکارد «برقراری حقوق و درمان بازنشسته مطابق آیین نامه فولاد در جدول 7 قانون بودجه» تجمع کرده بودند.

در اراک کارگران هپکویی با به دوش گرفتن تابوت نمادین شرکت هپکو و راهپیمایی به مرکز شهر اراک و سپس سازمان تامین اجتماعی پرداختند.

در قزوین بازنشسته ای از بی ادبی رییس تامین اجتماعی و که با بی اعتنایی با این تجمعات برخورد می کند گفت و اعلام کرد که ایشان به جای پاسخگویی به نیروی انتظامی زنگ می زند.

در یزد نامه ای به امضای تجمع کنندگان به مدیرکل تامین اجتماعی یزد نوشته و خواستار رفع مشکلات معیشتی و درمانی بازنشستگان شدند.

تجمعات در ساعت 12 خاتمه یافت.

کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

3 گزارشی از تجمع پرشور بازنشستگان، سوم اسفند ماه، طبق فراخوان سراسری گروهها و تشکلهای مستقل!

دست مریزاد به بازنشستگان که نه تهدیهها و نه کرونا و نه سیاستهای تفرقه اندازانه مانعی برایشان نیست!

در سوم اسفند در بسیاری از شهرهای تهران به گرد هم آمدیم تا فریاد بزنیم

"گرانی، تورم/ بلای جان مردم

مجلس، دولت/ نیستند به فکر ملت

نابود شد این شستا/ بدست مافیا

دولت جنایت میکند/ مجلس حمایت میکند

فقط کف خیابون/ بدست میاد حقمون"

در تهران هم صدها بازنشسته در مقابل سازمان تامین اجتماعی با سر دادن شعار و با مشت های کوبنده نشان دادند که تا آخرین نفس برای رهایی از اینهمه تبعیض و رنج خواهند ایستاد.

بارها پیشنهاد شد که نمایندگان بازنشستگان ب داخل سازمان رفته و با مسئولینی که حتی به خود زحمت حضور در بین بازنشستگان را نمیدهند، گفتگو کنند .

اما با فریاد " ما نماینده نداریم " روبرو شدند.

جمعیت شعار میداد " مسئول بی لیاقت ، استعفا، استعفا"

بازنشستگان با این شعار اعلام کردند که وعده های پوچ و ترفندهای زمانسوز را می شناسند .

"کشور ما رو گنجه؛ بازنشسته در رنجه

کشتی بازنشسته، چرا به گل نشسته؟"

لباس شخصیه و ماموران انتظامی پیرامون جمعیت بودند و عکس می گرفتند.

یکی از بازنشستگان با یک جوان لباس شخصی که مرتب از چهره ها عکس می گرفت ، درگیر شد ولی با مداخله دیگر بازنشستگان به قائله خاتمه داده شد. جمعیت می گفتند بگذار تا میتوانند از ما عکس بگیرند ، ما الان هم در زندان هستیم!

تجمع با اعلام مجدد خواسته ها و با اعلام اینکه " تا حق خود نگیریم / آروم نمیشینیم، به پایان رسید.
یک بازنشسته

+شعارها:

- تاحق خود نگیریم از پای نمی نشینیم
- نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت
- فقط کف خیابون بدست میاد حقمون
- حقوق های نجومی فلاکت عمومی
- فریاد فریاد از اینهمه بیداد
- حقوق ما ریالیه هزینه ها دلاریه
- خواسته بازنشسته حقوق طبق تورم
- دست های ما خالیه وضع شما عالیه
- گرانی تورم بیکاری بلای جان مردم
- صندوق بازنشسته سرقت دزدان گشته
- نابود شد این شستا بدست مافیا
- مسئول بی لیاقت استعفا استعفا
- کشور ما رو گنجه بازنشسته در رنجه
- کشتی بازنشسته چرا به گل نشسته

+گزارشات رسانه ای شده:

1.تجمع اعتراضی بازنشستگان برای پنجمین بار در تبریز!

جمعی از بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی امروز برای پنجمین بار متوالی مقابل استانداری آذربایجان شرقی تجمع اعتراضی برپا کردند.



در این تجمع که طیف های مختلفی از مقرری بگیران این سازمان حضور داشتند؛ معترضان خواستار پاسخگویی و رسیدگی به مطالبات شان از سوی مسئولان امر شدند.

تعدادی از معترضان حاضر در این تجمع اعتراضی افزودند: این حقوق ناچیزی که سازمان تامین اجتماعی به عنوان حقوق بازنشستگی به ما می دهد، به هیچ عنوان کفاف زندگی مان را نمی دهد؛ با این تورم و گرانی و این همه افزایش قیمت ها، حقوقمان همچنان ثابت مانده است.

آنان معتقدند: بعد از این همه خدمت به دولت، این انصاف نیست که آخر سر حقوق به این ناچیزی را به ما بدهند. ما زن و بچه داریم، دختر دم بخت داریم و هزار مشکل و هزینه دیگر. این پنجمین بار متوالی است که برای افزایش حقوقمان تجمع می کنیم، ولی متاسفانه ترتیب اثر داده نمی شود!

2- تجمع بازنشستگان مقابل سازمان و ادارات تامین اجتماعی/ ترمیم همه جانبه قدرت خرید؛ خواسته اصلی معترضان

بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی از دقایقی پیش مقابل در تهران مقابل سازمان تامین اجتماعی و در شهرستان ها مقابل ادارات تامین اجتماعی جمع شدند.

بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی بار دیگر تجمع کردند.

مانند تجمع های ماه های گذشته آن ها خواهان ترمیم همه جانبه قدرت خرید خود متناسب با ماده 96 قانون تامین اجتماعی هستند و از مقام های این نهاد عمومی غیردولتی می خواهند که در سال جاری مبلغ متناسب سازی حقوق آن ها را ترمیم کند.

به گفته معترضان؛ تقلیل همسان‌سازی به متناسب سازی، یکی از مهمترین دغدغه‌های آنهاست که در روزهای منتهی به سال جدید آزاردهنده است.

معترضان در همین حال خواهان اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان مشاغل سخت و زیان آور متناسب با 30 سال بیمه‌پردازی (20 سال مشاغل سخت و زیان آور و 10 سال سنوات ارفاقی) و بازگرداندن سرمایه‌های شستا به سازمان تامین اجتماعی هستند.

***تجمع اعتراضی بازنشستگان صندوق فولاد نسبت به وعده های توخالی مقابل مجلس**

روزیکنشبه 3 اسفند، جمعی از بازنشستگان صندوق فولاد برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به وعده های توخالی مقابل مجلس تجمع کردند.



بنابه گزارش رسانه ای شده، تعدادی از بازنشستگان صندوق فولاد امروز (3 اسفند) باحضور مقابل مجلس شورای اسلامی خواستار رسیدگی به مطالبات خود و اجرایی شدن مصوبات اخیر خود که در سازمان برنامه و بودجه داشتند، از سوی نمایندگان شدند.

یادآوری: اخیراً جمعی از نمایندگان بازنشستگان صندوق فولاد باحضور در سازمان برنامه و بودجه با مسئولان این سازمان دیدار و درباره مطالبات خود گفتگو کردند و پیشنهادهایی نیز در این جلسه مصوب شده است.

این جلسه در تاریخ 99/11/27 با حضور 9 نفر از نمایندگان کانون های بازنشستگان صندوق کارکنان فولاد در محل سازمان برنامه و بودجه کشور برگزار شده است که پس از بحث و بررسی، نظرات و پیشنهادات مشترک بازنشستگان به شرح زیر بوده است:

1- در صورتی که کلیه خدمات مندرج در مصوبه هیئت وزیران به تاریخ 1378/10/12 موضوع آیین نامه استخدامی فولاد و دستورالعملهای اجرایی آن از جمله حقوق، مستمري، درمان، بیمه عمر و حوادث، رفاهیات و مطالبات و ... به طور کامل به بازنشستگان ارائه گردد و استقلال صندوق حفظ شود، تصمیم گیری در خصوص انتقال دارایی های مالی اعم از بورسی، املاک و مستغلات و سایر داراییهای صندوق به عهده دولت است.

با توجه به مفاد آیین نامه فوق الذکر و اصلاح احکام حقوقی بازنشستگان، سازمان برنامه و بودجه کشور نسبت به تأمین اعتبار لازم در جدول 7 قانون بودجه کشور اقدام می نماید. اجرای این نیز منوط به تحقق مفاد بند 1 خواهد بود.

***تجمع کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان برای احقاق حقوق برحقشان مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی**

روزيكشنبه 3 اسفند، جمعی از کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان برای احقاق حقوق برحقشان دست به تجمع مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی زدند.



براساس گزارش رسانه ای شده، عمده خواسته این بازنشستگان پرداخت به موقع حقوق، درمان، بیمه عمر و حوادث و خدمات است.

از دیگر خواسته های بازنشستگان فولاد و ذوب آهن، اصلاح احکام همسان سازی بازنشسته فولاد مطابق با تورم و نه معادل سازی با کمترین های صندوق کشوری، نه به واگذاری سرمایه های صندوق های بازنشستگی و نظارت بر مصوبات مجلس و دولت در صندوق فولاد بود.

خاطر نشان می شود که هفته گذشته در دیدار با مسئولان سازمان برنامه و بودجه مقرر شد دولت براساس اموال صندوق بازنشستگان فولاد، برخی بندهای بودجه سال 1400 مربوط به احکام همسان سازی بازنشستگان فولاد مبارکه و ذوب آهن را اصلاح کند که این امر محقق نشد.

***ادامه اعتراضات آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی نسبت به عدم تبدیل وضعیت با برپایی تجمعی دیگر مقابل مجلس**

روز یکشنبه 3 اسفند همزمان با بررسی جزییات لایحه بودجه 1400، آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت برای باری دیگر مقابل مجلس اجتماع کردند.

تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی از سال 1392 به بعد در مورد وضعیت استخدامی شان بلاتکلیف هستند .

***پنجمین تجمع اعتراضی معلمان غیرانتفاعی سراسر کشور نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل مجلس**

روز یکشنبه 3 اسفند برای پنجمین بار، معلمان غیرانتفاعی سراسر کشور برای اعتراض نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل مجلس تجمع کردند.



***تجمع اعتراضی نیروهای خدماتی مدارس کشور نسبت به سطح نازل حقوق مقابل مجلس برای باری دیگر**

روز یکشنبه 3 اسفند برای باری دیگر، نیروهای خدماتی مدارس کشور برای اعتراض نسبت به سطح نازل حقوق مقابل مجلس تجمع کردند.



تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: باباهای مدارس بدون بهرمندی از مزایایی همچون فوق العاده شغل، اضافه کار و حقوق مکفی در حال فعالیت هستند و 16 هزار نفر از نیروهای خدماتی مدارس، 10 سالی می شود که به صورت قراردادی با حقوق 2 میلیون و 800 هزار تومان مشغول به کار هستند و در شرایط دشوار اقتصادی، اداره زندگی با این حقوق اندک دشوار است.

تعدادی از آنها افزودند: بدون اضافه کار در دو مدرسه مشغول به کار هستند، از سوی دیگر مزایایی مانند فوق العاده ویژه که شامل حال سایر کارکنان مدرسه شده است، مشمول حال سرایداران و خدمتگزاران نمی شود.

***تجمع اعتراضی معلمان حق التدریس و قراردادی کشور نسبت به آزمون اصلح مقابل مجلس**

روز یکشنبه 3 اسفند، جمعی از معلمان حق التدریس و قراردادی کشور برای اعتراض نسبت به آزمون اصلح (تعیین صلاحیت معلمی) توسط آموزش و پرورش دست به تجمع مقابل مجلس زدند.

برپایه گزارش منتشره در شبکه های اجتماعی، اعتراض این معلمان به نحوه استخدام و تبعیض های ناشی از آن است.

شعار این معلمان در تجمع: اگر اصلح نبودیم سر کلاس نبودیم

قابل یادآوری است که چند سالی است که آموزش و پرورش آزمون اصلح (تعیین صلاحیت معلمی) را برای معلمان حق التدریس و قراردادی برگزار می کند.

آزمون اصلح پس از گزینش عقیدتی معلم، برگزار میشود و برخلاف آنچه که گفته می شود منابع و سوالات آن استاندارد نیست.

***اعتصاب دوباره معلمان حق التدریس برخی از مناطق تهران و شهرستان ها در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و وعده های پوچ**

جمعی از معلم های حق التدریس برخی از مناطق تهران و شهرستان ها برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و حقوق حق التدریس خود و وعده های پوچ بار دیگر کلاس های شاد را تعطیل کردند.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 3 اسفند، معلمان حق التدریسی مدتی است به دلیل عدم پرداخت حقوق به موقع با مشکلات بسیاری مواجه هستند. با توجه به شیوع بیماری کرونا و تعطیلی مدارس؛ معلمان از طریق اپلیکیشن شاد که از سوی وزارت آموزش و پرورش طراحی شده تلاش کردند با استفاده از فضای مجازی کلاس های درس را پا بر جا نگه دارند.

بیش از یک سال از عمر بیماری کرونا می گذرد و هرگز معلمان در این مدت سخت لحظه ای کلاس های درس را تعطیل نکردند. اما مدتی است که حقوق معلمان حق التدریسی پرداخت نمی شود. بسیاری از آنها برای معیشت خود با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کنند. با توجه به فشار تورم و گرانی که در کشور وجود دارد، دولت هم در این زمینه اقدامی انجام نمی دهد. عدم پرداخت حقوق معلمان و حق التدریسان در شرایط کنونی می تواند مشکلات بسیاری برای آنها به وجود آورد.

اکثر معلمان حق التدریسی دارای خانواده هستند و برای هزینه های زندگی و اجاره خانه با مشکلات بسیاری مواجه هستند. آموزش و پرورش به جای آنکه از آنها بابت این فداکاری ها که در این روزهای سخت؛ منزل خود را به مدرسه تبدیل کردند تا آیندگان این سرزمین با آموزش بتواند فردای بهتری را بسازند؛ تشکر کند فضا را برای آنها سخت کرد و چشمان خود را بر روی تمامی مشکلات آنها بست.

خاطرنشان می شود که در تاریخ 18 بهمن ماه سال جاری، جمعی از معلمان حق التدریسی سراسر کشور در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست از کار کشیدند. بعد از مدتی معلمان حق التدریسی با هزار وعده به فضای تدریس بازگشتند و به کار خود ادامه دادند اما به دلیل عدم اجرای وعده های مسئولان بار دیگر دست از تدریس برداشتند و بسیاری از دانش آموزان به ویژه مناطق 9 و 10 تهران با مشکلات بسیاری مواجه هستند.

در همین رابطه: اعتصاب معلمان حق التدریس مناطق 9 و 10 تهران و تعطیل کردن کلاس های آموزش مجازی در اعتراض به عدم پرداخت یک سال حق التدریس

جمعی از معلمان حق التدریس تهران از جمله مناطق 9 و 10 برای اعتراض به عدم پرداخت یک سال حق التدریسشان دست به اعتصاب زدند و کلاس های آموزش مجازی را تعطیل کردند.

برپایه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 18 بهمن بنقل از اعضا انجمن اولیا و مربیان این مدارس ، عده ای از اولیا برای پایان دادن به این بلاتکلیفی بارها به مدارس و اداره رفته و تماس های مکرر داشته اند اما هنوز آنلاین نشدن معلمان و سردرگمی دانش آموزان ادامه دارد.

مسئولین این مدارس نیز گفتند: عدم پرداخت یک سال حق التدریس به معلمان ، از اسفند 98 تا کنون موجب بروز این نابسامانی شده و وزارت آموزش و پرورش بهتر است نسبت به حل این معضل اقدام کند.

***ادامه اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اراک نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی با راهپیمایی، تجمع و حمل نمادین تابوت آرم شرکت در شهر اراک**

روزیکشنبه 3 اسفند، کارگران کارخانه هیکو اراک در ادامه اعتراضاتشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده های توخالی دست به راهپیمایی، تجمع و حمل نمادین تابوت آرم شرکت در خیابان های شهر اراک از جمله حوالی اداره کل تامین اجتماعی زدند.





این کارگران با بیان اینکه به هیچ کدام از وعده‌ها عمل نکرده‌اند؛ مسئولان را در عدم حل مشکل بدهی‌ها و رونق نگرفتن تولید مقصر می‌دانند و به خبرنگار رسانه ای گفتند: رایزنی‌ها و مطالبه‌گری‌های ما در ماه‌ها و هفته‌های اخیر به جایی نرسیده است؛ همچنان همه قفل‌ها مسدود است و مشکل بدهی‌ها حل نشده است؛ حتی سفر نمایندگان ما به تهران و برگزاری جلسات با مسئولان امر نیز منتج به نتیجه نشده است. این کارگران معترض افزودند: از برج ده حقوق نگرفته‌ایم؛ قبل از آن هم مزایای مزدی به ما نپرداختند؛ نگران آینده تولید هستیم و از بدعهدی‌ها به ستوه آمده‌ایم!

***دومین روز اعتصاب و تجمع صدها کارگر پروژه ای پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات**

روز یکشنبه 3 اسفند برای دومین روز متوالی، صدها کارگر پروژه ای پالایشگاه آبادان (شرکت های پیمانکاری اکسیر صنعت، سکاف و آبادراهان) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات از رفتن بر سر کارشان خودداری کرده و در محوطه این پالایشگاه تجمع کردند.

به گزارش کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، 400 کارگر پروژه ای شرکت های اکسیر صنعت، سکاف، آبادراهان از دیروز برای دریافت عیدی و مزایا و همچنین حقوق دی ماه و بهمن ماه در محوطه پالایشگاه دست به اعتصاب زدند که تا هم اکنون ادامه دارد.

***ادامه اعتراضات کارگران پروژه ای پتروشیمی ایلام نسبت به شیونامه جذب با برپایی تجمع مقابل شرکت**

روز یکشنبه 3 اسفند، جمعی از کارگران پروژه‌های پتروشیمی ایلام در ادامه اعتراضاتشان نسبت به شیوه‌نامه جذب دست به تجمع مقابل این شرکت زدند.



براساس گزارش رسانه ای شده، کارگران پروژه‌های خواهان اصلاح وضعیت جذب خود به عنوان کارگر قراردادی هستند و می‌گویند که این شیوه نامه باید شرایط ورود آن‌ها را تسهیل کند.

تعداد معترضان حدود 100 نفر بود. بیشتر آن‌ها اهالی شهرستان «چوار» هستند؛ شهرستانی که همجوار با محل این استقرار تاسیسات این شرکت است. این گروه از کارگران به صورت 15 روزه به عنوان جوشکار و فیتز (نیروی فنی) در مجتمع الفین این شرکت مشغول به کار هستند. آن‌ها می‌گویند که بر اساس قانون نفت، ساکنان مناطق همجوار صنایع باید در اولویت جذب باشند.

به گفته‌ی معترضان مطابق شیوه نامه‌ی جدید، تنها آن گروه از کارگران جذب می‌شوند که در 6 ماه اول سال 99، حداقل 1 ماه سابقه بیمه‌پردازی داشته باشند؛ در حالی که کار به شکل پروژه‌ای انجام می‌شود و بسیاری از آن‌ها در بازه‌ی زمانی مدنظر در محل کار حضور نداشتند.

حضور کارگران پروژه‌ای در محل کار، بر اساس درخواست واحدهای مربوطه انجام می‌شود اما عرفاً کارگران باید 15 روز از ماه را در محل کار حاضر باشند و 15 روز دیگر را استراحت کنند یا برای خود شغل دیگری مهیا کنند.

به گفته‌ی معترضان در شیوه نامه‌ی جدید حدود 300 نفر جذب می‌شوند که اگر بنابر جذب بومیان واجد شرایط باشد، از این تعداد حدود 100 نفر بومیانی هستند که از 10 تا 15 سال پیش در این شرکت مشغول به کار بودند و به نوعی از بانیان تاسیس این شرکت، محسوب می‌شوند.

کارگران پروژه‌ای پتروشیمی ایلام در همین حال می‌گویند: «به دلیل اینکه از هفته‌های گذشته اعتراض خود را آغاز کرده‌اند، شرکت گروهی کارگر را از استان‌های همجوار ایلام به عنوان جایگزین آن‌ها به استان آورده است».

***تجمع اعتراضی جمعی از بازاریان آبادان نسبت به بلاتکلیفی معیشتی و عدم حمایت دولت در پی تعطیلی کرونایی مقابل فرمانداری آبادان**

روز یکشنبه 3 اسفند، جمعی از بازاریان آبادان نسبت به بلاتکلیفی معیشتی و عدم حمایت دولت در پی تعطیلی محل کارشان در راستای مقابله با بیماری کووید 19 مقابل فرمانداری آبادان اجتماع کردند.

براساس گزارشات رسانه ای، هم اکنون شهرهای آبادان و خرمشهر و چندین شهر دیگر خوزستان در وضعیت قرمز کرونایی از نوع انگلیسی قرار دارند و روزانه بیش از 100 نفر روانه بیمارستان می‌شوند.

وضعیت خوزستان از نظر شیوع کرونا این روزها قرمز است به گونه ای که شیوع کرونا از نوع جهش یافته و انگلیسی نگرانی های زیادی را در سطح منطقه بوجود آورده است و یازده شهر این استان در وضعیت قرمز بسر می‌برند.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 2 اسفند ماه 1399

فراخوان تجمع سراسری کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی

زمان: یکشنبه 3 اسفند ماه 99 - ساعت 10 و 30 دقیقه

اماکن :

تهران: مقابل سازمان تامین اجتماعی

شهرستان ها: مقابل اداره تامین اجتماعی

- تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته زنجان نسبت به سطح نازل حقوق مقابل استاندار

خط فقر 9 میلیون تومان - حقوق 3 میلیون تومان

- فراخوان کارگران راه آهن لرستان برای اعتصاب سراسری برای احقاق حقوق برحقشان

- تجمع اعتراضی اهالی زلزله زده سی سخت همزمان با سفر بازدید رییس

- تجمع اعتراضی جمعی از اهالی کردستان مقابل استانداری همزمان با سفر جهانگیری

- لگد مال شدن حقوق کارگران شرکت ایران افق دهلران (میدان نفتی چشمه خوش ، پایدار غرب و آبان)
(زیر سکوت مصلحتی مسئولان

- صدای دادخواهی جمعی از زندانیان سیاسی و عقیدتی

- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بمناسبت دوم اسفند روز زبان مادری

- تجمع اعتراضی جمعی از اعضای انجمن فرهنگی نوژین نسبت به حکم 5 سال حبس تعزیری زارا محمدی مقابل دادگستری سنندج

- اهالی چولاب کوچصفهان با برپایی تجمع مانع برداشت شن از جزیره گردشگری این روستا شدند

- تجمع اعتراضی جمعی از اهالی چاه بهار نسبت به مصادره زمین هایشان برای احداث مجتمع فولاد

- جان باختن یک کارگر جوشکار در کرج در پی سقوط از ارتفاع

- جان باختن یک کارگر در یزد بر اثر ریزش سقف ساختمانی

***تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته زنجان نسبت به سطح نازل حقوق مقابل استاندارد**

خط فقر 9 میلیون تومان - حقوق 3 میلیون تومان

جمعی از کارگران بازنشسته استان زنجان با برپایی تجمع مقابل استانداری اعتراضشان را نسبت به سطح نازل حقوق بنمایش گذاشتند.



روز شنبه 2 اسفند، حاضران در تجمع با بیان اینکه براساس آخرین برآوردها، خط فقر حداقل ۹ میلیون تومان است، به خبرنگار رسانه ای گفتند: چطور باید با حقوق سه میلیون تومانی زندگی کنیم؟

***فراخوان کارگران راه آهن لرستان برای اعتصاب سراسری برای احقاق حقوق برحقشان**

روز شنبه 2 اسفند، کارگران راه آهن لرستان (شرکت ترانس) برای احقاق حقوق برحقشان فراخوانی برای اعتصاب سراسری منتشر کردند.

متن این فراخوان بشرح زیر است:

دوستان برای رسیدن به این هدف اول باید همه دوستان مشکلات شخصی و داخلی خودشون رو کنار بزارن یعنی دیگه فعلا کاری نداشته باشن کی رئیسه کی سواره کی پیاده . هدف همگی در اعتصاب سراسری خط موارد زیر باشه :

۱- تجمیع همه نواحی بصورت یک شرکت واحد (مثل پویان نوین سبز که شرکت مرکزی بهره برداری هست)

۲- دریافت تمام بندهای قرارداد شامل حق جذب ،اضافه کار (حداقل ۴۸ ساعت) و همه بندهای قرارداد

۳-دریافت لباس کار بصورت مستمر و قانونی بدون وقفه

۴- دریافت بن های مربوطه شامل بن لباس (عیدانه)، بن ماه مبارک رمضان ، کارت هدیه روز زن برای متاهلین ، بن خرید کالا (یعنی هرچی بقیه ادارات گرفتن ما هم بگیریم)

۵- دریافت حقوق بصورت کامل (نه بصورت ۵۰ درصد که مشخص نیست چطوری داری حقوق میگیری) آنهم در یک تاریخ مشخص نه دلبخواهی

۶- دادن گروه شغلی و افزایش مستمر آن بعد ۴ سال

۷- تمدید بیمه بصورت ماهیانه و بستن قرارداد با بیمه های تکمیلی معتبر مثل بیمه ملت و غیره

***تجمع اعتراضی اهالی زلزله زده سی سخت همزمان با سفر و بازدید ریسی**

روز شنبه ۲ اسفند همزمان با سفر و بازدید ریسی، جمعی از اهالی زلزله زده سی سخت برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت عدم توزیع امکانات مناسب از جمله کمبود چادر جهت اسکان موقت دست به تجمع زدند.

یکی دیگر از دلایل اعتراض تجمع کنندگان آمار تعداد خانه های تخریبی اعلام شده توسط دستگاه های اجرایی است که بجای ۳۰۰۰ خانه تخریب شده ۴۰۰ واحد مسکونی اعلام شده است.

***تجمع اعتراضی جمعی از اهالی کردستان مقابل استانداری همزمان با سفر جهانگیری**

روز شنبه ۲ اسفند همزمان با سفر جهانگیری معاون اول رئیس جمهور به کردستان، جمعی از اهالی این استان برای بنمایش گذاشتن اعتراضاتشان در عرصه های مختلف دست به تجمع مقابل استانداری در شهرستان سنندج زدند.





*لگد مال شدن حقوق کارگران شرکت ایران افق دهلران (میدان نفتی چشمه خوش ، پایدار غرب و آبان
 وزیر سکوت مصلحتی مسئولان

لگد مال شدن حقوق کارگران شرکت ایران افق دهلران (میدان نفتی چشمه خوش ، پایدار غرب و آبان) زیر سکوت مصلحتی مسئولان کماکان ادامه دارد.

برپایه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 2 اسفند، عدم نظارت دقیق مسئولان بر تخلفات شرکت ایران افق در شهرستان دهلران (میدان نفتی چشمه خوش ، پایدار غرب و آبان) در راستای نادیده گرفتن حق و حقوق کارگران از سوی مسئولان این شرکت ، نامشخص بودن وضعیت قرارداد و فراهم نشدن سرویس ایاب ذهاب از مطالبات کارگران بومی از شرکت ایران افق است.

عدم اجرای دستورالعمل اجرائی طرح های طبقه بندی مشاغل موضوع ماده (7) آیین نامه اجرایی تهیه طرح طبقه بندی مشاغل کارگاه ها موضوع تبصره یک ماده 49 قانون کار (بخشنامه شماره 232/7 مورخ 26/7/1390 وزارت کار و امور اجتماعی) نیز از سوی شرکت ایران افق نادیده گرفته شده است

آنچه که کاملاً در شرکت های فعال دهلران مشهود است؛ برخی شرکت ها برای سرپوش گذاشتن بر تخلفات آشکار خود ، اختصاص سهمیه به مسئولان در حوزه های مختلف است تا به ابزاری برای سرپوش گذاشتن تخلفات شرکت شود . این خود ظلم آشکاری است که باید مسئولان بدان اهتمام جدی ورزیده و در برابر تخلف شرکت ها در راستای احقاق حق کارگران سکوت نکنند.

بنابراین گزارشات، حدود یک سال است که یک شرکت روسی بخشی از میدان نفتی چشمه خوش ، پایدار غرب و آبان در راستای افزایش بهره برداری از این میدان را از شرکت ملی نفت تحویل گرفته است. این شرکت به عنوان کارفرما این پیمان را به شرکت ایران افق به عنوان پیمانکار واگذار کرده است.

***صدای دادخواهی جمعی از زندانیان سیاسی و عقیدتی**

بیانیه ی بیش از ۹۰ تن از زندانیان سیاسی و عقیدتی

صدای دادخواهی ما را بشنوید

طبق آخرین خبرها، بهنام محجوبی، زندانی عقیدتی با سطح هوشیاری بسیار پایین در اغما به سر می برد. او در سال ۱۳۹۶ به اتهام شرکت در یکی از تجمع های درویش بازداشت و چندی بعد در دادگاه به دو سال حبس محکوم شد. بهنام دچار بیماری "پانیک اتک" هست و هنگامی که در خرداد امسال برای اجرای حکم به زندان احضار شد، با این بیماری دست به گریبان بود. در دوران حبس بیماریش تشدید شد، طوری که بنابر اعلام پزشکی قانونی، قادر به تحمل حبس نبود. اما مجریان سیاست انتقام جویی و آزار زندانیان سیاسی و عقیدتی نظر پزشکی قانونی را به هیچ انگاشتند و همچنان او را در زندان نگاه داشتند. بهنام در همه ماه های حبس در راه و نیمراه بند و بهداری زندان بود و با عوارض بیماری و دشواری های تامین دارو و بی دارویی دست و پنجه نرم می کرد و گرفتار سیستم پزشکی و درمان ناکارآمد و بی توجه زندان بود. سرانجام در نیمه شب ۲۴ بهمن، پس از آن که حالش وخیم می شود، همبندی هایش او را به بهداری می برند و...

اکنون او در بیمارستان به زندگی نباتی فرو رفته است؛ یعنی فرو برده اندش! جان جوانش را بر لبه پرتگاه نیستی آونگ کرده اند تا سیستمی بر سر کار بماند که از آغاز جز تحمیل خفقان و فقر و فلاکت بر مردم و ستم مضاعف بر زندانیان و تامین منافع قشری زراندوز، کاری نکرده است.

بهنام را آن سیستمی به زندگی نباتی کشاند که استفاده مردم از حق آزادی بیان را جرم می‌داند و زندان‌ها را از مردان و زنان منتقد، معترض و مخالف انباشته است.

بهنام را آن قوانین و مقرراتی تا دم مرگ برده است که در هیچ یک از مراحل تشکیل پرونده، دادرسی، دادگاه و اجرای حکم ذره‌ای عدالت وجود ندارد؛ قوانین و مقررات و مجریانی که رویکردشان بر له کردن شخصیت زندانی، به زانو درآوردن او و تنبیه و آزار وی و خانواده‌اش استوار است.

بهنام در زندانی ذره ذره جسم و روانش کاهیده و همسایه مرگ شد که از حداقل‌ها و مناسبات لازم برای زندگی انسانی برخوردار نبوده است و هر جز آن با سلامت جسم و روان زندانی سر ستیز دارد.

بهنام نخستین قربانی این شرایط ظالمانه نبوده و چنانچه این وضع ادامه یابد، آخرین آن نیز خواهد بود. کم نیستند کسانی که هم‌اکنون با وضع مشابه بهنام در زندان به سر می‌برند و هیچ گوشی شنوای فریاد دادخواهیشان نیست. امروز بهنام می‌توانست سرزنده در کنار خانواده و عزیزانش باشد، اگر صدای دادخواهیش شنیده می‌شد.

ما زندانیان امضا کننده این بیانیه، شاهدان مستقیم رنج‌ها و شرایط دهشتناک زندان، توجه همه انسان‌های شریف و آزاداندیش، وجدان‌های بیدار و سازمان‌ها و نهادهای مدافع حقوق بشر در ایران و جهان را به این بی‌دادها جلب می‌کنیم و خواهان شناسایی و محاکمه کسانی هستیم که موجب وضعیت فعلی بهنام محجوبی شده‌اند.

خواهان تغییر قوانین، مقررات و شرایط ضد انسانی حاکم بر زندان‌ها هستیم و اولین گام را آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی می‌دانیم.

اسامی امضاکنندگان:

زندان اوین: بکتاش آبتین، سید افخم ابراهیمی، سعید افسری، محسن اسفندانی، کیانوش اصلانی، سعید اقبالی، کیوان باژن، کسری بنی‌عامریان، وحید بنی‌عامران، سینا بهشتی، پیمان پورداد، آنتین جعفریان، رسول جلیل‌پور، یاسین جمالی، عباس چطرروز، معین حاجی‌زاده، علی حسن بیگی، مجید حسینی‌نژاد، علی اصغر حسینی‌راد، روح‌الله خزعلی، مصطفی خسرو باوادی، محمدجواد خلاصی، رضا خندان(مهابادی)، مهدی دارینی، امیرسالار داوودی، فرزین رضایی‌روشن، داوود رمضان‌زاده، مسیب ریسی یگانه، سیدحمید سجادی، بهروز سلطان‌رو، عباس سوهانی، سیدجواد سیدی، محمد شجاعی‌فر، حمید شریف، سجاد شکری، میلاد شهدی، پوریا شهرابی توفیق، خسرو صادقی بروجنی، غلامحسین صارمی، علی اکبر صحرایی، کیوان صمیمی، محمدسعید صمیمی، سینا ظهیری، صادق عباسی، اسماعیل عبدی، کریم عزیزمحمدی، محمود علی‌نقی، ابولفضل غسالی، محمد غیاثوند، احمد فارسی، محسن قنبری، حسین گرمودی، جواد لاری، نصرالله لشنی، امیررضا محمدی، میلاد محمدی، علی مجیدی‌نژاد، عبدالرسول مرتضوی، حمید منافی، سید ابوالحسن منتظر، پوریا مضروب، امیرحسین میرخلیلی، سیامک میرزایی، شهاب‌الدین نظری، رحیم نوروزی، کسری نوری، حسین هاشمی، بهزاد همایونی، رمضان همتی، سعید یاری‌یگانه، احمد یزدانی

زندان رجایی‌شهر: مطلب احمدیان، محمد امیرخیزی، آرشام رضایی، حمزه سواری، آرش صادقی، حسن صادقی، جعفر عظیم‌زاده، سعید ماسوری، رضا محمدحسینی، مهدی مسکین نواز، بهنام موسیوند، علی موسی‌نژاد فرکوش، فرهاد میثمی، آرش نصری

زندان تهران بزرگ: شاهپور احسانی راد، عباس دهقان، محمد شریفی‌مقدم، کیانوش عباس‌زاده، مصطفی عبدیپ، ویا قبادی

زندان عادل‌آباد شیراز: محمد داوری، سجاد زارع

برگرفته از کانال کانون نویسندگان ایران

***بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بمناسبت دوم اسفند روز زبان مادری**

از سال ۲۰۰۰ یونسکو به منظور بزرگداشت و حفاظت از تنوع زبانی و فرهنگی هر ساله ۲ اسفند (۲۱ فوریه) را به نام روز جهانی زبان مادری نامگذاری کرده است. اهمیت این روز از آن جهت است که بنابر آمارهای جهانی در حال حاضر ۴۳ درصد از زبان‌های دنیا در معرض خطر نابودی قرار دارند. علاوه بر این تحقیقات مربوط به یونسکو نشان می‌دهد که آموزش به زبان مادری در مراحل ابتدایی منجر به موفقیت بیشتر کودکان در یادگیری در مدارس و مشارکت بیشتر والدین در امر بهبود کیفیت آموزشی می‌شود. این مهم تا بدانجا است که یونسکو آموزش به زبان مادری در دوره آموزش عمومی را یکی از پیش شرط‌های مبارزه با بیسوادی تلقی و تعقیب می‌کند. جامعه بین‌الملل نیز اهمیت و ضرورت آموزش زبان مادری را به درستی پذیرفته و آن را به عنوان یک حق اساسی بشری به رسمیت شناخته است. به طوری که در چندین معاهده و اعلامیه تهیه شده از سوی مراجع بین‌المللی، ضمن تصریح به حقوق اشخاص در آموزش زبان مادری خود تعهدات مثبت و منفی دولت‌ها نیز در شناسایی این حق مورد تاکید قرار گرفته است.

ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده ۴ اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، ملی، مذهبی و زبانی مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده ۵۲ اعلامیه جهانی حقوق زبانی مصوب سال ۱۹۹۶ و منشور زبان مادری سازمان یونسکو از جمله این معاهدات بین‌المللی هستند، که در آن دولت‌های عضو صراحتاً موظف شده‌اند که برای تقویت و آموزش زبان مادری قومیت‌ها و ملیت‌های خود، کلیه منابع، مواد و وسایل لازم را تولید و توزیع نمایند. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل متحد، موظف به پیگیری و اجرای این معاهدات است. علاوه بر این اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی کاملاً شفاف و صریح در این خصوص مقرر داشته است:

"...استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است."

لذا شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن تبریک روز جهانی زبان مادری به همه اقوام ایرانی، وظیفه خود می‌داند که بر حق آموزش به زبان مادری تاکید کند. چرا که این امر را لازمه تقاهم فرهنگی میان همه اقوام حاضر در این سرزمین دانسته و تاکید می‌کند که احساس تعلق خاطر سرزمینی و همبستگی ملی جز با اشاعه برابری فرهنگی میان همه اقوام ایرانی بدست نمی‌آید، و احترام به زبان مادری همه اقوام ایرانی از پیش‌شرط‌های برابری فرهنگی است.

***تجمع اعتراضی جمعی از اعضای انجمن فرهنگی نوژین نسبت به حکم 5 سال حبس تعزیری زارا محمدی مقابل دادگستری سنندج**

روز شنبه 2 اسفند، جمعی از اعضای انجمن فرهنگی نوژین برای اعتراض به حکم 5 سال حبس تعزیری زارا محمدی مقابل دادگستری سنندج تجمع کردند.

***اهالی چولاب کوچصفهان با برپایی تجمع مانع برداشت شن از جزیره گردشگری این روستا شدند**

صبح روز شنبه 2 اسفند، جمعی از اهالی چولاب بخش کوچصفهان با برپایی تجمع با بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به مجوز برداشت شن از محل جزیره گردشگری این روستا در استان گیلان مانع از کار لودر و برداشت شن شدند.



بنابه گزارشات منابع خبری محلی، این تجمع با وعده مسئولان برای توقف موقت برداشت، ساعتی پس از شروع خاتمه پیدا کرد اما علی رغم این وعده مسئولان، شرکت پیمانکار پس از خاتمه تجمع اقدام به آغاز مجدد برداشت شن از محل جزیره سپیدرود در روستای چولاب کرد که این موضوع باز هم با تجمع مجدد اهالی روستا در این محل انجامید و در نهایت مانع کار لودر و برداشت شن شدند.

اهالی این روستا گفتند: برای احداث محل تفریح و ورزش برای خانواده هایشان هزینه کرده اند و اجازه نمی دهند این محل با برداشت های غیر اصولی تخریب شود.

یکی از حاضران در تجمع با بیان اینکه در محلی که مسئولان به یک شرکت مجوز برداشت شن داده اند مردم اوقات فراغت خود را می گذرانند و برای رسیدن به این محل، جاده دسترسی و زمین فوتبال را با هزینه شخصی خودشان احداث کرده اند.

وی افزود: در صورت برداشت شن از محلی که از سوی محیط زیست مجوز برداشت داده شده است، با وقوع سیلاب، اراضی مستعدته فعلی که محل تفریح مردم است تخریب خواهد شد.

***تجمع اعتراضی جمعی از اهالی چاه بهار نسبت به مصدوره زمین هایشان برای احداث مجتمع فولاد**

روز جمعه اول اسفند، جمعی از اهالی منطقه کچو، گورانکش و پلانی شهرستان چابهار در استان سیستان و بلوچستان برای انعکاس صدای اعتراضات نسبت به مصادره زمین های کشاورزی و مسکونیشان برای احداث مجتمع فولاد دست به تجمع در محل مورد نظر زدند.



بنابه گزارش یک منبع خبری محلی، برای احداث این مجتمع فولاد، تقاضای نامه ای نیز بین سازمان منطقه آزاد چابهار و شرکت فولاد سترگ پارس شرق امضا شده است.

معترضان گفتند: احداث پروژه مجتمع فولاد با ظرفیت 10 میلیون تن، بدون در نظر گرفتن به فاصله حریم صنایع آلاینده، نقض حق زیست انسانی است.

آنها افزودند: مرجع تایید آلاینده صنایع، سازمان محیط زیست است، اما سازمان منطقه آزاد چابهار بدون مجوز زیست محیطی و نظر کارشناسی، زمین های کشاورزی و مسکونی مردم را به غیر واگذار کرده و در حال تدارک احداث مجتمع فولاد در این منطقه است.

آنها اضافه کردند: کشور های توسعه یافته به دلیل آلاینده های شدید صنایع فولاد به دنبال انتقال آنها از کشور و قاره های خود به نقاط دیگر هستند اما در ایران، ما به کدام سمت می رویم؟

***جان باختن یک کارگر جوشکار در کرج در پی سقوط از ارتفاع**

یک کارگر 40 ساله حین کار جوشکاری در طبقه ششم یک پروژه ساختمان سازی در شهر کرج از ارتفاع 42 متری به پایین سقوط کرده و جانش را از دست داد.

***جان باختن یک کارگر در یزد بر اثر ریزش سقف ساختمانی**

یک کارگر 58 ساله حین کار تعمیر ساختمان در یکی از محلات شهرستان یزد بر اثر ریزش سقف برویش جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 30 بهمن و اول اسفند ماه 1399

فراخوان تجمع سراسری کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی

زمان: یکشنبه 3 اسفند ماه 99 - ساعت 10 و 30 دقیقه

اماکن:

تهران: مقابل سازمان تامین اجتماعی

شهرستان ها: مقابل اداره تامین اجتماعی

- بازنشستگان و حيله ريش سفيدها

- دولت طلب صندوق بازنشستگان را پرداخت کند

- کنش های کارگران شهرداری های کشور در نیمه دوم بهمن ماه 99

- چرایی تجمعات اعتراضی کارگران پتروشیمی ایلام بروایت شرکت

- احضار علی نجاتی همکار بازنشسته ما محکوم است!

- بیانیه کانون صنفی معلمان به مناسبت ۲ اسفند روز جهانی زبان مادری

- مرگ و مصدومیت 6 کارگر کارخانه خوراک دام طیور بابل بر اثر انفجار دیگ بخار

- جان باختن یک کارگر معدن منگنز و نارچ قم زیر آوار

- مسمومیت 6 کارگر معدن زغال سنگ زمستان یورت آزاد شهر

- سوختگی 2 کارگر در حادثه آتش سوزی یک مغازه تراشکاری در شهر صومعه سرا

***بازنشستگان و حيله ريش سفيدها**

چندین ماه است که بازنشستگان، از کار افتادگان و بازماندگان تأمین اجتماعی خواسته های خود را در تجمعات خیابانی؛ مستقل و خودجوش فریاد میزنند. این تجمعات که در سراسر کشور انجام میشود، هر روز با استقبال بیشتری از بازنشستگان، از کار افتادگان و بازماندگان قرار میگیرند. اما در این رابطه خانه کارگر و کانونهای بازنشستگی هر روز بیشتر تلاش میکنند که در بین بازنشستگان تفرقه ایجاد کنند. خانه کارگر که در چهل سال گذشته هیچ قدمی برای کسب خواسته های بازنشستگان برنداشته و همواره بازوی حاکمیت در سرکوب اعتراضات کارگران بوده؛ در چند ماه گذشته برای تجمع بازنشستگان فراخوان داده!! اما تاریخ این فراخوانها کاملاً متفاوت با تاریخ فراخوانهای خودجوش بازنشستگان بوده است. خانه کارگر؛ هم میخواهد در بین بازنشستگان تفرقه ایجاد کند و هم دست آورد این تجمعات خودجوش را پای خود بنویسد. تلاشهای این نهاد حکومتی آنچنان بی ثمر گردیده است که در تجمعات مستقل بازنشستگان؛ عناصر آن تبلیغ فراخوان روز تجمع خود را میکنند!!!!!!

اخیراً که عناصر خانه کارگر به تلاش مذبوحانه خود پی برده اند، حال عده دیگری از آنها پیدا شده اند که میخواهند از در دیگری وارد شوند. این افراد خود را یار و دوست بازنشستگان مینامند و میخواهند بعنوان ریش سفید بین بازنشستگان مستقل و تجمعات فرمایشی خانه کارگر اتحاد!!! ایجاد کنند. آنها میگویند بهتر است تاریخ تجمع هر دو طرف در یک روز باشد. این افراد ریاکار مدعی میشوند که اگر بازنشستگان باهم باشند بهتر میتوانند حق و حقوق خود را بگیرند! و با چنین جمله بظاهر درست و قشنگ اما فریبکارانه میخواهند تجمعات خودجوش بازنشستگان را بزیر چتر خانه کارگر بکشانند و سرانجام این همه اعتراضات با ارزش بازنشستگان را در پای مسئولینی که سالهاست حقوق بازنشستگان را پایمال کرده اند؛ قربانی کنند. این ریش سفیدان در حقیقت گرگهایی هستند که در لباس میش خود را نشان میدهند.

طبیعتاً هستند افراد متزلزلی که منافع آنها حکم میکند که این استدلالهای آبکی را پذیرفته، پشت به بازنشستگان کرده، خیانت پیشه کنند و تلاش نمایند در بین بازنشستگان تفرقه ایجاد کنند. بازنشستگان، از کار افتادگان و بازماندگان که از ماهیت خانه کارگر آگاهند هرگز بطرف این نهاد حکومتی نخواهند رفت.

بازنشستگان، برای گرفتن خواسته های خود متحد شویم.

اول اسفند

اسماعیل گرامی

***دولت طلب صندوق بازنشستگان را پرداخت کند**

این ماه های اخیر خوب توجه کرده اید که هنگام پرداخت حقوق آنهم آخرین ساعات روز سی ام ماه صندوق بازنشستگی اعلام میکند حقوق این ماه تا پایان وقت امروز به کمک سازمان برنامه و بودجه به حساب بازنشستگان واریز خواهد شد و ما هم راحت از کنارش می گذریم اینها چه می خواهند بگویند می خواهند منت بر بازنشستگان بگذارند که ایها الناس اگر دولت و سازمان برنامه نباشد شما نمی توانید حقوق دریافت کنید می خواهد بر ما تحمیل نماید که صندوق ورشکسته است ولی هیچکس نمی آید سوال نماید چه کسانی صندوق متمول سال ۵۷ را به ورشکستگی کشاندند سوال نمی کنند اموال صندوق بازنشستگی توسط چه کسانی به تاراج رفته است و ما را امروز وام دار دولت میکنند همین دولتی که به صندوق بدهکار است آقایان مدیران صندوق! که گماشتگان دولت هستید دست های همه شما در این غارت ها و به ورشکستگی کشاندن صندوق آلوده است بازنشستگان هیچگاه نمی خواهند مدیون و وام دار دولت باشند بلکه طلبکارانی هستند که اموالشان غارت شده و از دولت طلبکارند بجای این منت گذاری ها طلب صندوق بازنشستگان را کارسازی نمایید اموال صندوق را مسترد دارید در اینصورت نه تنها بازنشستگان نیازی به دولت نداشته و برای چندر غاز حقوق و گرفتن حق قانونی خود باید مجیز گوی دولت باشد بلکه در رفاه کامل خواهند بود و از سرمایه ها و اندوخته های خود به نحو احسن برخوردار خواهند بود.

منوچهر اکبری

***کنش های کارگران شهرداری های کشور در نیمه دوم بهمن ماه 99**

ردیف	تاریخ	شهرداری شهر	محل خدمت	تحت نظر بخش	رخداد	توضیحات
1	1399/11/1 7	تهران	اتوبوسرانی	دولتی	اعتراض	اعتراض سندیکاری رانندگان تهران و حومه به طرح استخدام با واسطه شرکت تامین نیروی انسانی
2	1399/11/1 8	الوند/زنجان	خدمات شهری	دولتی	اعتراض	کارگر این بخش 80 به دلیل دو ماه معوقات مزدی و عدم پرداخت حق بیمه صدای اعتراض خود را به گوش رسانه ها رساندند
3	1399/11/1 9	سی سخت/ کهگیلویه و بویراحمد	خدمات شهری	دولتی	اعتراض	کارگر این بخش 80 نسبت به عدم پرداخت ده ماه از حقوق سال جاری خود دست به اعتراض زدند

4	23/11/1399	تهران	اتوبوسرانی	دولتی	احضار	آقایان داوود رضوی، عطا باباخانی، علی قربانیان از اعضای سندیکا به پلیس امنیت احضار شدند
5	25/11/1399	امیدیه/خوزس تان	فضای سبز	خصوصی	اعتراض	این کارگران نسبت به عدم دریافت حق سنوات و حق لباس مرخصی استحقاقی از سوی پیمانکار دست به اعتراض زده‌اند
6	26/11/1399	بیجار/کردستان	پسماند	دولتی	اعتصاب	کارگران پسماند شهرستان بیجار به دلیل عدم دریافت سه ماه حقوق و ده ماه اضافه کاری دست از کار کشیدند و در مقابل شورای شهر دست به اعتصاب زدند
7	27/11/1399	بیجار/کردستان	پسماند	دولتی	اعتصاب	سومین روز اعتصاب

***چرایی تجمعات اعتراضی کارگران پتروشیمی ایلام بروایت شرکت**

پتروشیمی ایلام اطلاعیه ای درباره تجمعات اعتراضی روزهای گذشته کارگران این شرکت صادر کرد.

بخشی از این اطلاعیه که روز جمعه اول اسفند رسانه ای شده، بقرار زیر است:

تجمعات کارکنان این شرکت به خاطر اخراج احدی از کارکنان شرکت نیست بلکه معترضان در خصوص شیوه نامه های جذب افراد واجد شرایط اعتراض دارند.

این شیوه نامه ها برای جذب افراد متخصص مورد نیاز این شرکت بوده است.

پتروشیمی ایلام برای رفع نیازهای خود این حق را برای خود قائل است که از افراد صاحب تخصص و تجربه استفاده کند و پرواضح است که اولویت با افراد متقاضی متخصص شهرستان محل فعالیت و داخل استان است و در صورت نبود فرد یا افراد واجد شرایط بومی استان، مجبور به جذب این افراد از خارج استان است.

***احضار علی نجاتی همکار بازنشسته ما محکوم است!**

دستگاه قضایی و امنیتی به همکار بازنشسته ما، علی نجاتی فشار آورده است که برای تحمل پنج سال زندان باید اعلام حضور کند در حالی که پرونده قضایی ایشان مختومه شده است و نامبرده از مشکلات جسمی منجمله نارسایی قلبی رنج می برد.

برای دستگاه قضایی و امنیتی در کشور ما بازنشسته ها با هم فرق دارند! برخی بازنشسته های نورچشمی خودشان در شرکت هفت تپه در حال خدمت به اسدبیگی ها فاسد هستن. افرادی مثل صابریان و بهاری و کریمی پور و امجدی و غیره اما اکثریت بازنشستگان باید برای حداقل معیشت حتی بعد از بازنشستگی هم مبارزه کنند.

همکار بازنشسته ما علی نجاتی هم از این قاعده ظالمانه مستثنا نشده است و او را تحت فشار و آزار قرار داده اند و حتی در یک اقدام بیشرمانه حساب های بانکی ایشان را هم مسدود کرده اند. ایشان در زمان اعتصابات سال 97 بازنشسته بوده ولی مورد ادیت دستگاه امنیتی قرار گرفت و سپس به حکم ظالمانه پنج سال زندان محکوم شد اما بعد تمام احکام صادر شده لغو شد زیرا اعتراضات ما خواسته هایی منجمله لغو تمام احکام صادره علیه همکاران و حامیان ما را داشت.

هرگونه فشار و آزار بر آقای نجاتی و یا نمایندگان کارگران هفت تپه که اخیراً هم برایشان پرونده قضایی باز کرده اند محکوم است. جواب کارگران هفت تپه به این ستم های آشکار، سکوت نخواهد بود.

جمعی از کارگران هفت تپه از بخش های مختلف- جمعه - ۱ اسفند ۱۳۹۹

***بیانیه کانون صنفی معلمان به مناسبت ۲ اسفند روز جهانی زبان مادری**

به منظور بزرگداشت زبان مادری و در راستای محافظت از میراث فرهنگی بشر دوم اسفند ماه به عنوان روز جهانی زبان مادری از سوی سازمان آموزشی علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) نامگذاری شده است. کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، ضمن گرامی داشت این روز جهانی و تبریک به همه معلمان و دانش آموزان در سراسر کشور، وظیفه خود می داند که از حق آموزش به زبان مادری برای همه اقوام ایرانی دفاع کند. دفاع از چنین حقی مبتنی بر دلایل و مستنداتی است که به صورت مختصر بیان می شود:

۱- دفاع از آموزش با کیفیت برای همه کودکان

یونسکو از سال ۱۹۵۲ آموزش به زبان مادری را به خصوص در مراحل اولیه آموزشی کودکان تشویق و تبلیغ کرده است. از نظر این نهاد وابسته به سازمان ملل متحد، آموزش به زبان مادری حق کودکان است. زیرا کودکان، زبان مادری خویش را بهتر درک می کنند و همین درک، موجب می شود آنها از آموزش باکیفیت و بهتری برخوردار شده و از فعالیت آموزشی لذت ببرند. در مناطقی که زبان آموزشی و زبان مادری کودک یکسان نیستند، احتمال افزایش افت تحصیلی و ترک تحصیل زودهنگام دانش آموزان بیشتر می شود. در کنار این ها اضطراب و فشار ناشی از یادگیری زبان جدید برای کودکانی که به آموزش زبان غیر مادری اجبار می شوند از عواملی است که تاکید بر آموزش زبان مادری را در چارچوب دفاع از حقوق کودکان قرار می دهد.

۲- دفاع از عدالت آموزشی

در همه این سالها ما به عنوان یک تشکل صنفی و فرهنگی همواره و به حق از گسترش عدالت آموزشی در کشور دفاع کرده‌ایم. دفاع از عدالت آموزشی بدون دفاع از حق آموزش به زبان مادری حمایتی ناقص و نارسا است.

به دو دلیل:

اول، این حق هر انسان است که به زبان مادری خود صحبت کند، بخواند و بنویسد. حقی بدیهی که نادیده گرفتن آن به مثابه نقض حقوق انسانی است.

دوم، آزادی انتخاب به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسان ایجاب می‌کند که هر انسان و شهروندی در انتخاب یا عدم انتخاب زبان مادریش به عنوان زبان آموزش مختار باشد. تجربه ملی‌گرایی از نوع شوروی سابق پیش چشم ماست و به ما هشدار می‌دهد که دفاع از عدالت و برابری، منهای حقوق بشر و آزادی، ارمغانش دگماتیسم و جبرگرایی است.

لذا از نظر این تشکل صنفی/ فرهنگی دفاع از آموزش به زبان مادری از پیش فرض‌های دفاع از عدالت آموزشی است.

۳- دفاع از همبستگی قومی

در این شرایط سخت و اسفناک اقتصادی که مردم کشور با بحران‌های متعدد روبرو هستند؛ وظیفه ما به عنوان یک تشکل صنفی/ فرهنگی ایجاب می‌کند از گسترش همبستگی و مهرورزی میان اقوام ساکن این سرزمین دفاع کنیم. دفاع از حق آموزش به زبان مادری و اجرای عملی آن می‌تواند از اشاعه نفرت پراکنی میان قومیت‌های مختلف جلوگیری کرده و حس اقلیت قومی بودن را بزداید. بی شک همه آنهایی که با قومیت‌ها و مذاهب مختلف در این سرزمین زندگی می‌کنند حق استفاده برابر از منافع عمومی را دارند. بهره‌مندی از چنین حقی است که می‌تواند احساس تعلق خاطر سرزمینی را زنده نگه داشته و از واگرایی در حوزه سیاسی و اجتماعی جلوگیری کند. لازمه چنین حقی احترام به زبان مادری همه اقوام ایرانی و فراهم کردن بستر مناسب برای بهره‌مندی همه قومیت‌های ساکن ایران برای اشاعه زبان و فرهنگ خود است.

۴- معاهدات بین المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در طی سه دهه گذشته مجمع عمومی سازمان ملل متحد قوانین و معاهدات متعددی را در جهت دفاع از آموزش زبان مادری به تصویب رسانده است. ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۴ اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، ملی، مذهبی و زبانی، ماده ۵۲ اعلامیه جهانی حقوق زبانی و از همه مهمتر منشور زبان مادری سازمان یونسکو از آن جمله است.

این معاهدات همه دولت‌های عضو را الزام می‌کند که در جهت تقویت و گسترش زبان مادری در میان قومیت‌ها و ملیت‌های خود بکوشند. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از اعضای سازمان ملل موظف به اجرای معاهدات بین‌المللی است. علاوه بر این در خود قانون اساسی نیز به صراحت بر آزادی آموزش به زبان مادری تاکید شده است. در اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

"... استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است."

همچنین اصول ۱۹، ۲۲ و ۳۲ قانون اساسی با اشاره به برابری همه اقوام ایرانی و هرگونه عدم تبعیض اجتماعی و فرهنگی به نوعی دیگر این حق مسلم بشری را مورد تاکید قرار داده است.

از طرف دیگر دولت ایران با الحاق چندین معاهده بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک که طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به شمار می آید، حق آموزش زبان مادری را بدون هیچ قید و شرطی به رسمیت شناخته است.

بر این اساس کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن تبریک مجدد روز جهانی زبان مادری به همه اقوام ایرانی، از دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهد، شرایط و بستر لازم و مناسب برای آموزش به زبان مادری را برای همه قومیت ها فراهم کرده و از این طریق ضمن اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی به معاهدات و میثاق های بین المللی خود پای بند باشد.

اول اسفند ۱۳۹۹

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

***مرگ و مصدومیت 6 کارگر کارخانه خوراک دام طیور بابل بر اثر انفجار دیگ بخار**

ظهر روز پنج شنبه 30 بهمن، بر اثر انفجار دیگ بخار در یک واحد تولید کننده خوراک دام ، طیور و آبزیان واقع روستای چمازکلا شهرستان بابل استان مازندران، سه کارگر جانشان را از دست دادند و سه کارگر دیگر مصدوم و به بیمارستان منتقل و در بخش مراقبت های ویژه بستری شدند.

***جان باختن یک کارگر معدن منگنز و نارچ قم زیر آوار**

ظهر روز پنج شنبه 30 بهمن، بر اثر ریزش بخش هایی از سقف تونل معدن منگنز روستای و نارچ قم یک کارگر بنام عدالت شیری با 19 سال سابقه کاری زیر آوار گرفتار شد و جان باخت.

***مسمومیت 6 کارگر معدن زغال سنگ زمستان یورت آزاد شهر**

روز چهارشنبه 29 بهمن، 6 کارگر معدن زغال سنگ زمستان یورت آزاد شهر در استان گلستان به دلیل دپوی زغال سنگ استخراجی و انباشت گاز در تونل شماره سه این معدن دچار گازگرفتگی و مسموم شدند.

بنابه گزارشات رسانه ای شده بتاريخ 30 بهمن، از مجموع کارگران آسیب دیده 2 نفر به صورت سرپایی درمان شده و بقیه به بیمارستان آزادشهر منتقل شدند که حال همه آنها مساعد گزارش شده است.

***سوختگی 2 کارگر در حادثه آتش سوزی یک مغازه تراشکاری در شهر صومعه سرا**

روز پنج شنبه 30 بهمن، 2 کارگر یک مغازه تراشکاری در شهر صومعه سرا، استان گیلان بر اثر آتش سوزی دچار سوختگی و به بیمارستان منتقل شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 29 بهمن ماه 1399

- ادامه اعتراضات کارگران هپکو اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان باتجمع در ورودی کارخانه و تعیین ضرب الاجل
- پنجمین روزتجمع اعتراضی تعدادی از کارگران کشت و صنعت هفت تپه نسبت به عدم اعلام رای شورای حل اختلاف مقابل اداره کار شوش
- اعتراض کارگران کارخانه ارتاول تایر تاکستان نسبت به سطح نازل حقوق و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل
- زنده همبستگی کارگران: پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران شرکت تهران جنوب در بندر مجیدیه ماهشهر با بازگشت بکار همکاران اخراجیشان
- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:
- به دلیل کمبود راننده، ناشی از عدم استخدام راننده جدید، مدیریت ناکارآمد شرکت واحد، رانندگان را برای اضافه کار خارج از ظرفیت، تحت فشار قرار می دهد
- بیانیه ی کانون نویسندگان ایران در اعتراض به اجرای حکم زندان علیرضا نوری
- شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران :
- مرخصی یک هفته ای محمد رضا رمضان زاده دبیر انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی
- گزارش تجمع و دستاوردهای بازنشستگان در 26 بهمن ماه 99 در بیش از 25 شهر
- ادامه اعتراضات اهالی شهرک اندیشه قزوین نسبت به عدم صدور مجوز ساخت زمین هایشان با برپایی تجمع دیگر مقابل استانداری
- مرگ و مصدومیت 2 کارگر در حادثه ریزش پل در حال ساخت شهر اسالم نالش
- *ادامه اعتراضات کارگران هپکو اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان باتجمع در ورودی کارخانه و تعیین ضرب الاجل**
- روز چهارشنبه 29 بهمن، کارگران هپکو اراک در ادامه دور جدید اعتراضاتشان نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان دست به تجمع در ورودی کارخانه زدند و برای مسئولان ضرب الاجل تعیین کردند.



تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: هیکویی ها منتظر تحقق وعده های 19 بهمن مسئولان مبنی بر تهاتر بدهی ها و پرداخت حقوق معوقه هستند.

آنها افزودند: اگر مسئولان تا فردا به وعده های خود عمل نکنند، مسئولیت بروز مشکلات احتمالی بعدی، به عهده خودشان است.

***پنجمین روزتجمع اعتراضی تعدادی از کارگران کشت و صنعت هفت تپه نسبت به عدم اعلام رای شورای حل اختلاف مقابل اداره کار شوش**

روز چهارشنبه 29 بهمن برای پنجمین روز، تعدادی از کارگران کشت و صنعت هفت تپه برای اعتراض به عدم اعلام رای شورای حل اختلاف به تجمعشان مقابل اداره کار شهرستان شوش ادامه دادند.

بنابه گزارشات منتشره در شبکه های اجتماعی، روز چهارشنبه 29 بهمن مسئولان اداره کار این شهرستان اعلام کرد که رای صادره شورای حل اختلاف را روز شنبه 2 اسفند به کارگران اعلام خواهد کرد و بدنبال آن تحصن پایان گرفت.

بنابراین گزارشات، این کارگران به کارشکنی مسئولین شهرستانی و اداره کار و سنگ اندازیها در عدم اجرای قانون با اینکه هم هیئت تشخیص و هم شورای حل اختلاف اداره کار بنفع فعالین رای داده اما حکم نهائی را اعلام نمیکند.

***اعتراض کارگران کارخانه ارتاول تایر تاکستان نسبت وسطح نازل حقوق وعدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل**

روز چهارشنبه 29 بهمن، کارگران کارخانه ارتاول تایر تاکستان (نخ تایر رازی) اعتراضشان را نسبت وسطح نازل حقوق وعدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل ابراز کردند.

آنها به خبرنگار رسانه ای گفتند: از میزان درآمد خود که نزدیک به حداقل حقوق است و دریافتی ماهانه شان کفاف معاش زندگی شان را نمی دهد، گلایه مند هستند.

آنها افزودند: کارگران ارتاول تایر ماهانه همان حقوق که هر ساله شورای عالی کار مصوب می کند را دریافت می کنند اما این رقم باتوجه به افزایش روزانه قیمت بسیاری از اقلام مصرفی و غذایی بسیار ناچیز است.

این کارگران که پیگیر وضعیت افزایش دستمزد خود و همکاری شان هستند، در ادامه گفتند: جدا از وضعیت دستمزد که رضایت بخش نیست، کمک مزایای معیشتی نیز به کارگران داده نمی شود.

آنها اضافه کردند: غیر از بحث دستمزد ناکافی، به دنبال اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این واحد تولیدی هستیم.

به گفته کارگران این کارخانه؛ اصرار آنها به این دلیل است که در قانون کار بر الزامی بودن اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاه های بالای 50 نفر تاکید شده است.

طبق اظهارات کارگران این واحد تولیدی؛ مسکوت ماندن اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مورد جمعیت 100 نفری کارگران باعث شده که درآمد مزدگیران این کارخانه در حد و اندازه حداقل های قانونی باقی بماند.

***زنده همبستگی کارگران پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران شرکت تهران جنوب دربندرمجیدیه ماهشهر با بازگشت بکار همکاران اخراجیشان**

کارگران شرکت تهران جنوب دربندرمجیدیه ماهشهر با بازگشت بکار 25 همکار اخراجیشان به اعتصابشان خاتمه دادند و بر سر کارشان بازگشتند.

در همین رابطه: ادامه اعتصاب وتجمع کارگران شرکت تهران جنوب دربندرمجیدیه ماهشهر در اعتراض به اخراج 25 نفر از همکارانشان

روز دوشنبه 27 بهمن، کارگران شرکت تهران جنوب در پروژه انبارصادراتی پالایشگاه بیدبلند در بندر مجیدیه ماهشهر به اعتصاب و تجمعشان ماهشهر در اعتراض به اخراج 25 نفر از همکارانشان ادامه دادند.

***سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:**

به دلیل کمبود راننده، ناشی از عدم استخدام راننده جدید، مدیریت ناکارآمد شرکت واحد، رانندگان را برای اضافه کار خارج از ظرفیت، تحت فشار قرار می‌دهد

بنابر گزارش رسیده از رانندگان خط یک بی‌آرتی، مسئولین ناحیه غرب این سامانه، با توجه به کمبود راننده، برای بوجود نیامدن خلاء در خط، رانندگان را با انواع روش‌ها تحت فشار قرار می‌دهند که روزانه چهار ساعت در شیفت مخالف خود اضافه‌کاری کنند.

برابر قانون کار اضافه‌کاری برای کارگران اختیاری است و هیچ کارگری را نمی‌توان مجبور به اضافه‌کاری کرد. مضاف بر این، در شهر شلوغی نظیر تهران، آن هم با اتوبوس دو کابین و ازدیاد مسافر، می‌بایست راننده کاملاً سرحال و هوشیار باشد. در غیراینصورت ریسک سوانح و تصادفات به شدت افزایش می‌یابد و برای راننده و شهروندان خطر آفرین خواهد بود.

از سال ۸۵، با توجه به اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی، همچنین با توجه به اعتصابات و اعتراضات رانندگان و کارگران شرکت واحد، مدیریت کلان شهر تهران و مسولان کشور، برای جلوگیری از اعتصابات مشابه سراسیمه و با سرعت و آگاهی خطوط شرکت واحد به بخش خصوصی را آغاز کردند. بنابراین، با بازخریدی انگیزشی رانندگان و واگذاری اتوبوس‌های کهنه به آنان، همچنین راه‌اندازی چند شرکت خصوصی تا آنجا که توان داشتند خطوط شرکت واحد را خصوصی کردند. در طول پانزده سال گذشته نیز تعداد زیادی از رانندگان به مرور بازنشسته شده‌اند و امروز بطور محسوسی شرکت واحد با کمبود راننده مواجه شده است.

بخش خصوصی ایجاد شده نیز با توجه باینکه طوری برنامه‌ریزی شده بود که شرکت واحد و شهرداری تهران کمترین تعهدات مالی را نسبت به رانندگان داشته باشد، از سال دوم خصوصی سازی خطوط فشل بودن آن محرز شد. رانندگان بخش خصوصی با درآمد ناچیز و عدم پذیرش هیچ تعهدی از سوی شرکت واحد در قبال آنان خیلی زود توان خود در ارائه خدمات مطلوب را از دست دادند و با درآمد ناچیز و هزینه‌های سنگین اتوبوس، به مشقت زندگی می‌کنند. مسافران هم از وضع اتوبوس‌ها و تایم طولانی حرکت‌شان، از واگذاری خطوط به بخش خصوصی بسیار ناراضی هستند.

بعد از پانزده سال در حال حاضر شرکت واحد در خطوط ملکی خود با کمبود شدید راننده مواجه شده است و از طرفی اتوبوس‌های واگذار شده به رانندگان با توجه به عقبه‌ای که بیان شد آنقدر خرد شده‌اند که نمی‌توانند در خطوط کار کنند و رانندگان هم پولی برای تعویض اتوبوس‌هایشان با اتوبوس جدید ندارند. به همه اینها اعتراضات و اعتصابات رانندگان بخش خصوصی در چند سال اخیر و روند رو به رشد آن را نیز باید اضافه کرد.

مدیریت کلان شهری باید بپذیرد که اقدامات صورت گرفته در پانزده سال گذشته موجب فشل بودن وضع امروز است و با استخدام راننده جدید در شرکت واحد همچنین استخدام رانندگان بخش خصوصی در شرکت واحد، خطوط اتوبوسرانی را بصورت مستقیم خود اداره کند.

***بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران در اعتراض به اجرای حکم زندان علیرضا نوری**

روز ۲۳ بهمن مامورهای امنیتی علیرضا نوری شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران را در منزلش بازداشت و جهت تحمل حکم دو سال حبس به زندان مرکزی همدان منتقل کردند. علیرضا نوری در خرداد ۱۳۹۶ به اتهام «توهین به مقدسات از طریق نوشتن اشعار موهن در فضای مجازی» به دو سال حبس تعزیری محکوم شد و دادگاه تجدید نظر نیز حکم صادره را تایید کرد.

اگرچه در این چند دهه اخبار بازداشت و زندان و قتل شاعران و نویسندگان آزاداندیش موضوع تازه‌ای نبوده و همواره سایه‌ی سانسور در تمام اشکال خود بر جسم و جان اهل قلم و هنر این سرزمین سنگینی کرده است، با این همه در سال‌های اخیر سرکوب سیستماتیک و فشار حداکثری بر فعالان حوزه‌ی اندیشه و بیان رشد و شدت کم‌سابقه‌ای یافته است. از این جمله می‌توان به عدم امکان فعالیت مطبوعات آزاد و به اصطلاح غیر خودی، ممانعت از فعالیت موسسات و تشکلهای مستقل چون کانون نویسندگان ایران، تهدید و پرونده سازی بر پایه‌ی اتهامات واهی و نهایتاً صدور احکام زندان طویل‌المدت برای شاعران و نویسندگان، از جمله اعضای کانون نویسندگان، رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین، کیوان باژن، گیتی پورفاضل و حالا علیرضا نوری اشاره کرد.

کانون نویسندگان ایران اجرای حکم زندان علیرضا نوری را محکوم کرده و خواستار آزادی بی‌قید و شرط او و تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

کانون نویسندگان ایران - ۲۹ بهمن ۱۳۹۹

***شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران :**

مرخصی یک هفته ای محمد رضا رمضان زاده دبیر انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی

امروز چهارشنبه ۲۹ بهمن ۹۹ ساعت ۱۳ محمد رضا رمضان زاده در میان استقبال گرم خانواده و همکاران به مرخصی زندان آمد.



دبیر انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی که طی دو حکم قضایی به پنج سال زندان محکوم شده است امروز 29 بهمن ماه به دستور دادستانی و رییس زندان خراسان شمالی برای یک هفته به مرخصی آمده است.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن تاکید بر قانونی بودن فعالیت صنفی فرهنگیان خواستار آزادی بی قید و شرط ایشان و اسماعیل عبدی می باشد.

***گزارش تجمع و دستاوردهای بازنشستگان در 26 بهمن ماه 99 در بیش از 25 شهر**

حرکت مطالباتی بازنشستگان نشان داد، که همبستگی و اتحاد آنان، نهادینه شده و می رود بعنوان اقشاری از طبقه کار و زحمت، به یک حرکت سراسری برای کسب حقوق خود تبدیل شود. در تجمع اعتراضی بازنشستگان، که از شهرهای مختلف در تهران حضور و درد مشترک را در وجود و نگاه های یکدیگر حس و درک می کردند، انرژی و توان چند برابری یافته و همبستگی پر قدرتی شکل گرفته بود. گسترش و افزایش تورم از یکطرف و فقر و محرومیت از طرف دیگر باعث شد که بازنشستگان حدود پنج ساعت در مقابل مجلس و سازمان برنامه به طرح مطالبات خود بپردازند. شعارهای "قالیباف بیا پایین" و "نوبخت بیا پایین" و علیه روحانی که حاکی از ضرورت و خواست پاسخگویی مستقیم مسئولین در برابر تحمیل فقر گسترده به بازنشستگان بود، و اینکه آنان مسئول چنین بی خانمانی و فقر و فلاکت هستند. بازنشستگان پس از متوسط سی سال کار و زندگی شرافتمندانه، در این دوران در نگرانی شدید از وضعیت زندگی و شرمندگی در برابر خانواده خود بسر می برند. تریلیاردها تومان اندوختۀ تأمین اجتماعی چگونه مورد سوء استفاده و غارت قرار گرفته و دولت ها که 100% مدیریت سازمان را در اختیار داشتند امروزه چگونه می توانند پاسخ دهند؟ تورم روزانه و ماهیانه که، سطح هزینه های زندگی امروزه حتی از مرز 12 میلیون تومان گذشته، دیگر مبلغ فوق هم کفاف زندگی معمول را نمی دهد، لذا نمی توان با حقوق زیر 3 میلیون تومان و حتی دو برابر آن، حداقل معیشت لازم را تأمین کرد.

چرا وقتی تمامی توان، درایت، تخصص، مهارت و هنر مسئولین در گسترش فقر و گرسنگی در بین طبقه و اقشار اصلی جامعه و گسترش فقر و فحشاء و اعتیاد و بی آیندگی است، برای این نتایج، چنین حقوق ها و مزایای نجومی کلان و چنین ثروت ها و دارائی های غیر قابل حساب برای خود اندوخته، در ویلاهای اشرافی با خدم و حشم زندگی می کنند و حساب های ذخیره دلاری در بانک های خارج پس انداز و فرزندان آنان بعنوان آقا زاده در کشورهای خارج دارای ثروت های میلیارد دلاری هستند؟ وقتی خود را منتخب همین مردم می دانند، حتی حاضر نیستند به حرف همان مردم گوش فرا داده و گاهی در جهت کاهش مشکلات و کاهش تورم و سطح هزینه های زندگی بر دارند. در صورت تداوم این وضعیت بی شک میزان گسترده تری از بازنشستگان و مردم فقر زده به مطالبه گری حقوق خود خواهند پرداخت. شعار "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون" نشانگر این است که همه راه های دیگر به روی آنان بسته شده است. برخی شعارهای دیگر عبارت بود از "این همه بی عدالتی هر گز ندیده ملت"، کشور ما رو گنجه، بازنشسته تو رنجه "حقوق ما ریالیه هزینه ها دلاریه" - "کشتی بازنشسته دیگه به گل نشسته" - "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه" "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است" - "معیشت، منزلت، سلامت حق مسلم ماست"

بازنشستگان به این نتیجه رسیده اند که تقسیم ثروت اجتماعی - نه بر اساس عدالت و هر کس به اندازه کارش، بلکه به میزان قدرت اجتماعی اقشار و تسلط بر ثروت های کشور تقسیم می شود. یک در صد ثروتمندترین افراد، حداقل 40% کل ثروت کشور را در اختیار گرفته و 20% اقشار بالایی حداقل 90% ثروت را در اختیار دارند و نزدیک 70% جامعه در خط فلاکت بسر می برند. بازنشستگان برای آنکه زندگی درخور و در سطح عادی بالاتر از خط فقر زندگی کنند، راهی جز ایجاد تشکل های مستقل از دولت و سراسری و کسب قدرت اجتماعی و اعتراض به بی حقوقی موجود را ندارند. ما می گوئیم آقایان مسئولین چند سال هم شما بیایید یک سوم تا یک چهارم خطر فقر حقوق بگیرید شما برای درمان سراغ بیمه تکمیلی بروید شما در انتظار واکسن کرونا قرار گرفته و ما از واکسنی که شما مصرف کرده اید، استفاده کنیم.

شرح گردهم آیی :

بازنشستگان 26 بهمن ماه برای هفتمین بار طی چند ماه اخیر تجمع نمودند، بر طبق گزارشات در بیش از 25 شهر حضور یافته و مطالبات خود را مطرح کردند. اگر این پیگیری ها و طرح مطالبات ادامه یافته و بیش از 5/3 میلیون بازنشسته به طرح مطالبات خود بپردازند کسب حقوق شان حتمی است به اضافه اینکه اگر دیگر اقشار تحت ستم و کارگر نیز به یکدیگر بپیوندند. بازنشستگان پس از یکساعت و نیم در مقابل مجلس به طرح مطالبات خود پرداختند. یکی از سخنرانان اظهار کرد که مسئولین امنیتی از وی خواسته اند که دیگر در تجمعات بازنشسته حضور نیابد. اما وی این پرسش را کرد که اگر ایشان، حضور نیابد آیا این جمع کثیر بازنشستگان نیز حضور نیافته و از مطالبات خود می گذرند؟ جمعیت حاضر فوراً در پاسخ شعار دادند " متحد و یکپارچه ایم - ایستاده ایم تا پایان ". سخنران اضافه کرد وی آمده به طرح حقوق و مطالبات خود بپردازد حقوق مطابق سطح هزینه های زندگی و مطابق تورم را می خواهد اگر وی را زندانی و حتی حکم بدهند باز هم حقوق برای زندگی فارغ از فقر و در سطح رفاه خود را مطرح خواهد کرد. در انتها یکی از نمایندگان مجلس بمیان بازنشسته حضور یافت. اما بجای ارائی راهکار کسب مطالبات بازنشستگان به طرح مسائل داخلی مجلس و دولت پرداخت که بازنشستگان به حرف های وی اعتراض کرده و شعار دادند " وعده وعید کافیه سفره ما خالیه "

در انتها قطعنامه بازنشستگان در مورد مطالباتشان که بر مطالبات بحق آنها صحه می گذارد قرائت نمودند؛ که بر خواسته ها و مطالبات در مورد سطح حقوق مطابق رفاه و سطح هزینه های زندگی و تورم و جبران عقب افتادگی حقوق درمان کامل و اجرای کامل همسان سازی تأکید نمودند. بازنشستگان سپس بصورت دستجمعی در حالی که شعار می دادند فاصله بین مجلس و سازمان برنامه را طی کرده و در مقابل آن به طرح مطالبات و شعارهای خود پرداختند. از طرف مسئولین سازمان برنامه ریزی خواسته شد که سه نفر نماینده به داخل سازمان بروند اما بازنشستگان با این خواست مخالفت کرده و درخواست کردند که مسئولین بمیان آنها آمده و متعهد به اقدامات جدی برای اجرای همسان سازی در همین امسال شوند. در نهایت چند نفر بازنشسته به درون سازمان رفتند، ولی مسئولین به طرح مسائل فی مابین ادارات و صرفاً پاس دادن بازنشستگان به دیگر مراکز شدند.

مسائل جانبی : حضور بازنشستگان در تجمع این بار نسبت به دفعات قبل بیش از همیشه و برنامه از انسجام بیشتری برخوردار بود و همگام تر و متحد تر بودند. در حین تجمع اطلاعیه هایی مبنی بر گردهم آیی مستمر ماهیانه در یکشنبه های هفته دوم و یکشنبه های هفته چهارم هر ماه تا کسب حقوق خود مطرح نمودند که یک نسخه آن در ذیل ارسال می شود.

یکشنبه های هفته دوم و هفته چهارم هر ماه برای کسب حقوق مکفی تجمع خواهیم کرد

تا زمانی که میزان حقوقمان حداقل برابر با سطح هزینه های زندگی در خط رفاه باشد.

متوسط حقوق و دریافتی بازنشستگان حدود یک چهارم خط فقر بوده و بشدت در مضیقه هستند.

هزینه های درمان، سلامت و زندگی بازنشستگان را بشدت تحت مخاطره قرار داده است. لغو بیمه های تکمیلی

و درمان کامل توسط سازمان تأمین اجتماعی جزو مطالبات ما می باشد.

بازنشستگان تحت پوشش تأمین اجتماعی در حالیکه 30% حقوق و مزایای خود را به بیمه پرداخته اند، نسبت به

بازنشستگان همکار و سایر بازنشستگان که 7% بیمه پرداخته اند بشدت مورد تبعیض و محرومیت قرار گرفته اند.

همکاران بازنشسته آگاه باشند که مسئولین، بجای تأمین خواست ها و مطالبات ما، از فعالان بازنشسته خواسته اند که دیگر فراخوان برای تجمع ندهند، ما اگر می خواهیم زندگی شرافتمندانه داشته باشیم باید بطور خود جوش در روزهای یکشنبه مقابل مجلس و در شهرستان ها مقابل سازمان تأمین اجتماعی حضور یافته و منتظر فراخوان نباشیم. در صورت اتحاد و کسب قدرت اجتماعی خود "قابل احترام" شده و می توانیم حقوق خود را کسب کرده، از زندگی در خط گرسنگی و همچنین شرمندگی نزد خانواده و جامعه پس از سی سال زندگی سرافراز و شرافتمندانه خلاص شویم، یا بقول مقام حکومتی "چوب خشک" محسوب میشویم.

می دانیم خط فقر امروزه به بالای ۲/۵۰۰/۰۰۰ رسیده است. دولت موظف است که یا این سطح حقوق را تأمین و پرداخت نماید و در ضمن با تمهیدات مناسب از جمله تأمین کالاهای اساسی معیشت برای بازنشستگان، مسکن مناسب، درمان رایگان و وام های کلان جهت ازدواج فرزندان و تأمین شغل فرزندان بازنشستگان امکان زندگی بدون دغدغه بازنشستگان را تأمین کند. همواره حقوقی معادل سطح هزینه های زندگی را دریافت کنیم در ضمن ما تا وقتی حقوقمان در خط رفاه قرار نگرفته، نباید در دام و فریب افزایش حقوق مطابق تورم بیفتیم. حقوق ۳/۰۰۰/۰۰۰ تومان اگر مطابق تورم 40% افزایش یابد برابر ۴/۲۰۰/۰۰۰ می شود و این مبلغ هم در خط گرسنگی و کمتر از خط فقر است، زیرا شاخص کالاها و سطح قیمت های در وضع موجود، بالای 12 میلیون تومان می باشد.

اجرای این مطالبات از وظایف دولت ها و حاکمیت در تأمین زندگی شرافتمندانه برای ما بازنشستگان و کل مردم جامعه است. مطالبات طبق بند 12 اصل سوم، اصل 29 قانون اساسی و همچنین ماده 41 قانون کار، ماده 96 تأمین اجتماعی و ماده یک قانون ساختار نظام رفاه بوده و کاملاً قانونی است.

. در صورت تعطیلی یکشنبه در فردای غیر تعطیل آن تجمع را برگزار می کنیم. اگر وعده و وعید برای ارتقای سطح حقوق و مستمری دادند، ممکنست اجرا نکرده یا ناقص اجرا کنند و با تورم های هر ماه، اندک افزایش ها محو شوند. حتی اگر وعده ها را اجرا و عمل کردند، چه اشکال دارد جمع شده و از سلامت دوستان و همکاران بازنشسته مطلع شده و اطلاعات خود را با هم مبادله کنیم. نباید منتظر کسی

باشیم خودمان مطالبات و خواست های خود را روی کاغذ نوشته یا بنر و تراکت و شعار تهیه کرده و به محل تجمع همکاران بیاوریم.

ما نباید اسیر فقر و بیماری و با سرافکندگی زندگی کنیم باید حق خود را مطالبه و دریافت کنیم. می دانیم که حق گرفتاری است و کسی در سینی طلایی به ما نخواهد داد.

***ادامه اعتراضات اهالی شهرک اندیشه قزوین نسبت به عدم صدور مجوز ساخت زمین هایشان با برپایی تجمع دیگر مقابل استانداری**

روز چهارشنبه 29 بهمن، اهالی شهرک اندیشه قزوین در ادامه اعتراضاتشان نسبت به عدم صدور مجوز ساخت زمین هایشان برای باری دیگر دست به تجمع مقابل استانداری زدند.



یکی از تجمع کنندگان به خبرنگار یک رسانه محلی گفت: من و بسیاری از ساکنان این شهرک، زمین ها را از 25 سال گذشته خریداری کرده ایم و زمین ها دارای سند است؛ اما دستگاه های اجرایی و اداری در این بین مشکلاتی را ایجاد کردند که ما اطلاعی از آن نداریم؛ زمانی هم که برای حل مشکل به دادسرا مراجعه می کنیم جواب مشخصی دریافت نمی کنیم.

قابل یادآوری است که، شهرک اندیشه قزوین دارای 42 هکتار زمین بوده که از سال 1372 این زمین ها از کشاورزان جهت پرسنل نیروی انتظامی استان قزوین خریداری گردیده اند.

این شهرک که 1000 مالک دارد در 5 کیلومتری شهر قزوین قرار دارد.

از همان نخستین روزهای خرید زمین اعضاء هیات مدیره جهت اخذ مجوزات قانونی از ادارات امور اراضی، شهرداری قزوین و ... اقدام نمودند، حال با توجه به گذشت بیش از 20 سال متاسفانه نهادهای

نظارتی با گزارش یکی از اعضای شورای شهر قزوین و با ورود دستگاه‌های امنیتی و قضایی جلوی مجوز ساخت و ساز مالکین این شهرک را گرفته‌اند و میگویند اینجا زمین خواری شده است.

***مرگ و مصدومیت 2 کارگر در حادثه ریزش پل در حال ساخت شهر اسالم تالش**

در حادثه ریزش پل در حال ساخت شهر اسالم تالش در استان گیلان یک کارگر 63 ساله دردم جان باخت و یک کارگر 34 ساله مصدوم و به بیمارستان منتقل شد.

akhbarkargari2468@gmail.com

اخبار و گزارشات کارگری 28 بهمن ماه 1399

- اعتصاب و تجمع کارگران پتروشیمی بندر امام در اعتراض به عدم رعایت پروتکل های بهداشتی مقابل با بیماری کووید 19
- تجمع اعتراضی کارگران آبفای خرمشهر نسبت به عدم پرداخت 4 ماه حقوق و بی تفاوتی مسئولان شهرستان و استان
- تجمع اعتراضی خانوادگی مربیان پیش دبستانی ایزه نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل اداره آموزش و پرورش
- تجمع اعتراضی رانندگان خودروهای استیجاری مرکز بهداشت شوش نسبت به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت بموقع حقوق
- اعتراض کارگران سد شهر بیجار گیلان نسبت به عدم پرداخت 14 ماه حقوق، ماه ها حق بیمه و مطالبات دیگر و نداشتن امنیت شغلی و بی خیالی مسئولان اداره آب و فاضلاب و اداره برق منطقه ای گیلان
- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:
- احضار علی نجاتی کارگر بازنشسته و از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه برای اجرای 5 سال زندان
- تجمع اعتراضی کشاورزان سمنان نسبت به قطع آب چاه های کشاورزی مقابل فرمانداری
- اعتراضات رانندگان خودروهای سنگین میناب نسبت به کمبود گازوئیل در جایگاه های سوخت و بی تفاوتی مسئولان ذیربط
- شماره ای دیگر از سریال تجمعات اعتراضی مالباختگان شرکت صنعتی خودرو آذربایجان (آدویکو) مقابل وزارت صمت
- جان باختن دو پرستار بیمارستان های امام تهران و رازی رشت بر اثر ایست قلبی ناشی از فشار کار
- *اعتصاب و تجمع کارگران پتروشیمی بندر امام در اعتراض به عدم رعایت پروتکل های بهداشتی مقابل با بیماری کووید 19**
- روز سه شنبه 28 بهمن، کارگران پتروشیمی بندر امام در اعتراض به عدم رعایت پروتکل های بهداشتی مقابل با بیماری کووید 19 دست از کار کشیدند و در مجتمع اجتماع کردند.
- برپایه گزارشات رسانه ای شده، با تصمیم حمیدرضا رستمی مدیر عامل پتروشیمی بندر امام هیچگونه محدودیت کرونایی با توجه به وضعیت قرمز شهرستان بندرماهشهر اجرا نشد و به همین دلیل مبتلایان کرونا و فوتی های ناشی از آن در حال افزایش است.

از هفته قبل و با ابلاغ مدیر ارشد شرایط اضطراری منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در خصوص محدودیت‌های حضور کارکنان در شرکت‌ها پتروشیمی بندر امام با تصمیم مدیرعامل هیچگونه محدودیتی اعمال نکرد و همین امر سبب اعتراض و اعتصاب کارکنان شاغل در این واحد شده است. تجمع کنندگان گفتند: هیچگونه محدودیتی اجرا نشد و ظرف مدت کوتاهی شاهد فوت همکاران و ابتلای روزافزون تعداد زیادی از نیروهای شرکت به کرونا و ویروس هستیم، حفظ سلامت خود، خانواده و فرزندانمان برای ما بسیار مهم است و خانواده و فرزندانمان نباید بتوان تصمیم اشتباه مدیریت شرکت را بپردازند.

***تجمع اعتراضی کارگران آبفای خرمشهر نسبت به عدم پرداخت 4 ماه حقوق و بی تفاوتی مسئولان شهرستان و استان**

روز سه شنبه 28 بهمن، کارگران آبفای خرمشهر برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت 4 ماه حقوق و بی تفاوتی مسئولان شهرستان و استان مقابل ساختمان اداره آب و فاضلابی شهر تجمع کردند.



تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: مطالبات دهها نفر از کارگران شبکه آب و فاضلاب خرمشهر چند ماه است پرداخت نشده و ما در این شرایط سخت کرونایی بارها خواستار پرداخت این مطالبات شده‌ایم.

آنها افزودند: هر ماه به مطالباتمان افزوده می‌شود و در حال حاضر که در آستانه سال جدید قرار داریم هنوز به مشکل ما رسیدگی نشده و در سال‌های اخیر دریافت منظم حقوق به دل‌مان مانده است. یکی از کارگران معترض نیز گفت: همه کارگران معترض آبفای این شهر و سایر شهرهای استان که تحت مسئولیت یک تا چند شرکت پیمانکاری مشغول کارند، معوقات مزدی طلبکارند. برخی از این کارگران هر روز بعد از ساعت کاری برای امرار معاش و تامین معاش خانواده‌هایشان دستفروشی و مسافرکشی می‌کنند.

او اضافه کرد: شرکت‌های پیمانکاری هیچ اهمیتی برای کارگران قائل نیستند و مسئولان اداره آبفای شهرستان و استان خوزستان نیز برای وصول مطالبات کارگران کاری انجام نمی‌دهند.

***تجمع اعتراضی خانوادگی مربیان پیش‌دبستانی ایذه نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل اداره آموزش و پرورش**

روز سه شنبه 28 بهمن، جمعی از خانواده‌های مربیان پیش‌دبستانی ایذه با همراه فرزندانشان برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی این مربیان پیش‌دبستانی مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان در استان خوزستان تجمع کردند.



***تجمع اعتراضی رانندگان خودروهای استیجاری مرکز بهداشت شوش نسبت به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت بموقع حقوق**

روز سه شنبه 28 بهمن، رانندگان خودروهای استیجاری مرکز بهداشت شوش برای اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت بموقع حقوق مقابل مرکز بهداشت این شهرستان در استان خوزستان اجتماع کردند.

***اعتراض کارگران سد شهر بیجار گیلان نسبت به عدم پرداخت 14 ماه حقوق، ماه‌ها حق بیمه و مطالبات دیگر و نداشتن امنیت شغلی و بی‌خیالی مسئولان اداره آب و فاضلاب و اداره برق منطقه‌ای گیلان**

روز سه شنبه 28 بهمن، کارگران پروژه سد مخزنی شهر بیجار در استان گیلان اعتراضشان را نسبت به عدم پرداخت 14 ماهه، ماه ها حق بیمه و مطالبات دیگر و نداشتن امنیت شغلی و بی خیالی مسئولان اداره آب و فاضلاب و اداره برق منطقه ای گیلان حقوق ابراز کردند.

کارگران پروژه سد مخزنی شهر بیجار به خبرنگار یک رسانه محلی گفتند: به صورت مشخص حدود 40 تا 50 کارگر در پروژه عمرانی باقی مانده اند که در مجموع 14 ماه از مطالبات خود را از کارفرما دریافت نکرده اند.

این کارگران گفتند: در آخرین پیگیری های خود از اداره آب و فاضلاب و اداره برق منطقه ای گیلان هیچ مسئولی در این دو نهاد پاسخگوی مطالباتمان نبود تا پیمانکار را مجاب به پرداخت مطالبات عقب افتاده کارگران بکند.

کارگران سد مخزنی شهر بیجار که هنوز حق سنوات و عیدی و پاداش پایان سال 98 خود را از کارفرما طلبکارند، گفتند: پیمانکاری که ما در استخدامش هستیم حدود 6 ماه حقوق سال گذشته را به همراه 8 ماه حقوق سال جاری به ما بدهکار است. همچنین چند ماه حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی پرداخت نشده که در نتیجه آن دفترچه های ما فاقد اعتبار شده است.

این کارگران افزودند: به دلیل قراردادی بودن کار در این پروژه عمرانی همیشه نگران از دست دادن شغل خود هستیم.

کارگران با بیان اینکه هر چند وقت یکبار تعدادی از همکارانمان بدون دریافت مطالبات معوقه خود از کار بیکار می شوند، در ادامه از کاهش تعداد نیروی کار این پروژه عمرانی سخن گفتند و افزودند: در مراحل ساخت این پروژه عمرانی، حدود 350 تا 400 نیروی کار به صورت مستقیم و شبانه روزی و تعداد زیادی نیز به صورت غیرمستقیم در مراحل ساخت این پروژه مشغول کار بوده اند که هم اکنون چون به مرحله نهایی کار رسیده ایم، تعداد کارگران به حداقل رسیده است.

گفتنی است پروژه سد مخزنی شهر بیجار در گیلان، منطقه روستایی شهر بیجار روی رودخانه «زیلیکی» برای تامین آب شرب و کشاورزی شهر رشت و سایر شهرهای همجوار در حال ساخت است.

***سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه:**

احضار علی نجاتی کارگر بازنشسته و از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه برای اجرای 5 سال زندان

طی چند هفته گذشته، از طرف اجرای احکام زندان اوین با علی نجاتی تماس گرفته شد، که برای اجرای حکم 5 سال زندان، خود را به این زندان معرفی کند. در طی این تماس علی نجاتی تهدید شد که در صورت عدم حضور در این مرحله، حساب بانکی اش مسدود خواهد شد و مدتی بعد از این تماس، حساب بانکی او از طرف زندان اوین مسدود شد.

با پیگیری های به عمل آمده در شعبه یک اجرای احکام زندان اوین، مشخص شد که پرونده علی نجاتی و سپیده قلیان مربوط به اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه بوده که قبلاً مختومه اعلام شده بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد محکومیت زندان علی نجاتی و احضار وی را برای اجرای حکم 5 سال زندان را محکوم میکند و خواستار آزادی تمامی فعالین کارگری و حامیان کارگران دربند می باشد .

***تجمع اعتراضی کشاورزان سمنان نسبت به قطع آب چاه های کشاورزی مقابل فرمانداری**
روز سه شنبه 28 بهمن، کشاورزان سمنان برای اعتراض به قطع آب چاه های کشاورزی مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.



تجمع کنندگان به خبرنگاریک رسانه محلی گفتند: کشاورزی استان سمنان با مشکلات زیادی روبروست و ممنوعیت استفاده از آب چاه‌ها نیز بر مشکلات افزوده است. کشاورزان تأکید کردند که قطع آب چاه، مرگ کامل کشاورزی سمنان را رقم خواهد زد. کشاورزان افزودند: دو راه پیشنهاد دادند که یکی خرید چاه‌ها برای حفظ ذخیره آب و دوم حفظ سهمیه مناسب استفاده از آب و عدم قطع آن بود.

***اعتراضات رانندگان خودروهای سنگین میناب نسبت به کمبود گازوئیل در جایگاه های سوخت و بی تفاوتی مسئولان ذیربط**

کمبود گازوئیل در جایگاه‌های میناب در استان هرمزگان، رانندگان وسایل نقلیه سنگین را دچار مشکل کرده و درد سر ساز شده و طولانی شدن صف‌های سوخت اعتراض و فریاد آنها را به آسمان برده است.



بنابه گزارش رسانه ای شده، روز دوشنبه 27 بهمن، جایگاه های عرضه سوخت در شهرستان میناب به دلیل اتمام گازوئیل، قادر به سرویس دهی به خودروهای سنگین نبودند و روز سه شنبه 28 بهمن نیز برخی از این جایگاه ها که دارای سوخت بودند با صف های طولانی خودروها برای نوبت دریافت گازوئیل مواجه بودند که این امر به دلیل نبود گازوئیل در جایگاه ها رخ داده است.

رانندگان کامیونها بی گازوئیل در صف طولانی شب را به صبح می رسانند و شب را در درون ماشین بسر می برند و معلوم نیست که آیا جایگاه سوخت پاسخگوی صف های طویل ماشین های سنگین باشد یا خیر؟

کمبود گازوئیل در جایگاه های میناب، رانندگان وسایل نقلیه سنگین را دچار مشکل کرده و درد سر ساز شده و طولانی شدن صف های سوخت اعتراض و فریاد آنها را به آسمان برده است.

لازم به ذکر است پیگیری های متعددی توسط رانندگان خودروهای سنگین انجام گرفته اما ظاهراً اراده ای برای حل مشکل کمبود گازوئیل در میناب از سوی مسئولین وجود ندارد و اقدامی صورت نگرفته است.

***شماره ای دیگر از سریال تجمعات اعتراضی مالباختگان شرکت صنعتی خودرو آذربایجان (آدویکو) مقابل وزارت صمت**

روز سه شنبه 28 بهمن برای باری دیگر، مالباختگان شرکت صنعتی خودرو آذربایجان (آدویکو) دست به تجمع مقابل وزارت صمت در خیابان سمیه پایتخت زدند.



براساس گزارش رسانه ای شده، رو به روی وزارت صمت در خیابان سمیه پیر و جوان تجمع کرده‌اند. حرف حساب‌شان این است: «خودروهای ثبت‌نامی را می‌خواهیم.» عکس علیرضا رزم‌حسینی، وزیر وقت صنعت را پاره کرده‌اند و کف خیابان ریختند. در این برگه‌های آچار نوشته‌اند: عدم تحویل خودرو توسط آذویکو بعد از سه سال! حامی آذویکو کیست؟ آنها می‌گویند چرا با وجود تشدید تحریم‌ها شرکت آذویکو همچنان آگهی فروش خودرو MG را به دروغ تبلیغ و جیب مردم را خالی کرده است؟

مالباختگان از یزد، بندرعباس، کرمان و ... به تهران آمده‌اند و رو به روی وزارت صمت تجمع کردند. به گفته یکی از مالباختگان، سال ۹۷ قیمت قطعی خودرو ام‌جی (MG) ۸۸ (میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بود. همان اوایل هر حواله‌دار ۴۵ میلیون تومان به حساب شرکت خودروسازی (آذویکو) واریز کرد. قرار شد مابقی پول زمان تحویل نهایی خودرو واریز شود.

یکی از مالباختگان می‌گوید سال ۹۶ این شرکت خودروسازی برای واردات ارز دولتی ۴۲۰۰ یا ۳۸۰۰ تومانی گرفته است. اما به ما خودرویی تحویل نداده‌اند. خودرو بماند هنوز سرنوشت این ارزهایی که از کشور خارج شده هم معلوم نیست. یعنی مشخص نیست ارز دولتی تخصیص یافته به این شرکت بابت واردات چه کالایی بوده، هر چه هست نه قطعات خودرویی وارد شده و نه خودرویی ساخته شده که به مردم تحویل داده شود!

***جان باختن دو پرستار بیمارستان های امام تهران و رازی رشت بر اثر ایست قلبی ناشی از فشار کار**

طی ۲۴ ساعت گذشته، دو پرستار بیمارستان های امام تهران و رازی رشت بر اثر ایست قلبی ناشی از فشار کار جانانشان را از دست دادند.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ ۲۸ بهمن، سعید سلیمانی پرستار بیمارستان امام در تهران و مریم سادات رشیدی نیا پرستار واحد فیزیوتراپی بیمارستان رازی رشت در گیلان، طی ۲۴ ساعت گذشته بر اثر ایست قلبی ناشی از فشار کار جان خود را از دست دادند.

این دو نفر از کارکنان با سابقه مراکز بیمارستانی تهران و رشت بودند که از قرار معلوم سابقه هیچ نوع بیماری خاصی نداشته‌اند.

قابل یادآوری است که، مرگ پرستاران بر اثر ایست قلبی و در حین شیفت کاری، مسبوق به سابقه است.

اخبار و گزارشات کارگری 27 بهمن ماه 1399

- ادامه اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان باتجمع در ریل راه آهن اراک
- ادامه اعتصاب و تجمع کارگران شرکت تهران جنوب دربندرمجیدیه ماهشهر در اعتراض به اخراج 25 نفر از همکارانشان
- سومین روز اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری بیجار مقابل ساختمان شورای شهر در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و 10 ماه اضافه کار
- دوشنبه اعتراضی کشاورزان خشمگین اصفهان نسبت به عدم تامین حقه با مقاومت برابریورش نیروهای انتظامی همراه شد
- تجمع اعتراضی خانواده های جان باختگان قتل موشکی هواپیمای اوکراینی مقابل دادسرای نظامی تهران برای چندمین بار
- بیانیه‌ی تشکل‌های مستقل کارگران، بازنشستگان و معلمان پیرامون حداقل مزد سال ۱۴۰۰
- مزد کارگران در سال ۱۴۰۰ نباید از دوازده و نیم میلیون تومان کمتر باشد
- گزارشی درباره تجمع سراسری 26 بهمن ماه کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی
- حکم ۵ سال حبس دادگاه بدوی کامیار ذوقی در دادگاه تجدیدنظر به صورت غیابی، عینا تایید شد
- *ادامه اعتراضات کارگران کارخانه هپکو اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان باتجمع در ریل راه آهن اراک**
- صبح روز دوشنبه 27 بهمن، کارگران کارخانه هپکو اراک در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان درباره تهاثر بدهی ها دست به تجمع در ریل راه آهن اراک و برای چند ساعت مسیر را مسدود کردند.





یکی از کارگران حاضر در تجمع امروز به خبرنگار رسانه ای گفت: دغدغه ما کار و تولید است؛ دغدغه ما، به راه افتادن چرخ‌های کارخانه و تامین امنیت شغلی است؛ در ماه‌های اخیر بارها از مسئولان خواسته‌ایم مشکل هیپکو را اساسی و ریشه‌ای حل کنند.

وی افزود: تمامی کارگران هیپکو حقوق برج 10 را دریافت نکرده اند و بخشی از کارگران حقوق برج 9 هم به حسابشان واریز نشده است.

در همین رابطه: ادامه اعتراضات کارگران کارخانه هیپکو اراک نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان با برپایی تجمعی دیگر زیر پل بختیاری

ظهر روز شنبه 25 بهمن، کارگران کارخانه هیپکو اراک در ادامه اعتراضاتشان نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان برای بار دیگر زیر پل بختیاری تجمع کردند.



بنابه گزارشات منتشره، کارگران در این تجمع به اجرایی نشدن وعده‌های مسئولان در تهازر بدهی‌های این شرکت و پرداخت حقوق کارگران اعتراض کردند.

مسئولان استانی مرکزی، نمایندگان مجلس از اراک با وزرای تعاون و اقتصاد جلسات متعددی برگزار کردند که نتیجه این جلسات وعده مسئولان برای تهازر بدهی‌های هیکو بوده است. با این حال و با گذشت یک هفته از آخرین جلسه استاندار مرکزی با وزیر اقتصاد، هنوز تهازر بدهی‌های این شرکت انجام نشده است.

***ادامه اعتصاب و تجمع کارگران شرکت تهران جنوب در بندر مجیدیه ماهشهر در اعتراض به اخراج 25 نفر از همکارانشان**

روز دوشنبه 27 بهمن، کارگران شرکت تهران جنوب در پروژه انبار صادراتی پالایشگاه بیدبلند در بندر مجیدیه ماهشهر به اعتصاب و تجمعشان ماهشهر در اعتراض به اخراج 25 نفر از همکارانشان ادامه دادند.

در همین رابطه بزنده باد همبستگی کارگران،

اعتصاب و تجمع کارگران شرکت تهران جنوب در بندر مجیدیه ماهشهر برای اعتراض به اخراج 25 نفر از همکارانشان

روز شنبه 25 بهمن، کارگران شرکت تهران جنوب در بندر مجیدیه ماهشهر برای اعتراض به اخراج 25 نفر از همکارانشان دست از کار کشیدند و مقابل ورودی این پروژه تجمع کردند.

فرماندار بندر ماهشهر با تایید اعتصاب و تجمع کارگران شرکت تهران جنوب، به خبرنگار رسانه ای گفت: وضعیت کارگران اخراج شده شرکت تهران جنوب در حال بررسی است

***سومین روز اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری بیجار مقابل ساختمان شورای شهر در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و 10 ماه اضافه کار**

روز دوشنبه 27 بهمن برای سومین روز، کارگران شهرداری بیجار بر ایا اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و 10 ماه اضافه کار از جمع آوری زباله ها از سطح شهر خودداری کردن و مقابل ساختمان شورای این شهر در استان کردستان اجتماع کردند.



کارگران اعتصابی به خبرنگار یک رسانه محلی گفتند: بارها به مسوولان شهرداری مراجعه کرده ایم و هر چه اعتراض می کنیم به جایی نمی رسد، ما هم انسان هستیم و حق زندگی کردن داریم، الان 10 ماه است که اضافه کار و 3 ماه حقوق دریافت نکردیم و اینچنین که مسوولان بی توجهند ما محکوم به مرگ تدریجی هستیم.

***دوشنبه اعتراضی کشاورزان خشمگین اصفهان نسبت به عدم تامین حقآبه با مقاومت برابرپورش نیروهای انتظامی همراه شد**

روز دوشنبه 27 بهمن، کشاورزان اصفهان در ادامه دوشنبه های اعتراضیشان نسبت به عدم تامین حقآبه دست به تجمع برای جلوگیری از انتقال آب زاینده رود زدند.

نیروهای انتظامی به تجمع کنندگان یورش آوردند و کشاورزان خشمگین اصفهان چوب بدست در برابرشان مقاومت کردند و عزم راسخشان را برای دست یابی به مطالبات برحقشان بنمایش گذاشتند.

***تجمع اعتراضی خانواده های جان باختگان قتل موشکی هواپیمای اوکراینی مقابل دادسرای نظامی تهران برای چندمین بار**

روز شنبه 25 بهمن برای چندمین بار، خانواده های جان باختگان قتل موشکی هواپیمای اوکراینی دست به تجمع اعتراضی مقابل ساختمان دادسرای نظامی تهران زدند.

براساس گزارش رسانه ای شده، گروهی از خانواده جانبختگان پرواز 752 هواپیمایی بین المللی اوکراین برای آنچه «دادخواهی» می خوانند به دادسرای نظامی تهران رفتند. این چندمین نوبت است که در طول يك سال و اندی پس از این حادثه، خانواده جانبختگان پرواز اوکراین برای دادخواهی و درخواست رسیدگی به پرونده این ماجرا و محاکمه عاملان شلیک به هواپیما به دادسرای نظامی تهران مراجعه می کنند. این درخواست ها عموماً با وعده رسیدگی و محاکمه عاملان در آینده ای نامعلوم به پایان رسیده بود. ماجرا اما در آخرین دور مراجعه خانواده جانبختگان شکل و شمایل دیگری به خود گرفت.

آن طور که برخی خانواده های جانبختگان هواپیمای اوکراینی در حساب های کاربری شان در شبکه های اجتماعی نوشته اند، صادق عربزاده، بازپرس پرونده هواپیمای اوکراینی در جریان نشست روز شنبه 25 بهمن با خانواده برخی جانبختگان این پرواز گفته که قرار نهایی صادر شده و منتظر تعیین تاریخ دادگاه هستند اما چنانچه برخی خانواده های جانبختگان از طریق حساب های کاربری شان در شبکه های اجتماعی خبر داده اند، با وجود تعیین تاریخ دادگاه، هنوز هیچک از وکلای خانواده ها موفق به دسترسی و مطالعه پرونده نشده اند.

به گفته یکی از بازماندگان این حادثه تلخ، نشست روز روز شنبه 25 بهمن خانواده های جانبختگان در دادسرای نظامی، درنهایت به بی نتیجه مانده. شرایطی که باعث شد خانواده ها در ادامه مقابل ساختمان دادسرای نظامی دست به تجمع بزنند که البته درنهایت با درخواست ماموران انتظامی مبنی بر پایان دادن به تجمع، خانواده ها بدون گرفتن پاسخی مشخص محل را ترک کرده اند.

***بیانیه ی تشکل های مستقل کارگران، بازنشستگان و معلمان پیرامون حداقل مزد سال ۱۴۰۰**

مزد کارگران در سال ۱۴۰۰ نباید از دوازده و نیم میلیون تومان کمتر باشد

سال‌هاست که نظام سرمایه‌داری و دولت‌های حامی آن، با استثمار هرچه شدیدتر و غیرانسانی‌تر کارگران آنان را به روز سیاه نشانده و از بسیاری از حقوق اجتماعی خود محروم کرده‌اند. تا جایی که طبقه‌ی کارگر ایران امروز در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسای زندگی می‌کند. براساس داده‌های آماری و تحقیقات برخی مراکز و موسسات اقتصادی، در شرایط کنونی بیش از ۴۰ درصد از مردم ایران که بخش قابل توجهی از آن را کارگران تشکیل می‌دهند در زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند.

گرانی و تورم بیداد می‌کند و قیمت کالاها و مایحتاج روزمره و مورد نیاز مردم، هفتگی و گاه روزانه گران می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به قیمت خوراکی‌ها اشاره کرد که در کمتر از یک سال بنا به گفته مقامات رسمی بیش از ۵۷ درصد رشد داشته که در واقعیت بیش از این است. اختلاس و دزدی در بین برخی از مسئولین و مقامات متداول شده و بخش وسیعی از ثروت اجتماعی در کشور را به تاراج می‌برد. همه‌گیری ویروس کرونا بر بسیاری از مشاغل تاثیر منفی گذاشته و بخش‌های قابل توجهی از فرصت‌های شغلی را از بین برده است. قیمت دلار سیر صعودی داشته و به نوبه خود به رشد تورم در کشور دامن زده است. افزایش نرخ بیکاری، همراه با افزایش نرخ تورم، شاخص فلاکت در کشور را به میزان زیادی بالا برده است. تا آن جا که در شرایط کنونی یک شکاف ۳۶۰ درصدی بین دهک‌های اول و دهم وجود دارد که موجب شده است فاصله بین غنی و فقیر در جامعه به مرز انفجار برسد.

وجود چنین شکافی به قیمت فرسوده شدن نیروی کار و رو آوردن کارگران به مشاغل دوم و سوم، ترک تحصیل فرزندان، سوءتغذیه و حذف هزینه‌های درمانی و بهداشتی، ورزشی، تفریحی و به دنبال آن افزایش بیماری‌های جسمی و روحی در بین کارگران و انتشار تهیدست جامعه شده و بر شدت فقر و فلاکت و بی‌خانمانی و دربدری و افزایش چشمگیر و بی‌سابقه فساد و اعتیاد و دزدی و تن‌فروشی، خودکشی، کار کودک، کارتن خوابی، زباله گردی و... افزوده است.

چنین وضعیتی را در اساس باید ناشی از نظام نابرابر سرمایه‌داری و متاثر از آن، رشد و تعمیق شکاف طبقاتی دانست. ضمن این که تهاجم بی‌وقفه و مستمر دولت‌های سرمایه‌داری نئولیبرال را در سرکوب مزدی کارگران در طول این سال‌ها، نباید از نظر دور داشت. این دولت‌ها در راستای حمایت از سرمایه، همواره تلاش می‌کنند تا سطح مزد کارگران را پایین نگه داشته و آن را از راه‌های مختلف به کارگران تحمیل نمایند. یکی از این راه‌ها، تعیین "حداقل مزد"، به میزانی به مراتب پایین‌تر از خط فقر است. این وظیفه را همه ساله "شورای عالی کار" بر عهده داشته و آن را با استفاده از ساختار مسلط قانونی و یک جانبه به سرانجام می‌رساند. ایجاد تشکلاتی وابسته نظیر "شورای اسلامی کار" و نمایندگان برآمده از این تشکلات ضدکارگری در "شورای عالی کار" از ابزارهای ساختار مسلط قانونی می‌باشد.

امسال نیز همانند سال‌های پیش، دولت و بخش خصوصی با طرح موضوع مزد منطقه‌ای و تعیین "حداقل مزد" جداگانه برای کارگران مجرد و متأهل، تلاش دارند به سرکوب مزدی بیش‌تری اقدام نمایند و تا آنجا که می‌توانند کارگران ارزان و مطیع را با سیاست‌های مزدی خود، در اختیار بگیرند.

مسئله "حداقل مزد"، مسئله همه کارگران است. زیرا از یکسو بخش بسیار مهمی از کارگران -کارگران شاغل- مزدی برابر حداقل رسمی مزد یا کمتر از آن دریافت می‌کنند و از سوی دیگر حداقل مزد، خود، مبنای تعیین دیگر مزدهاست. به عبارت دیگر سایر مزدها، خود، مضربی از "حداقل مزد"

هستند. از آنجا تعیین مزد سایر مزدگیران از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و . . . با میزان "حداقل مزد" کارگران ارتباط دارد، سطح مزد سایر مزدگیران نیز پائین خواهد بود.

در شرایط کنونی طیف گسترده‌ای از کارگران، به ویژه کارگران خدماتی، معلمان خرید خدمت، کارگران پیمانی و . . . حتی پایین‌تر از حداقل مزد، به میزانی کمتر از یک میلیون تومان، آن هم گاه با هفته‌ها و ماه‌ها تأخیر دریافت می‌دارند. مضاف بر این که کارگران شاغل در منطقه آزاد تجاری، اقتصادی و ویژه، به خاطر اعمال قانون و مقررات ویژه این مناطق، از هرگونه حقوق قانونی و به تبع آن از نظام مزدی تحت پوشش همین قانون کار نیم‌بند هم محروم‌اند. ضمن این که بخش قابل توجهی از کارگران موقت و قراردادی، به دلیل عدم نظارت، همان حداقل مزد را نیز دریافت نمی‌کنند. به همی این‌ها البته باید محرومیت و بی‌حقوقی زنان کارگر را نیز افزود. زنان کارگر با اعمال تبعیض‌های جنسیتی و در عین حال عدم ضمانت‌های لازم برای برقراری مزد برابر در قبال کار برابر، از دریافت مزدهای برابر با مردان محرومند.

نمونه‌ی کار در مهد کودک‌ها برای مربیان و کار در مدارس غیر دولتی برای معلمان زن و همچنین تفاوت آشکار نرخ مزد در کارگاه‌های کوچک را می‌توان از نشانه‌های بارز عدم اجرای درست مزدهای مصوب به شمار آورد.

مسلم است که "حداقل مزد" کارگران نباید از هزینه زندگی متوسط یک خانوار شهری کم‌تر باشد. بر همین اساس، تشکلهای مستقل کارگری، "حداقل مزد" کارگران برای سال ۱۳۹۹ را معادل ۹ میلیون تومان در ماه محاسبه و اعلام کردند. این مبلغ معادل هزینه زندگی ماهیانه یک خانوار شهری، با تعداد متوسط اعضای ۳/۳ نفر در سال ۱۳۹۹ در کشور بود. با چنین مبنایی و با توجه به تورم افسار گسیخته و فزاینده‌ی کنونی و تورم مورد انتظار در سال آتی، حداقل مزد کارگران در سال ۱۴۰۰ نمی‌تواند کم‌تر از دوازده میلیون و پانصد هزار تومان در ماه باشد و مبلغی کم‌تر از این، حقیقتاً زندگی کارگران و خانواده‌هایشان را دچار کمبودهای جدی خواهد کرد و به سلامت، تغذیه، دارو و درمان، پوشاک، مسکن، رفت و آمد و تأمین نیازهای فرهنگی و در یک کلام، تأمین نیازهای اساسی کارگران و خانواده‌های آن‌ها، لطمات سنگین و جبران ناپذیری وارد خواهد نمود. ضمن این که بحران سلامت در شرایط بیماری همه‌گیر کرونا که حتی طبق آمارهای رسمی به مرگ ده‌ها هزار و ابتلای صدها هزار تن منجر شده است و هزینه‌های گزاف ناشی از این بیماری، ضرورت مبارزه برای مزد حداقلی فوق را باز هم برجسته‌تر می‌کند. با توجه به تورم فزاینده‌ی موجود، کارگران آگاه و فعالان کارگری خواستار این هستند که تعیین حداقل مزد سالانه کارگران، لااقل هر شش ماه یک بار انجام شده و با سبد معیشت واقعی خانوارهای کارگری هماهنگ گردد.

نظریه پردازان و کارشناسان اقتصادی دولت و بخش خصوصی اعلام می‌کنند که: "افزایش مزد باعث تورم می‌شود". واقعیت این است که تورم حاکم در ایران دلایل ویژه اقتصادی و سیاسی خود را دارد و افزایش مزد نقشی در افزایش تورم ندارد. بر اساس یک برآورد علمی اقتصادی، "افزایش مزدها بر مجموع قیمت‌های تولید و از این رو بر مجموع قیمت‌ها و بنا بر این بر تورم تأثیری نمی‌گذارند".

در طول چهل و دو سال گذشته مزدهای حقیقی کارگران، یعنی قدرت خرید طبقه کارگر پیوسته کاهش یافته است، درحالی که همزمان شاهد تورم بسیار بالا و فزاینده‌ای در جامعه بوده‌ایم. ما کارگران نباید تنها نظارمگر به تباهی کشانده شدن هستی و بقای خود باشیم. ما باید به شکلی متحد و متشکل و با تلاشی

آگاهانه، شجاعانه و مستمر، اعتراض‌هایمان را به این وضعیت اسفبار، تا رسیدن به خواسته‌های برحق خود، از جمله افزایش مزد، متناسب با هزینه متوسط جامعه، ادامه دهیم و آن‌ها را به سرمنزل مقصود برسانیم. کارگران برای دستیابی به حقوق همه‌جانبه‌ی خود به تشکل مستقل در سرتاسر کشور نیاز دارند. همان‌گونه که برای زندگی عادی به هوا، آب، خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش، فرهنگ و تفریح نیاز دارند!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران، معلمان و بازنشستگان.

۲۶ بهمن ۱۳۹۹

۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲- سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه

۳- کانون صنفی معلمان اسلامشهر

۴- گروه اتحاد بازنشستگان

۵- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۶- اتحاد بازنشستگان

۷- شورای بازنشستگان ایران

۸- اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

۹- کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران

***گزارشی درباره تجمع سراسری 26 بهمن ماه کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی**

رزمنده دیروزی، گرسنه امروزیم!

با فراخوان گروه‌های مختلف بازنشستگان تامین اجتماعی در 22 شهر قزوین، شیراز، تهران، خرم‌آباد، اصفهان، نیشابور، اراک، اهواز، ایلام، کرج، ارومیه، قزوین، یزد، اردبیل، شوش، تبریز، سنندج، کرمان، مشهد، بجنورد، کرمانشاه، رشت تظاهرات نسبت به موضوعات مستمری‌های حقیرانه و افزایش حقوق‌ها بصورت همسان سازی درست انجام گرفت. هر چند در بجنورد این تظاهرات به درگیری بین پیرمرد‌ها و پلیس انجامید اما در شهرهای دیگر آرام برگزار شد.

در تهران از ساعت 10 بازنشستگان شهرهای کرمانشاه، رشت، قزوین، اراک، قم، ساوه در مقابل مجلس حضور داشتند تا به دیگر بازنشستگان بپیوندند. در بین تجمع‌کنندگان نسخه‌هایی از مصاحبه نمایندگان‌شان با خبرگزاری ایلنا که در هفته قبل صورت گرفته بود پخش شد. بازنشسته‌ها آرام آرام بنرهایشان را به نرده‌ها بسته و بلندگویی که از قبل تهیه شده بود در اختیار بازنشستگان زن و مرد قرار گرفت تا شعارها و سخنرانی‌هایشان را انجام بدهند.

نقطه قابل توجه تظاهرات امروز آن بود که علیرغم بگیر و ببند‌ها و احضار و تهدیدهای تلفنی فعالان بازنشستگان که از هفته قبل شروع شده و تا پاسی از شب گذشته ادامه داشت، تعداد تظاهرکنندگان بیش

از دفعات قبل بود و تظاهرکنندگان خستگی ناپذیر بودند چنانکه تا پاسی از بعد از ظهر همچنان کوبنده شعار می دادند و حق خود را طلب می کردند.

بازنشسته خانمی که از قزوین آمده بود اعلام کرد: «ما تقاضای رسیدگی از نمایندگان مجلس نسبت به خواسته هایمان داریم، تا کی باید بدبختی بکشیم؟ نماینده انتخاب کردیم برای چی؟ حقوقشون را بالا ببرند؟ ما مجموعه بازنشستگان تامین اجتماعی و لشگری و کشوری باید با هم متحد باشیم و استوار و پیگیر تا موفق شویم» سپس شعار «رزمنده دیروزیم، گرسنه امروزیم» را سرداد که با استقبال بازنشستگان روبرو شد. بازنشستگان با حضور موثر خود با اعلام خواسته های صنفی خود از جمله همسان سازی واقعی و رفع تبعض در صندوق های بازنشستگی و بازنشستگان همکار و غیرهمکار فریاد می زدند و خواهان اجرای قانون کار در خصوص افزایش میزان دستمزد طبق تورم و جبران عقب افتادگی دستمزدها مطابق قوانین تامین اجتماعی شدند. تعدادی از بازنشستگان ضمن سخنرانی و توضیحات در مورد بدهی های معوق دولت به صندوق تامین اجتماعی و پرداخت هرچه سریعتر بدهی های صندوق با سود معوقه مطرح کردند که بازنشستگان با دادن شعار تایید می کردند. در دقایق پایانی نماینده اصفهان میان بازنشستگان حاضر شد که با فریادهای اعتراض بازنشستگان روبرو گردید. شعار "نماینده بیا بیرون" و "قالیباف بیا بیرون" بارها سر داده سپس بازنشستگان از مجلس بسوی سازمان برنامه و بودجه راهپیمایی کرده و در حین راه پیمایی منظم، شعار می دادند. جلوی برنامه و بودجه خواهان ملاقات با نوبخت شدند.

دعوت از بازنشستگان معترض برای حضور در سازمان برنامه و بودجه کشور منجر به حضور نمایندگانی از تجمع کنندگان به سازمان برنامه دعوت شده و در نشستی با دکتر عوض پور رییس امور سلامت و رفاه اجتماعی، دغدغه ها و مشکلاتشان را مطرح کردند. اعتراض آنها به تبعیض اجرای قانون متناسب سازی برای بازنشستگان تامین اجتماعی و لشگری و کشوری بود و خواهان آن بودند که طبق قول آقای نوبخت، تا قبل از پایان سال یک بار دیگر همسان سازی واقعی انجام گیرد. در این جلسه به آنها گفته شد که پس از تصویب لایحه دوفوریتی ارسال شده به مجلس، متناسب سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی نیز به صورت صد درصدی اجرا خواهد شد. سوال اینست که چرا در خصوص لایحه ی ارسالی در تاریخ ۱۳۹۹،۹،۲۵ مجلس تا کنون اقدامی نکرده و دولت نیز پیگیر لایحه نبوده است؟! ساعت 14 تجمع پایان یافت.

منبع: کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

***حکم ۵ سال حبس دادگاه بدوی کامیار ذوقی در دادگاه تجدیدنظر به صورت غیابی، عینا تایید شد**

کامیار ذوقی فعال صنفی دانشجویی و دانشجوی انسان شناسی دانشگاه تهران، در دادگاه تجدید نظر به صورت غیابی به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به ۱ سال حبس تعزیری و ۴ سال حبس تعلیقی محکوم شد. کامیار ذوقی، در جریان اعتراضات آبان ۹۸ بازداشت شده بود.

فعالیت در شورای صنفی، تجمع اعتراض به لایحه پوشش در دانشگاه تهران، حضور در تجمعات ۱۶ آذر و اعتراضات آبان ۹۸ دانشگاه تهران، از مصادیق عنوان شده برای صدور این رای است.

با حاشیه امن ایجاد شده برای دستگاه سرکوب در دوران تعطیلی امنیتی دانشگاه ها و انقلاب فرهنگی دوم، دانشجویان در سکوت سرکوب می شوند.

برگرفته از کانال شوراهاى صنفى دانشجویان کشور

akhbarkargari2468@gmail.com